

جزوه داوری داخلی

(دوره داوری دیوان داوری مرکز وکلای قوه قضائیه)

مهران صادقیان

(کارآموز وکالت و پژوهشگر دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی)

شرحی مختصر از سوابق و فعالیت‌ها

- ۱- رتبه اول در کل دوران تحصیلات متوسطه و پیش دانشگاهی در رشته ادبیات و علوم انسانی (۱۳۸۷-۱۳۹۱)
 - ۲- ورود به مقطع کارشناسی حقوق (روزانه) دانشگاه حکیم سبزواری در سال ۱۳۹۱
 - ۳- اخذ کارشناسی حقوق در مدت سه سال (۶ نیم سال) در سال ۱۳۹۴
 - ۴- رتبه سوم در بین دانشجویان هم رشته و هم ورودی در مقطع کارشناسی حقوق دانشگاه حکیم سبزواری
 - ۵- ورود به مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی (روزانه) دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۹۴
 - ۶- اخذ کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۹۶
 - ۷- انجام خدمت وظیفه عمومی به مدت ۲۱ ماه (اسفند ۱۳۹۶ - آذر ۱۳۹۸) در نیروی زمینی ارتش ج.ا.ا و مشارکت در امورات اجرایی و آموزشی دژبان تپ، ۱۳۰ نیروی زمینی ارتش ج.ا.ا (با درجه ستوان دومی)
 - ۸- تألیف کتاب با عنوان «حقوق اساسی تطبیقی؛ عرف اساسی در حقوق ایران و انگلستان» سال ۱۳۹۷
 - ۹- تألیف کتاب به صورت مشترک با عنوان «مطالعه تطبیقی فرآیند انعقاد معاهدات؛ انگلستان، ایالات متحده آمریکا، ایران» سال ۱۳۹۷
 - ۱۰- مقاله با عنوان «نقد برداشت‌های موجود از عرف اساسی با تکیه بر معنای رایج آن در حقوق انگلستان» ارائه شده در نخستین همایش ملی اصول نانوشته قانون اساسی در پردیس فارابی دانشگاه تهران سال ۱۳۹۷ - چاپ شده در کتاب «مجموعه مقالات نخستین همایش ملی اصول نانوشته قانون اساسی» انتشارات دارالعلم سال ۱۳۹۸
 - ۱۱- مدرس حق التدریس دانشگاه بجنورد (ارائه دروس فلسفه حقوق، حقوق رسانه، سازمان‌های بین‌المللی) دی ماه ۱۳۹۷ - تیر ۱۳۹۸
 - ۱۲- اخذ پروانه کارآموزی وکالت کانون وکلای دادگستری مرکز در سال ۱۳۹۹
 - ۱۳- ورود به مقطع دکتری حقوق عمومی (روزانه) دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۹۹
 - ۱۴- سوابق آزمون:
- *رتبه ۵ آزمون دکتری تخصصی حقوق عمومی سال ۱۳۹۹
 - *رتبه ۲۷ آزمون وکالت مرکز وکلای قوه قضائیه سال ۱۳۹۸
 - *رتبه ۲۱۷ آزمون وکالت کانون وکلای مرکز سال ۱۳۹۸
 - *رتبه ۹۲ تستی، ۷۸ تشریحی و قبولی مصاحبه شفاهی علمی آزمون تصدی منصب قضا سال ۱۳۹۵
 - *رتبه ۳۹ آزمون کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی و نفت و گاز سال ۱۳۹۴

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

فهرست مطالب

۶	فصل اول؛ کلیات داوری (آیین داوری، فرآیند داوری از نصب داور تا اجرای رأی داور).....
۶	مبحث اول؛ مفهوم داوری
۶	مبحث دوم؛ تفاوت داوری داخلی و بین المللی
۶	مبحث سوم؛ اقسام داوری
۷	مبحث چهارم؛ اختلافات قابل ارجاع به داوری
۹	مبحث پنجم؛ موافقت نامه داوری
۹	گفتار اول؛ مفهوم موافقتنامه داوری
۱۰	گفتار دوم؛ اوصاف موافقتنامه داوری
۱۰	گفتار سوم؛ شرط داوری نمونه
۱۳	گفتار چهارم؛ انواع موافقت نامه داوری
۱۴	مبحث ششم؛ ممنوعیت های داوری از حیث داور
۱۶	مبحث هفتم؛ آثار عدم رعایت ممنوعیت های داوری
۱۶	مبحث هشتم؛ شیوه های تعیین و نصب داور
۱۶	گفتار اول؛ نصب داور توسط طرفین
۱۷	گفتار دوم؛ تعیین داور توسط شخص ثالث
۱۸	گفتار سوم؛ تعیین داور توسط دادگاه
۲۲	مبحث نهم؛ فرآیند داوری
۲۲	مبحث دهم؛ مدت داوری
۲۳	مبحث یازدهم؛ قرارنامه داوری
۲۳	مبحث دوازدهم؛ داوری فارغ از تشریفات دادرسی
۲۳	مبحث سیزدهم؛ جلب ثالث و ورود ثالث در داوری
۲۳	مبحث چهارم؛ تبادل لوایح
۲۳	مبحث پانزدهم؛ تامین خواسته و دستور موقت در داوری
۲۴	مبحث شانزدهم؛ جلسات داوری
۲۴	گفتار اول؛ الزام یا عدم الزام به تشکیل جلسه

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

- ۲۴ گفتار دوم؛ شیوه دعوت از طرفین و داوران
- ۲۵ گفتار سوم؛ شیوه استماع ادله
- ۲۶ مبحث هفدهم؛ زوال داوری
- ۲۶ مبحث هجدهم؛ صدور رأی
- ۲۸ مبحث نوزدهم؛ تغییر و تکمیل رأی توسط داور
- ۲۹ مبحث بیستم؛ حق الزحمه داور
- ۳۰ مبحث بیست و یکم؛ ابلاغ رأی داور
- ۳۱ مبحث بیست و دوم؛ ابطال رأی داور
- ۳۵ مبحث بیست و سوم؛ توقف اجرای رأی داور
- ۳۶ مبحث بیست و چهارم؛ اجرای رأی داور
- ۳۸ فصل دوم؛ داوری در دعاوی دولتی و عمومی
- ۳۸ مبحث اول؛ تفاوت ضوابط و قواعد داوری دعاوی دولتی و عمومی با سایر اقسام داوری
- ۳۹ مبحث دوم؛ اموال دولتی
- ۴۱ مبحث سوم؛ اموال عمومی
- ۴۲ مبحث چهارم؛ محدودیت‌های ناظر بر فرآیند داوری
- ۴۲ مبحث پنجم؛ محدودیت‌های ناظر به شخص داور
- ۴۳ مبحث ششم؛ الزامات در مرحله صدور رأی داور
- ۴۳ مبحث هفتم؛ الزامات در مرحله اجرای رأی داور
- ۴۳ مبحث هشتم؛ آثار عدم رعایت ضوابط داوری اموال دولتی و عمومی
- ۴۳ گفتار اول؛ عدم رعایت ضوابط ارجاع داوری
- ۴۳ گفتار دوم؛ عدم رعایت محدودیت‌های ناظر بر شخص داور
- ۴۳ گفتار سوم؛ عدم رعایت ضوابط ناظر به صدور رأی
- ۴۳ مبحث نهم؛ چهره‌های خاص داوری اموال دولتی و عمومی
- ۴۳ گفتار اول؛ داوری دعاوی پیمان
- ۴۴ گفتار دوم؛ داوری دعاوی خصوصی سازی

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

- ۴۴ فصل سوم؛ داوری در دعاوی خانواده
- ۴۴ مبحث اول؛ داوری در قرآن
- ۴۵ مبحث دوم؛ سیر تاریخی قوانین موضوع مربوط به داوری خانوادگی
- ۴۵ مبحث سوم؛ آیین داوری در دعاوی خانوادگی
- ۴۸ فصل چهارم؛ قوانین و مقررات مربوط به داوری
- ۴۸ مبحث اول؛ اصل ۱۳۹ قانون اساسی
- ۴۸ مبحث دوم؛ باب هفتم قانون آیین دادرسی مدنی - داوری
- ۵۴ مبحث سوم؛ قانون داوری تجاری بین‌المللی
- ۶۴ مبحث چهارم؛ آئین نامه حق الزحمه داوری
- ۶۵ مبحث پنجم؛ لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری
- ۶۷ مبحث ششم؛ مواد مرتبط از قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱
- ۶۸ مبحث هفتم؛ ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان
- ۶۹ مبحث هشتم؛ مواد مرتبط از قانون برنامه توسعه سوم و قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

فصل اول؛ کلیات داوری (آیین داوری، فرآیند داوری از نصب داور تا اجرای رأی داور)

مبحث اول؛ مفهوم داوری

قانون گذار در بند الف ماده ۱ قانون داوری تجاری بین المللی داوری را تعریف نموده است؛ این تعریف قابل تسری به آیین دادرسی مدنی نیز است.

الف - «داوری» عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه بوسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی. (ماده ۱ قانون داوری تجاری بین المللی)

مهم ترین مؤلفه داوری این است که داوری یک نهاد توافق محور است. مشخصه اصلی داوری نیز رفع اختلاف خارج از دادگاه است (کارمندان و قضات دستگاه قضایی حق داوری ندارند).

داوری به معنای اخص و دقیق کلمه آن است که اشخاص توافق کنند که اختلاف آنها بجای طرح در دادگستری توسط شخص یا اشخاصی به نام داور حل و فصل گردد.

داور می تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد. (بند الف ماده ۱ قانون داوری تجاری بین المللی) البته اختلافی است.

مذاکره به منزله داوری نیست؛ چرا که داوری یک نهاد شبه قضایی است (هم شبه قضایی و هم توافق محور) چرا که داور قرار است یک تصمیم الزام آور اتخاذ کند. اجرای رأی داور تابع قانون اجرای احکام مدنی و قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی است.

داوری الزام آور است، یعنی اگر طرفین بر داوری توافق کردند ملزم خواهند بود که خود را در چهارچوب مقررات داوری قرار دهند. و در صورت وجود شرط داوری و مراجعه به دادگاه، دادگاه قرار عدم استماع دعوا صادر می نماید.

مبحث دوم؛ تفاوت داوری داخلی و بین المللی

داوری داخلی داوری است که هر دو طرف دارای تابعیت ایرانی هستند اگر حتی تابعیت یکی از طرفین اختلاف غیر ایرانی باشد و این دو طرف نسبت به داوری توافق کرده باشند، چون که تابعیت یکی از آنها غیر ایرانی است در این خصوص قانون داوری تجاری بین المللی بر اختلاف آنها حاکم خواهد شد.

ب - داوری بین المللی عبارتست از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد. (ماده ۱ قانون داوری تجاری بین المللی)

شخص دو تابعیتی مثلاً یک شخص هم تابع ایران و هم تابع کانادا، طبق قانون ایران تبعه ایران است.

مبحث سوم؛ اقسام داوری

داوری موردی: (ADHOC) داوری انجام شود بدون اینکه یک نهادی داوری را مدیریت کند.

داوری سازمانی: INSTITUTIONAL ARBITRATION به این معنا که یک سازمان داوری یا نهاد داوری پشت سر داوری است و داوری را مدیریت می کند. (نصب داور، ابلاغ دعوت نامه به اصحاب دعوا جهت حضور، ابلاغ رأی داور، ابلاغ طرفین برای

پرداخت دستمزد و ... را مدیریت می کند.) مثل مرکز داوری اتاق بین المللی بازرگانی (در سطح بین المللی) یا مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران، یا دیوان داوری مرکز وکلا و کارشناسان قوه قضائیه

مبحث چهارم؛ اختلافات قابل ارجاع به داوری

اصل بر آن است که تمام اختلافات قابلیت ارجاع به داوری را دارند مگر در مواردی که قانون گذار خلافش را تصریح کرده باشد. (اصل بر داوری پذیری اختلافات است.) در این خصوص چند مورد را بررسی می نمایم:

۱- دعاوی محجورین: ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی، کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند.... (یک نظر این است که این دعاوی داوری پذیر نیستند، نظر دیگر آن است که قانون گذار در ماده ۴۵۴ اشاره به قرارداد داوری دارد نه اینکه دعاوی محجورین داوری پذیر نباشد. بر مبنای قیاس اولویت از ماده ۱۲۴۲ ق.م.وقتی قیام می تواند دعاوی مولی علیه را به صلح و سازش خاتمه دهد پس چه اشکالی دارد که این دعاوی را به داوری ارجاع دهد. نظر اقوی این است که قیام با اجازه دادستان می تواند دعاوی محجور را به داوری ارجاع دهد. اما ولی قهری و وصی منصوب نیازی به اجازه دادستان ندارد.

۲- اختلافات بانکی، بورسی و بیمه‌ای: در این سه مورد هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد که این موارد قابل ارجاع به داوری هستند البته در خصوص بانک‌های دولتی یا شرکت‌های دولتی که در زمینه بیمه فعالیت می کنند، با مشکل ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری مواجه هستیم. (مطابق اصل ۱۳۹ ق.ا.محدودیت داریم)

در خصوص اختلافات بورسی، می توان با توافق اختلافات بورسی را از هیات داوری سازمان بورسی گرفت و نزد داور مورد توافق خود مطرح نمود و هیچ ایرادی ندارد.

در خصوص اختلافات ناظر به حقوق رقابت، اگر در خصوص رقابت غیر عادلانه، اختلافی ایجاد شود، شورای عالی رقابت برای رسیدگی به این امور پیشی بینی شده است. و از آنجا که با حقوق عمومی در ارتباط است داوری پذیر نیست. در واقع امور مرتبط با حقوق عمومی، قابل ارجاع به داوری نیستند، مانند ورشکستگی.

باید توجه داشت که صدور حکم ورشکستگی (دعوی ورشکستگی) قابل ارجاع به داوری نیست اما دعاوی شخص ورشکسته قابل ارجاع به داوری است.

اختلافات خانوادگی: مطابق ماده ۴۹۶ قانون آدم اصل نکاح، فسخ نکاح، طلاق و نسب غیر قابل ارجاع به داوری است. و سایر دعاوی خانوادگی قابل ارجاع به داوری هستند.

در قانون حمایت خانواده سه نوع طلاق داریم، طلاق به درخواست زن (حکم طلاق) ۲- طلاق به درخواست مرد (گواهی عدم امکان سازش) در این دو مورد قاضی قبل از صدور حکم طرفین را به داوری ارجاع می دهد. ۳- طلاق توافقی (گواهی عدم امکان سازش)، در این مورد قاضی قبل از صدور رأی به مراکز مشاوره خانواده ارجاع می دهد.

داوری مندرج در قانون حمایت خانواده، داوری به معنای اخص و دقیق کلمه نیست، و در واقع نوعی میانجیگری وابستگان زوجین (یکی از نزدیکان مرد و یکی از نزدیکان زن) جهت سازش و آشتی دادن است، و قرار بر این نیست که این داوران رأی صادر کنند.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/@sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

امور حسبی (امور غیر ترافیعی)، قابل ارجاع به داوری نیستند؛ چرا که امور حسبی به معنای اخص کلمه دعوا نیستند لذا قابل ارجاع به داوری نیستند.

امور حسبی در برابر امور ترافیعی هستند و بدون اینکه میان افراد اختلاف ایجاد شده باشد، دادگستری خود رسیدگی می کند. داور نمی تواند قواعد آمره ماهوی را رعایت نکند.

مطابق ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی مدنی داور صلاحیت کیفری ندارد.

«هرگاه ضمن رسیدگی مسایلی کشف شود که مربوط به وقوع جرمی باشد و در رأی داور مؤثر بوده و تفکیک جهات مدنی از جزایی ممکن نباشد و همچنین در صورتی که دعوا مربوط به نکاح یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امری که رجوع به داوری شده متوقف بر رسیدگی به اصل نکاح یا طلاق یا نسب باشد، رسیدگی داوران تا صدور حکم نهایی از دادگاه صلاحیتدار نسبت به امر جزایی یا نکاح یا طلاق یا نسب متوقف می گردد.» (ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی مدنی)

«ادعای جعل و تزویر در سند بدون تعیین عامل آن و یا در صورتی که تعقیب وی به جهتی از جهات قانونی ممکن نباشد مشمول ماده قبل نمی باشد.» (ماده ۴۷۹ قانون آیین دادرسی مدنی)

میانجیگری مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری، سازوکاری است برای گذشت و میانجیگر رأی صادر نمی کند.

البته داور می تواند در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم چه در جرائم قابل گذشت و چه در جرائم غیر قابل گذشت رسیدگی کند.

اگر داور در حین رسیدگی به جرمی برخورد کرد داوری متوقف می شود تا دادگاه کیفری رأی صادر نماید.

آیا داور می تواند نسبت به خسارات رأی صادر نماید؟

زمانی که صحبت از کلیه اختلافات ناشی از این قرارداد می شود؛ به نظر می رسد این موارد نیز در چارچوب قرارداد داوری به عنوان کلی قرار می گیرد پس داور می تواند راجع به خسارات هم رأی صادر کند. در مورد حق الوکاله و کیل به شدت اختلاف نظر وجود دارد. چرا که گفته می شود شخص می تواند برای انتخاب وکیل به هر شخصی حتی غیر از وکیل دادگستری رجوع کند و به آن نمایندگی بدهد حالا آیا حق الوکاله ای که شخص به وکیل داده جزء اختلافات ناشی از قرارداد تلقی می شود یا خیر؟ حق الوکاله وکیل به طور مستقیم اختلاف ناشی از قرارداد نیست لذا به نظر می رسد در خصوص صدور رأی نسبت به حق الوکاله وکیل در اینجا با مشکل مواجه باشیم و داور نتواند به این راحتی راجع به حق الوکاله وکیل هم رأی بدهد البته طرفی که برای حضور در نزد داور و برای طرح اختلاف نظر داور مجبور شده وکیل بگیرد می تواند بعداً حق الوکاله وکیل را به موجب طرح دعوا از طرف مقابل وصول کند لذا به نظر می رسد داور در این خصوص نتواند صدور رأی کند.

آیا داور می تواند رأی الزام به تنظیم سند رسمی صادر نماید؟

برخی می گویند داور نمی تواند برای الزام به تنظیم سند رسمی رأی صادر نماید ولی این نظر نمی تواند صحیح باشد چرا که رأی داور در اینجا خلاف دفتر املاک نیست اتفاقاً چون در دفتر املاک ملک به نام الف است و شخص داور این قضیه را به رسمیت می شناسد و چون الف متعهد شده است که ملک را به نام شخص ب منتقل کند؛ پس رأی داور بر این مبنا صحیح به نظر می رسد.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

آیا داور می‌تواند حکم به ابطال سند رسمی صادر نماید؟ اگر تنظیم سند بر مبنای یک مورد باطل مانند قرارداد باطل باشد می‌تواند حکم ابطال سند رسمی صادر نماید.

اختلافات دولتی: با وجود اصل ۱۳۹ قانون اساسی، در ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری با شروط و محدودیت‌هایی مواجه هستیم: ۱- تصویب هیات وزیران ۲- اطلاع مجلس ۳- در دو دسته از دعاوی علاوه بر تصویب هیات وزیران تصویب مجلس نیز، ضروری است و آن هم در دعاوی مهم و دعاوی خارجی.

در قانون اساسی هیچ ضابطه‌ای برای تشخیص موضوع «مهم» بیان نشده است. برخی معتقدند که شورای نگهبان به عنوان مرجع تفسیر قانون اساسی، باید مصداق دعاوی مهم را مشخص کند.

اینکه امروزه می‌بینیم که بعضی از دعاوی دستگاه‌های دولتی عملاً به داوری ارجاع می‌شود و دادگاه هم این داوری را می‌پذیرد و داور هم رأی صادر می‌کند؟ آیا این امر غیرقانونی است؟ خیر. اولاً اینکه در قانون اساسی دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی ارجاع آن‌ها به داوری دارای محدودیت است. بسیاری از دعاوی که دستگاه‌های دولتی دارند راجع به اموال نیست. مثلاً قراردادی است (تعهدات، الزامات و ...) دوم اینکه، بعضی محاکم اعمال حاکمیت را از اعمال تصدی جدا می‌کنند، اگر اختلاف در اعمال تصدی باشد، این اختلاف قابل ارجاع به داوری است چون در زمینه اعمال تصدی، دولت شانی مانند سایرین دارد. سوم اینکه، مطابق آخرین اصلاحیه آیین نامه اموال دولتی، اموال شرکت‌های دولتی از تعریف اموال دولتی خارج شده است. امروزه اموال شرکت‌های دولتی، اموال دولتی محسوب نمی‌شوند، بخش اعظم کار شرکت‌های دولتی اعمال تصدی است و لذا دعاوی آن‌ها به داوری ارجاع می‌شود، چهارم، در خود برخی قوانین یا آیین نامه‌ها، برای اختلافات دستگاه‌های دولتی، نهاد داوری را پذیرفته است. (اختلافی است).

شرایط عمومی پیمان؛ در این مصوبه که برای دستگاه‌های دولتی در قراردادهای عمرانی پیمان لازم‌الاتباع است، ساز و کار داوری را برای اختلاف پیش‌بینی کرده است. (ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان)

مبحث پنجم؛ موافقت نامه داوری

گفتار اول؛ مفهوم موافقتنامه داوری

«موافقتنامه داوری» توافقی است بین طرفین که به موجب آن تمام یا بعضی از اختلافاتی که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر قراردادی به وجود آمده یا ممکن است پیش آید، به داوری ارجاع می‌شود. موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در قرارداد و یا به صورت قرارداد جداگانه باشد. (بند ج ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی)

منشأ داوری از موافقت نامه داوری است. برای ارجاع اختلاف به داوری در وهله اول نیاز به یک موافقتنامه داوری است. از آنجا که این موافقتنامه منشأ داوری است لذا باید در انتخاب الفاظی که در ارجاع اختلافات به داوری انتخاب می‌کنیم دقت کافی به خرج دهیم.

گفتار دوم؛ اوصاف موافقتنامه داوری

بخش اعظم مواد قانون آیین دادرسی مدنی راجع به داوری جنبه تکمیلی دارند. یعنی می‌توان بر خلاف آن‌ها توافق کرد چرا که داوری یک نهاد توافق محور است و طرفین می‌توانند در موافقت نامه داوری هر آن چه می‌خواهند به شرط آن که خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد توافق کنند.

داوری: ۱- توافق محور ۲- شبه قضایی؛ یعنی داور کار دادگستری را انجام می‌دهد. پس در تعیین اوصاف توافق بر داوری دست طرفین باز است و اگر سکوت کردند قانون حکم خود را بار می‌کند. ۳- موافقت نامه داوری الزام آور است. (شرط داوری) وقتی شرط کردیم باید ملزم به آن باشیم. (ماده ۲۱۹ ق.م) داوری جزء عقود لازم است. مطابق ماده ۴۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی - در موارد زیر داوری از بین می‌رود:

۱- با تراضی کتبی طرفین دعوا.

۲- با فوت یا حجر یکی از طرفین دعوا.

زمانی که از تراضی کتبی طرفین سخن گفته می‌شود منظور اقاله است، و زمانی که صحبت از اقاله می‌شود در واقع ما با یک عقد لازم مواجه هستیم که به صورت یک جانبه قابل فسخ نیست.

البته با توجه به این که داوری با فوت یا حجر یکی از طرفین دعوا زایل می‌شود از این جهت شبیه عقود جایز اذنی است.

گفتار سوم؛ شرط داوری نمونه

در ارجاع اختلافات به داوری از چه الفاظی استفاده کنیم:

«کلیه اختلافات راجع به و ناشی از تفسیر و تغییر و اجرای مفاد قرارداد و اختلافات درباره انحلال و بطلان قرارداد و اختلافات ناشی از انحلال و بطلان قرارداد و آثار انحلال و بطلان قرارداد حاضر، چه در مدت اعتبار قرارداد و چه پس از خاتمه مدت قرارداد به داوری ارجاع می‌گردد.»

نباید هیچ موضوعی از حوزه داوری خارج بماند چرا که در موارد تردید اصل بر صلاحیت مرجع قضایی است.

در داوری داخلی داور صلاحیت نسبت به صلاحیت ندارد، یعنی اینکه داور صلاحیت و مشروعیت خودش را از موافقتنامه داوری گرفته است، محاکم قضایی صلاحیت و مشروعیت خود را از قانون می‌گیرند، بنابراین وقتی راجع به خود موافقتنامه داوری اختلاف است که آیا این موافقت نامه داوری باطل است یا خیر، داور نمی‌تواند راجع به خود موافقتنامه داوری اظهار نظر نماید اما با شرط داوری نمونه موسع فوق، این اختیار را به داور می‌دهیم.

ماده ۲۴۶ قانون مدنی، در صورتی که معامله بهم بخورد شرط ضمن آن نیز زایل می‌شود. در شرط داوری نمونه، حتی در صورت انحلال عقد نیز این شرط داوری به قوت خود باقی است وقتی اختلافات بعد از انحلال و اختلافات ناشی از انحلال و آثار انحلال ... به داوری ارجاع می‌شود.

چه در مدت اعتبار قرارداد و چه پس از خاتمه قرارداد

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/@sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

درج زمان در قراردادها، قید اعتبار قرارداد (مثل عقد اجاره) (مقید به زمان)، با انقضای زمان قرارداد منحل می‌شود. در برخی موارد زمان موعد اجرای تعهدات قراردادی است، در این دسته با انقضای زمان، شرط داوری به قوت خود باقی است. در شرط داوری نمونه، حتی اگر قرارداد یک قرارداد مقید به زمان باشد، شرط داوری هم چنان به قوت خودش باقی باشد. از عبارت داور مرضی الطرفین استفاده نکنیم. از عبارت نماینده به جای داور استفاده نکنیم؛ استفاده از عبارت نماینده به جای داور می‌تواند این تردید را ایجاد نماید که هدف داوری نبوده و صرفاً مذاکره است.

در موافقتنامه داوری بهتر است نام یک شخص به عنوان داور ذکر نشود؛ اگر در موافقت نامه داوری نام یک شخص به عنوان داور ذکر شود، اصطلاحاً به آن موافقت نامه، موافقت نامه داوری مقید می‌گویند، اگر این شخص نخواهد یا نتواند داوری کند، داوری زایل می‌شود. ماده ۴۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه طرفین ملتمز شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آنها شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند به عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیز تراضی نمایند، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود.»

آیا می‌توان شخص حقوقی را به عنوان داور انتخاب کنیم؟ در این مورد اختلاف نظر وجود دارد، ادله متعددی وجود دارد که شخص حقوقی نیز می‌تواند داوری کند ولی بهتر است شرط اختلافی درج نشود.

برخی معتقدند که اختیار حل و فصل اختلافات را نمی‌توان به یکی از طرفین سپرد و این شرط باطل است، چرا که خلاف مقتضای ذات داوری است. برخی نیز به استناد ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی چنین شرطی را می‌پذیرند. «دادگاه نمی‌تواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین: ۲- کسانی که در دعوا ذینفع باشند.»

نظر دیگر این است که با تراضی طرفین می‌توانی اشخاص ثالثی را که در دعوا ذینفع هستند به عنوان داور انتخاب کنیم، نه آن که یکی از طرفین را به عنوان داور در نظر بگیریم و این خلاف مقتضای ذات داوری است.

به عنوان وکیل و مشاوره حقوقی، باید شرط داوری را به گونه‌ای تنظیم نمود که در معرض تفاسیر مختلف و ابهام و نظرات گوناگون قضات نباشد.

تعارض داوری و دادرسی:

اگر در قراردادی شرط داوری درج شده باشد و نسبت به آن قرارداد در محاکم دادگستری طرح دعوا شود، واکنش قاضی چه باید باشد؟

وقتی در قراردادی شرط داوری درج شده باشد، یعنی طرفین این طور توافق کرده‌اند که رسیدگی به اختلافات ناشی از این قرار دارد به داوری ارجاع شود، حال اگر یکی از طرفین این توافق را نادیده بگیرد و به جای مراجعه به داوری مستقیماً به دادگاه مراجعه کند، دادگاه باید چه واکنشی نشان دهد؟ ۱- در فرض ایراد کردن خوانده، در این صورت دادگاه نباید به این دعوا رسیدگی کند و قرار عدم استماع صادر می‌کند ۲- در فرض ایراد نکردن خوانده، در قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص تعیین تکلیف نشده

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

است ولی در قانون داوری تجاری بین المللی مطابق ماده ۸، عدم رسیدگی دادگاه منوط به ایراد خواننده است آن هم تا پایان اولین جلسه دادرسی.

ماده ۸ قانون داوری تجاری بین المللی؛ «دادگاهی که دعوی موضوع موافقتنامه داوری نزد آن اقامه شده است باید در صورت درخواست یکی از طرفین تا پایان اولین جلسه دادگاه، دعوی طرفین را به داوری احاله نماید، مگر اینکه احراز کند که موافقتنامه داوری باطل و ملغی الاثر یا غیر قابل اجرا می باشد. طرح دعوا در دادگاه مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داوری و صدور رأی داوری نخواهد بود.»

برخی استدلال می کنند وقتی خواننده ایراد نمی کند یعنی به صورت ضمنی از شرط داوری صرف نظر کرده است و با توجه به صلاحیت عام محاکم دادگستری، به دعوی رسیدگی می کنند، مضافاً به این که با قیاس موضوع با داوری تجاری بین المللی باز هم می توان به چنین نتیجه ای رسید.

رویه بسیاری از محاکم در داوری داخلی این است که در صورت مشاهده شرط داوری حتی بدون ایراد خواننده قرار عدم استماع صادر می کنند.

علاوه بر دلیل کارکرد گرایانه به منزله کاستن از تراکم پرونده ها، دلیل تئوری و قانونی عدم رسیدگی دادگاه ها، این است که اگرچه خواننده ایراد نکرده است ولی نمی توان عدم ایراد خواننده را به منزله عدول از داوری دانست، چرا که در قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص زوال داوری قانون گذار در ماده ۴۸۱، «تراضی کتبی طرفین» را ملاک قرار داده است. بنابراین برای عدول از داوری نیاز به تراضی کتبی است و صرف اینکه خواننده ایراد نکرد به منزله عدول از داوری تلقی نخواهد شد.

در صورت ابهام قرارداد و اختلاف بین داوری و دادرسی تکلیف چیست؟

در داوری داخلی، مطابق اصل ۱۵۹ قانون اساسی، دادگستری مرجع عام رسیدگی به تظلمات است. لذا اگر در حیطه داوری داخلی به این تردید رسیدیم که آیا این شرط، شرط داوری است یا خیر، بنا بر این گذاشته می شود که شرط داوری نیست.

اما در داوری بین المللی برعکس است، در داوری بین المللی هر شرط مبهمی را که تردید کردیم آیا منظور داوری بوده یا خیر، در موارد شک و تردید بنا بر این گذاشته می شود که منظور شرط داوری بوده است، به دلیل اینکه در قراردادهای بین المللی در اکثر موارد، اشخاص توافق بر داوری می کنند و ما با یک اماره عرفی و با یک ظهور مواجه هستیم، اماره عرفی و شواهد و قراین ما را به سمت داوری راهنمایی می کند. (ظهور و غلبه عرفی بر شرط داوری)

استقلال یا عدم استقلال شرط داوری:

شرط مستقل، شروطی هستند که با انحلال عقد از بین نمی روند، اگر عقد زایل شد یا اگر معلوم شد که عقد باطل است این شروط مستقل اصولاً به قوت خود باقی می مانند.

در قانون آیین دادرسی مدنی و در داوری داخلی شرط داوری یک شرط مستقل نیست اما در داوری تجاری بین المللی شرط داوری یک شرط مستقل است.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

هرگاه نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری بین طرفین اختلافی باشد دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظر می نماید. (ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی)

«داور» می تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند. شرط داوری که به صورت جزئی از یک قرارداد باشد از نظر اجرای این قانون به عنوان موافقتنامه ای مستقل تلقی می شود، تصمیم «داور» در خصوص بطلان و ملغی الاثر بودن قرارداد فی نفسه به منزله عدم اعتبار شرط داوری مندرج در قرارداد نخواهد بود. (بند ۱ ماده ۱۶ قانون داوری تجاری بین المللی)

اما با توافق می توان شرط را تبدیل به شرط مستقل کرد.

گفتار چهارم؛ انواع موافقت نامه داوری

الف- موافقتنامه داوری پیشا اختلاف

«متعاملین می توانند ضمن معامله ملزم شوند و یا به موجب قرارداد جداگانه تراضی نمایند که در صورت بروز اختلاف بین آنان به داوری مراجعه کنند و نیز می توانند داور یا داوران خود را قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین نمایند.» (ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی)

ب- موافقتنامه داوری پسا اختلاف

«کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاهها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند.» (ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی)

۱- اختلاف منجر به طرح دعوا نشده (پسا اختلاف و پیشا دادرسی)

۲- اختلاف منجر به طرح دعوا شده (پسا اختلاف و پسا دادرسی) و توافق در جریان دادرسی حاصل شده (تا قبل از ختم دادرسی در تمام مراحل دادرسی مطابق ماده ۴۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی) می توان به داوری رجوع کرد. در این موارد دادگاه به منظور ارجاع موضوع به داوری قرار توقیف دادرسی صادر می نماید و ابلاغ رأی داور، اجرای رأی داور و درخواست اجرای رأی داور با همین دادگاه است. (ماده ۴۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی). این قرار تا زمانی ادامه دارد که رأی داور صادر شود یا بطلان رأی داور صادر شود و قطعی شدن ابطال رأی داور باقی می ماند. تا زمانی که رأی داور به موجب رأی قطعی باطل شود، در این صورت دادگاه به رسیدگی اصل دعوا ادامه می دهد. طرفین مجدداً با توافق می توانند از داوری عدول کنند و از دادگاه بخواهند که توقیف دادرسی را برطرف کند.

ماده ۴۹۱ - چنانچه اصل دعوا در دادگاه مطرح بوده و از این طریق به داوری ارجاع شده باشد، در صورت اعتراض به رأی داور و صدور حکم به بطلان آن، رسیدگی به دعوا تا قطعی شدن حکم بطلان رأی داور متوقف می ماند.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

«چنانچه دعوا در مرحله فرجامی باشد، و طرفین با توافق تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند یا مورد از موارد ارجاع به داوری تشخیص داده شود، دیوان عالی کشور پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته ارسال می‌دارد. در صورت فوت یا حجر یک طرف، داوری هم زایل می‌شود. دادگاه با حضور وراثت شخص متوفی یا قیم محجور به رسیدگی ادامه می‌دهد.» (ماده ۴۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی)

موافقت نامه داوری مقید به نام داور

«هرگاه طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آنها شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند به‌عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیز تراضی ننمایند، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود.» (ماده ۴۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی)

ج- موافقتنامه داوری مقید به داوری مرضی الطرفین

د- موافقتنامه داوری بلا قید (مطلق)

مبحث ششم؛ ممنوعیت‌های داوری از حیث داور

قانون گذار برای داور شروط و اوصاف چندانی را الزامی ندانسته و فقط به بیان پاره‌ای از محدودیت و ممنوعیت‌ها اکتفا کرده است. الف- ممنوعیت‌های مطلق: اشخاصی که در هیچ پرونده‌ای و به هیچ وجه نمی‌توانند داوری کنند. نه از جانب دادگاه قابل انتخاب هستند نه از جانب طرفین. حتی اگر طرفین با توافق این اشخاص را به عنوان داور انتخاب کنند باز هم داوری آن‌ها ممنوع است.

۱- قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی (قضات بازنشسته از داوری ممنوع نیستند).

کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی نمی‌توانند داوری نمایند هرچند با تراضی طرفین باشد. (ماده ۴۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی)

۲- محجورین (اشخاص فاقد اهلیت قانونی مثل صغیر، مجنون، سفیه در امور مالی)

اگر موضوع داوری مالی است شخص داور باید دارای بلوغ، عقل و رشد باشد. اما اگر موضوع داوری غیرمالی است عقل و بلوغ کفایت می‌کند.

۳- اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه یا در اثر آن از داوری محروم شده‌اند.

اشخاص زیر را هر چند با تراضی نمی‌توان به‌عنوان داور انتخاب نمود:

۱- اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند.

۲- اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوری محروم شده‌اند. (ماده ۴۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی)

۴- داور پس از قبول داوری بدون عذر موجه در جلسات حاضر نشده یا استعفا دهد، یا از دادن رأی امتناع نماید، تا پنج سال از حق انتخاب شدن به داوری محروم می‌شود.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

«چنانچه داور پس از قبول داوری بدون عذر موجه از قبیل مسافرت یا بیماری و امثال آن در جلسات داوری حاضر نشده یا استعفا دهد و یا از دادن رأی امتناع نماید، علاوه بر جبران خسارات وارده تا پنج سال از حق انتخاب شدن به داوری محروم خواهد بود.» (ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی)

ب- ممنوعیت‌های نسبی: اشخاصی در پرونده خاصی و در شرایط خاصی از داوری ممنوع باشند. اما در پرونده دیگر و در شرایط دیگر از داوری ممنوع نباشند.

در مورد معاملات و قراردادهای واقع بین اتباع ایرانی و خارجی، تا زمانی که اختلافی ایجاد نشده است طرف ایرانی نمی‌تواند به نحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داور یا داوران یا هیأتی ارجاع نماید که آنان دارای همان تابعیتی باشند که طرف معامله دارد. هر معامله و قراردادی که مخالف این منع قانونی باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بلااثر خواهد بود. (ماده ۴۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی)

دادگاه نمی‌تواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین:

۱ - کسانی که سن آنان کمتر از بیست و پنج سال تمام باشد. ۲ - کسانی که در دعوا ذی‌نفع باشند. ۳ - کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند. ۴ - کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا می‌باشند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنان باشد. ۵ - کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند. ۶ - کسانی که با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند. ۷ - کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارند. ۸ - کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان. (ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی)

در مورد ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی باید توجه نمود که فقط دادگاه نمی‌تواند این اشخاص را انتخاب کند، البته دادگاه با تراضی طرفین هم می‌تواند از بین این افراد انتخاب نماید. در موردی که شخص ثالث وظیفه انتخاب داور را برعهده دارد نیز منعی برای انتخاب این افراد وجود ندارد.

۳- قانون منع مداخله: این اشخاص از انجام معامله یا داوری در مواردی که یکی از طرفین دعوا دستگاه دولتی باشد ممنوع هستند.

بحث استقلال و بی‌طرفی داور در قانون آیین دادرسی مدنی مورد توجه قرار نگرفته است ولی در قانون داوری تجاری بین المللی مورد توجه واقع شده است. مطابق ماده ۱۲ این قانون؛ «۱- «داور» در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی‌طرفی و استقلال او شود، و یا اینکه واجد اوصافی که مورد توافق و نظر طرفین بوده است، نباشد. هر طرف صرفاً به استناد علی که پس از تعیین «داور» از آنها مطلع شده، می‌تواند داوری را که خود تعیین کرده و یا در جریان تعیین او مشارکت داشته است، جرح کند. ۲- شخصی که به عنوان داور مورد پیشنهاد قرار می‌گیرد، باید هرگونه اوضاع و احوالی را که

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

موجب تردید موجه در مورد بی طرفی و استقلال او می شود، افشا نماید. «داور» باید از موقع انتصاب به عنوان «داور» و در طول جریان داوری نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تأخیر به طرفین اطلاع دهد، مگر اینکه قبلاً آنان را از اوضاع و احوال مذکور مطلع نموده باشد.»

مبحث هفتم؛ آثار عدم رعایت ممنوعیت های داوری

بند ۶ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، رأی داور در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد: بند ۶، رأی به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رأی نبوده اند.

تعداد داوران تابع توافق طرفین است. قانون گذار هیچ الزامی برقرار نکرده است. اما در صورت سکوت موافقتنامه داوری، قانون گذار تعداد داوران را سه نفر تعیین کرده است. در نظام حقوقی ایران برای زوج بودن تعداد داوران هیچ منعی وجود ندارد ولی معمولاً فرد است.

آیا شخص حقوقی می تواند داوری کند؟ در این خصوص اختلاف نظر است. برخی می گویند حتی در داوری های سازمانی این شخص حقیقی است که داوری می کند، و کسی که رأی می دهد، شخص حقیقی است. به نظر می رسد هیچ اشکالی ندارد که اصل داوری را نیز در صلاحیت شخص حقوقی قرار دهیم. در ماده ۱ قانون داوری تجاری بین المللی، در مقام تعریف داوری، شخص حقوقی هم به عنوان داور ذکر شده است. در قانون آیین دادرسی مدنی نیز منعی وجود ندارد.

قانون گذار در ماده ۵۸۸ قانون تجارت، مقرر می دارد شخص حقوقی دارای کلیه حقوق و تکالیفی است که قانون برای افراد قائل است بنابراین چون داوری از اختصاصات انسان نیست و ربطی به روحیات و پدری و فرزندگی ندارد پس اشخاص حقوقی هم می توانند داوری نمایند.

قانون گذار در یک سری از قوانین نیز، داوری اشخاص حقوقی را پذیرفته است، مانند ماده ۴۲ قانون شورای حل اختلاف، ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان لذا هیچ منع قانونی برای داوری شخص حقوقی وجود ندارد.

مبحث هشتم؛ شیوه های تعیین و نصب داور

گفتار اول؛ نصب داور توسط طرفین

توسط طرفین در موافقت نامه داوری پیشا اختلاف (تعیین داور در الحاقیه به موافقت نامه داوری پیشا اختلاف) - در موافقت نامه داوری پس اختلاف معمولاً داور هم تعیین می شود.

«هرگاه طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آنها شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند به عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیز تراضی ننمایند، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود.» (ماده ۴۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی) به عبارت دیگر اگر موافقت نامه داوری یک موافقت نامه داوری مقید باشد، در این صورت با منتفی شدن داوری آن شخص خاص، اصل داوری هم زایل می شود. (که این امر یک ایراد بزرگ است ولی مزیت آن مشخص بودن داور است)

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

انتخاب یکی از طرفین به عنوان داور: برخی بر این نظرند زمانی که طرفین بر داوری یکی از طرفین توافق می‌نمایند بلامانع است و از این جهت منعی وجود ندارد و در ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی نیز اشخاص ذینفع توسط دادگاه قابل تعیین نیستند اما با تراضی طرفین قابل تعیین هستند. اما به نظر می‌رسد منظور از اشخاص ذینفع، شخص ذینفع ثالث است نه یکی از طرفین و این امر خلاف مقتضای ذات داوری است و آنقدر بدیهی است که قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی مدنی نیازی به ذکر آن ندانسته است. آیا می‌توانیم یکی از طرفین را به عنوان مقام ناصب داور تعیین کنیم؟ بله و این با منعی مواجه نیست.

هر شخصی که داور را تعیین می‌کند باید اخذ قبولی داوری را از آن شخص بگیرد، یعنی فرآیند نصب داور زمانی خاتمه می‌یابد که از آن داور قبولی اخذ شود.

«در هر مورد که داور یا داوران، وسیله یک طرف یا طرفین انتخاب می‌شود، انتخاب‌کننده مکلف است قبولی داوران را اخذ نماید. ابتدای مدت داوری روزی است که داوران قبول داوری کرده و موضوع اختلاف و شرایط داوری و مشخصات طرفین و داوران به همه آنها ابلاغ شده باشد.» (ماده ۴۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی)

در موارد سکوت اصل بر آن است که داوران ۳ نفر هستند. (از سرداور هر کدام از طرفین قبولی گرفت کفایت می‌کند).
گفتار دوم؛ تعیین داور توسط شخص ثالث

برای تعیین داور باید به آن شخص ثالث رجوع نماییم. قانون‌گذار برای رجوع به شخص ثالث هیچ سازوکاری تعیین نکرده است ولی بهترین روش همان اظهارنامه است. قانون برای شخص ثالث هیچ مهلتی برای تعیین داور معین نکرده است، لذا در این جا اقتضای فوریت دارد در یک فوریت عرفی، اگر انجام نشد باید داور اختصاصی خود را انتخاب نموده و سر داور را نیز علی الحساب انتخاب می‌کنیم سپس اظهارنامه‌ای برای طرف مقابل فرستاده و به طرف مقابل ۱۰ روز فرصت می‌دهیم که او نیز داور اختصاصی خود را انتخاب کند و راجع به سر داور نیز توافق کند، اگر در این مهلت این موارد صورت نگیرد یا در مورد سرداور توافق نشود برای نصب داور باید به دادگاه رجوع کرد.

اگر بر داوری تک نفره توافق شده باشد نیز فرقی ندارد و تنها نیازی به انتخاب سرداور نیست و همان یک نفر را انتخاب کرده و اظهارنامه برای طرف مقابل فرستاده می‌شود.

تجویز داوری توسط شخص ثالث: (مثال ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان) در این حالت شخص ثالث تنها اجازه می‌دهد که به داوری رجوع شود و در انتخاب داور نقشی ندارد.

آیا شخص ثالث که داور انتخاب می‌کند باید قبولی را هم اخذ کند؟ در مورد شخص ثالث ماده قانونی صریحی وجود ندارد ولی از ماده ۴۶۵ می‌توان وحدت ملاک گرفت که شخص ثالث مکلف است اخذ قبولی نماید ولی در عمل چنان چه شخص ثالث اخذ قبولی نکرد طرفین اخذ قبولی می‌نمایند و اگر داور قبول نکند، مقام شخص ثالث به عنوان ناصب داور زایل نشده بلکه می‌تواند داور دیگر انتخاب کند، حتی شخص ثالث مکلف به انتخاب داور نمی‌باشد.

شخص ثالث انتخاب‌کننده داور می‌تواند متعدد باشد و کاملاً تابع توافق طرفین است. (طولی باشد یا عرضی، اجتماعی یا....)

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/@sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

آیا شخص ثالث می‌تواند خود را به عنوان داور برگزیند؟ اختلافی است ولی بهتر است این امر صورت نگیرد چرا که بهتر است روی خطوط اختلافی حرکت نکرد و جریان داوری را در معرض آسیب قرار نداد.

برخی بر این نظرند که شخص ثالث ناصب داور به نوعی وکیل محسوب می‌شود و وکیل در این مورد حق معامله با خود را ندارد. برخی نیز بر این نظرند که با توجه به اعتمادی که طرفین به شخص ثالث داشته‌اند، شخص ثالث می‌تواند خود را به عنوان داور برگزیند.

آیا مقام ناصب داور می‌تواند به دیگری توکیل کند؟ وکیل حق توکیل ندارد مگر خلافش توافق شده باشد.

ضمانت اجرای امتناع شخص ثالث از نصب داور یا انقضاء نصب داور توسط شخص ثالث (فوت، حجر) چیست؟ وقتی نصب داور توسط ثالث منتفی شد (این وکالت به وراثت نمی‌رسد) همان ساز و کار گفته شده طی می‌شود، اظهار نامه برای طرف مقابل فرستاده می‌شود و داور خود را انتخاب کرده و از طرف مقابل خواسته می‌شود که داور خود را انتخاب کند و در مورد سر داور نیز توافق کند و در غیر این صورت باید به دادگاه رجوع کرد.

جایگزینی داور توسط ثالث: زمانی که داور تعیین شده داوری را نیز قبول کرده باشد (اخذ قبولی صورت گرفته باشد)، شخص ثالث نمی‌تواند شخصی را جایگزین کند چرا که کار تمام شده است و به نوعی وکالت به پایان رسیده است و سمت شخص ثالث زایل شده است اما زمانی که داور هنوز قبول نکرده است شخص ثالث می‌تواند داور را جایگزین کند.

گفتار سوم؛ تعیین داور توسط دادگاه

۱- طرفین در موافقت نامه داوری مشخص کرده‌اند که داور توسط دادگاه تعیین شود (به شرط رعایت صلاحیت ذاتی دادگاه، در مورد صلاحیت محلی دست باز است) - (صلاحیت اولی دادگاه)

۲- نصب داور توسط دادگاه در صورت استنکاف طرفین از نصب داور (صلاحیت عارضی یا ثانوی دادگاه)

«در مواردی که طرفین معامله یا قرارداد متعهد به معرفی داور شده ولی داور یا داوران خود را معین نکرده باشند و در موقع بروز اختلاف نخواهند و یا نتوانند در معرفی داور اختصاصی خود اقدام و یا در تعیین داور ثالث تراضی نمایند و تعیین داور به دادگاه یا شخص ثالث نیز محول نشده باشد، یک طرف می‌تواند داور خود را معین کرده به وسیله اظهارنامه رسمی به طرف مقابل معرفی و درخواست تعیین داور نماید و یا نسبت به تعیین داور ثالث تراضی کند. در این صورت طرف مقابل مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه داور خود را معرفی و یا در تعیین داور ثالث تراضی نماید. هرگاه تا انقضای مدت یادشده اقدام نشود، ذی‌نفع می‌تواند حسب مورد برای تعیین داور به دادگاه مراجعه کند.» (ماده ۴۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی)

«در مواردی که مقرر گردیده است حل اختلاف به یک نفر داور ارجاع شود و طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب داور تراضی نمایند و نیز در صورتی که داور یکی از طرفین فوت شود، یا استعفا دهد و طرف نامبرده نخواهد جانشین او را معین کند و یا در هر موردی که انتخاب داور به شخص ثالث واگذار شده و آن شخص از تعیین داور امتناع نماید یا تعیین داور از طرف او غیر ممکن باشد، هریک از طرفین می‌توانند با معرفی داور مورد نظر خود وسیله اظهارنامه از طرف مقابل درخواست نمایند که ظرف ده روز از

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

تاریخ ابلاغ اظهارنامه نظر خود را در مورد داور واحد اعلام کند و یا حسب مورد در تعیین جانشین داور متوفی یا مستعفی یا داوری که انتخاب او وسیله ثالث متعذر گردیده اقدام نماید. در صورتی که با انقضای مهلت، اقدامی به عمل نیاید، برابر قسمت اخیر ماده قبل عمل خواهد شد.» (ماده ۴۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی)

تکلیف قرارداد در صورت درج عبارت داور مرضی الطرفین در شرط داوری؛ اختلافی است اما نظر اقوی و نظر مشورتی در تأیید نظری است که دادگاه نمی تواند داور انتخاب کند (دادگاه اقدام به نصب داور نمی کند).

مرجع صالح برای تعیین داور تابع اصل اختلاف است چه از صلاحیت ذاتی و چه صلاحیت محلی. دادگاه صالح برای نصب داور؛ در مورد صلاحیت اولی دادگاه برای نصب داور، می توان از صلاحیت محلی عدول کرد ولی صلاحیت ذاتی باید رعایت شود. درخواست نصب داور از دادگاه از لحاظ ماهوی درخواست است ولی از لحاظ شکلی باید در درخواست تنظیم شود.

خواهان	خوانده	خواسته	دلایل و منضمات
مقاضی	مستکف	درخواست نصب داور یا داوران	اظهارنامه ارسالی برای خوانده

این درخواست جنبه غیرمالی دارد حتی اگر موضوعی که برای آن تقاضای نصب داور می شود مالی باشد. الزام های نصب داور توسط دادگاه: ۱- به قید قرعه باشد. (ماده ۴۶۷ ق.آدم) اگر بدین صورت نباشد برخلاف قانون بوده و رأی داور در معرض ابطال قرار می گیرد. ۲- تشکیل جلسه برای نصب داور؛ (ماده ۴۷۱ ق.آدم) در مواردی که دادگاه داور تعیین می کند، عبارت جلسه، دادگاه برای نصب داور باید جلسه تشکیل دهد. ۳- ابلاغ داوری به داور و اخذ قبولی داور؛ دادگاه باید اخذ قبولی کند و اگر حیثاً داور قبول نکرد دادگاه شخص دیگری را منصوب می نماید. (ماده ۴۶۸ قانون آدم) داور فقط زمانی با قرعه تعیین می شود که قرار است دادگاه داور تعیین کند. شخص ثالث مکلف به انتخاب داور به طریق قرعه کشی نیست.

تشکیل جلسه اولاً مطابق قانون ضروری است ثانیاً به مصلحت است چرا که خوانده درخواست می تواند مواردی را بیان نماید، دفاعیاتی نماید که دادگاه به این نتیجه برسد که اصلاً نیازی به تعیین داور نباشد، رویه اکثریت نیز به همین منوال است.

«در مواردی که دادگاه به جای طرفین یا یکی از آنان داور تعیین می کند، باید حداقل از بین دو برابر تعدادی که برای داوری لازم است و واجد شرایط هستند داور یا داوران لازم را به طریق قرعه معین نماید.» (ماده ۴۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی)

«دادگاه پس از تعیین داور یا داوران و اخذ قبولی، نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف و نام و نام خانوادگی داور یا داوران و مدت داوری را کتباً به داوران ابلاغ می نماید. در این مورد ابتدای مدت داوری تاریخ ابلاغ به همه داوران می باشد.» (ماده ۴۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی)

«در مواردی که داور با قرعه تعیین می شود، هریک از طرفین می توانند پس از اعلام در جلسه، در صورت حضور و در صورت غیبت از تاریخ ابلاغ تا ده روز، داور تعیین شده را رد کنند، مگر این که موجبات رد بعداً حادث شود که در این صورت ابتدای مدت

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

روزی است که علت رد حادث گردد. دادگاه پس از وصول اعتراض، رسیدگی می نماید و چنانچه اعتراض را وارد تشخیص دهد داور دیگری تعیین می کند.» (ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی)

آیا شخصی که دادگاه او را به داوری منصوب می کند می تواند داوری را قبول نکند؟ بله؛ حتی وکلای دادگستری نیز الزامی به قبول داوری ندارند اگر چه وکلای دادگستری مکلفند وکالت تسخیری را بپذیرند.

قطعی یا غیر قطعی بودن رأی راجع به نصب داور یا رد درخواست نصب داور

اگر دادگاه نسبت به درخواست نصب داور قرار رد صادر کرده باشد این قرار (غیرمالی) قابل تجدید نظر است.

اما اگر دادگاه داور نصب کرده باشد چون نه حکم است نه قرار این تصمیم غیر قابل تجدید نظر است. (تصمیم ساده قضایی)

اگر خواننده ایرادی داشته باشد باید منتظر بماند تا صدور رأی داور و سپس به استناد بند ۶ ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی درخواست ابطال رأی داور دهد.

خواننده ای که معتقد به ابطال داوری است باید در تمام جلسات داوری و در تمام دفاعیات خود ذکر کند «علی رغم اعتقاد به بطلان داوری یا عدم پذیرش داوری» دفاع من چنین است.

جرح یا رد داور

«در مواردی که داور با قرعه تعیین می شود، هریک از طرفین می توانند پس از اعلام در جلسه، در صورت حضور و در صورت غیبت از تاریخ ابلاغ تا ده روز، داور تعیین شده را رد کنند، مگر این که موجبات رد بعداً حادث شود که در این صورت ابتدای مدت روزی است که علت رد حادث گردد. دادگاه پس از وصول اعتراض، رسیدگی می نماید و چنانچه اعتراض را وارد تشخیص دهد داور دیگری تعیین می کند.» (ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی)

۱- رد داور ظرف ده روز پس از اعلام در جلسه در صورت حضور ۲- اگر در جلسه حضور ندارد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ ۳- اگر موجبات رد بعداً حادث شد، ظرف ده روز از زمان حادث شدن موجبات رد

از موجبات رد داور می توان به ممنوعیت ممنوعیت مطلق یا نسبی شخص داور در فرآیند داوری یا نداشتن اوصافی که طرفین در موافقتنامه داوری تعیین کرده اند اشاره نمود.

اگر دادگاه جرح داور یا رد داور را پذیرفت داور دیگر انتخاب می کند اما اگر دادگاه جرح داور را نپذیرفت تصمیم دادگاه قابل اعتراض نیست، در نهایت باید تا صدور رأی داور صبر کرد و به استناد بند ۶ ماده ۴۸۹ درخواست ابطال رأی داور را مطرح نمود.

اگر طرفین برای داور اوصافی را شرط کنند هم دادگاه و هم شخص ثالث ناصب داور باید آن اوصاف را در انتخاب داور رعایت نمایند، مگر اینکه طرفین تلویحاً به داوری شخصی که در واقع از ابتدا به غلط انتخاب شده است، رضایت دهند. لذا در تمام دفاعیاتی که در مقابل داور انتخابی که اوصاف تعیین شده را ندارد این نکته را ذکر می نمایم که داوری را قبول نداریم.

آیا داور قابل عزل است؟ مطابق ماده ۴۷۲ قانون آیین دادرسی مدنی، «بعد از تعیین داور یا داوران طرفین حق عزل آنان را ندارند مگر به تراضی طرفین.»

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

ممکن است گفته شود فقط داور مشترک را نمی‌توان عزل کرد و عزل داور اختصاصی آزاد است، در انتقاد به این نظر باید گفت اگر این مورد را فقط ناظر به سرداور بدانیم نیازی به این ماده نبود، لذا با توجه به عبارت داور یا داوران، این ماده ناظر به تمامی داوران است حتی عزل داور اختصاصی هم نیاز به تراضی دارد.

داور وکیل یا نماینده طرفین نیست که هر زمان بخواهند بتوانند وی را عزل کنند، درست است که یک طرف داور اختصاصی خود را انتخاب می‌کند ولی او شان شبه قضایی دارد و نمی‌توان او را عزل کرد. پس حتی عزل داور اختصاصی نیز نیاز به تراضی دارد. استعفای داور

«در مواردی که مقرر گردیده است حل اختلاف به یک نفر داور ارجاع شود و طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب داور تراضی نمایند و نیز در صورتی که داور یکی از طرفین فوت شود، یا استعفا دهد و طرف نامبرده نخواهد جانشین او را معین کند و یا در هر موردی که انتخاب داور به شخص ثالث واگذار شده و آن شخص از تعیین داور امتناع نماید یا تعیین داور از طرف او غیر ممکن باشد، هریک از طرفین می‌توانند با معرفی داور مورد نظر خود وسیله اظهارنامه از طرف مقابل درخواست نمایند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه نظر خود را در مورد داور واحد اعلام کند و یا حسب مورد در تعیین جانشین داور متوفی یا مستعفی یا داوری که انتخاب او وسیله ثالث متعذر گردیده اقدام نماید. در صورتی که با انقضای مهلت، اقدامی به عمل نیاید، برابر قسمت اخیر ماده قبل عمل خواهد شد.» (ماده ۴۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی)

«چنانچه داور پس از قبول داوری بدون عذر موجه از قبیل مسافرت یا بیماری و امثال آن در جلسات داوری حاضر نشده یا استعفا دهد و یا از دادن رأی امتناع نماید، علاوه بر جبران خسارات وارده تا پنج سال از حق انتخاب شدن به داوری محروم خواهد بود.» (ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی)

«نسبت به امری که از طرف دادگاه به داوری ارجاع می‌شود اگر یکی از داوران استعفا دهد یا از دادن رأی امتناع نماید و یا در جلسه داوری دوبار متوالی حضور پیدا نکند دو داور دیگر به موضوع رسیدگی و رأی خواهند داد. چنانچه بین آنان در صدور رأی اختلاف حاصل شود، دادگاه به جای داوری که استعفا داده یا از دادن رأی امتناع نموده یا دوبار متوالی در جلسه داوری حضور پیدا نکرده ظرف مدت ده روز داور دیگری به قید قرعه انتخاب خواهد نمود، مگر این که قبل از انتخاب به اقتضاء مورد، طرفین داور دیگری معرفی کرده باشند. در این صورت مدت داوری از تاریخ قبول داور جدید شروع می‌شود.»

در صورتی که داوران در مدت قرارداد داوری یا مدتی که قانون معین کرده است نتوانند رأی بدهند و طرفین به داوری اشخاص دیگر تراضی نکرده باشند، دادگاه به اصل دعوا وفق مقررات قانونی رسیدگی و رأی صادر می‌نماید.» (ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی)

اگر داور اختصاصی طرف فوت کند یا استعفا دهد، آن طرف باید جایگزین داور را تعیین کند و الا طرف مقابل باید برای او اظهارنامه بفرستد، اگر ظرف ده روز اقدام به تعیین داور ننمود، می‌توان برای انتخاب داور به دادگاه رجوع کرد.

ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی، در مورد موافقتنامه داوری پسا اختلاف است که قرار توقیف دادرسی و ارجاع به داوری توسط دادگاه صادر شده است، هر یک از این سه داور استعفا دهد یا از صدور رأی امتناع نماید یا دوبار متوالی غیبت کند، دو داور دیگر رسیدگی نموده و رأی صادر می کنند ولی اگر آن دو اختلاف داشته باشند دادگاه ظرف ده روز داور جایگزین انتخاب می کند، این ۱۰ روز از زمان اطلاع دادگاه و درخواست از دادگاه محاسبه می شود، مگر اینکه قبل از انتخاب دادگاه طرفین دعوا داور جایگزینی انتخاب کنند.

در امور حقوقی، دادگاه تا زمانی که درخواستی از او صورت نگیرد اقدامی انجام نمی دهد.

مبحث نهم؛ فرآیند داوری

۱- موافقت نامه داوری (میان طرفین داوری)

۲- اخذ قبولی از داور توسط طرفین و موافقت نامه با داور (قرارداد با داور- چرا که تا زمانی که داوری قبول نشده است داوری آغاز نشده است). (مطابق ماده ۴۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی)

۳- نصب داور توسط دادگاه (ماده ۴۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی)

۴- داور مکلف به قبول داوری نیست ولی اگر داوری را قبول کرد مکلف به داوری است. نمی توان داور را ملزم به صدور رأی نمود، و این الزام غیر عقلانی خواهد بود چرا که صدور رأی امری است که با وجدان و شخصیت فرد عجین است. لذا در صورت اجبار دقیق و قابل اتکا نخواهد بود. ولی مجازات تنبیهی و انضباطی و جبران خسارت وجود دارد. (ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی)

۵- آغاز داوری (ابتدای مدت داوری، داوران قبول داوری کرده، ابلاغ موضوع اختلاف و شرایط داوری و مشخصات طرفین و مشخصات سایر داوران به همه داوران ابلاغ شده باشد). (ماده ۴۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی)

۶- انتهای داوری؛ داور اقدام به صدور و تسلیم رأی کرده باشد. (بند ۴ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی) تسلیم رأی به مرجع ابلاغ یعنی به همان صورتی که طرفین در موافقت نامه داوری پیش بینی کرده باشند. اگر هیچ گونه توافقی نکرده باشند رأی به دفتر دادگاه تسلیم می شود.

مبحث دهم؛ مدت داوری

۱- تابع توافق طرفین ۲- در صورت سکوت طرفین مطابق تبصره ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی مدت آن ۳ ماه است. (هر چند این تبصره ناظر بر شرط داوری مقید است. از این تبصره وحدت ملاک می گیریم برای سایر داوری ها) در هر زمان با توافق می توان مدت داوری را کاهش یا افزایش داد.

زمانی که دادگاه نصب داور می کند نیز مدت داوری با توافق طرفین قابل تمدید است چرا که داوری یک نهاد توافق محور است. اما دادگاه نمی تواند بدون توافق طرفین مدت را کم و زیاد کند. چرا که مأموریت دادگاه با نصب داور خاتمه می یابد. با این وجود رویه ای اشتباه شکل گرفته است مبتنی بر خلط قواعد داوری با قواعد کارشناسی. لذا اگر دادگاه مدت داوری را تمدید کرده باشد،

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

رأی داوری که خارج از مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد باطل است. (بند ۴ ماده ۴۸۹) استثناء این مورد انتهای ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی است که در فرض مورد نظر آن ماده آغاز جدیدی برای داوری در نظر گرفته است. «..... در این صورت مدت داوری از تاریخ قبول داور جدید شروع می‌شود»

مبحث یازدهم؛ قرارنامه داوری

قرارنامه داوری توافقات داور با طرفین داوری برای سازوکار داوری است. داور در قرارنامه داوری حوزه عمل بسیاری دارد و می‌تواند برای موارد متعددی از جمله تمدید مهلت داوری، نحوه ابلاغ‌ها و ... تصمیم‌گیری نماید. به عبارتی توافقات مؤخر و الحاقی که توسط داور مکتوب و به امضاء طرفین می‌رسد؛ همان قرارنامه داوری است. البته تنظیم قرارنامه داوری الزامی نیست و حتی ممکن است در برخی موارد غیرممکن باشد.

مبحث دوازدهم؛ داوری فارغ از تشریفات دادرسی

مطابق ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛ داوران در رسیدگی و رأی، تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند.

داور باید اصول رسیدگی و اصل تناظر و اصل حق دفاع را رعایت کند. ولی داوری محدود به تشریفات دادرسی نیست.

برای مثال در فرآیند دادرسی برای افزایش خواسته شرایطی از لحاظ موضوعی و زمانی تعیین شده است ولی در داوری حتی می‌توان از ادعای مجدد، تقاضانامه مجدد و ... استفاده نمود. (در داوری با اسامی بازی نمی‌کنیم و با تشریفات کاری نداریم).

مبحث سیزدهم؛ جلب ثالث و ورود ثالث در داوری

آیا جلب ثالث و ورود ثالث در داوری امکان دارد؟

از آنجا که داوری یک نهاد توافق محور است و توافق مبتنی بر داوری میان طرفین است نه با شخص ثالث، بنابراین جلب ثالث و ورود ثالث در داوری نداریم مگر آن که شخص ثالث نیز وارد توافق شود.

«شخص ثالثی که برابر قانون به دادرسی جلب شده یا قبل یا بعد از ارجاع اختلاف به داوری وارد دعوا شده باشد، می‌تواند با طرفین دعوی اصلی در ارجاع امر به داوری و تعیین داور یا داوران تعیین شده تراضی کند و اگر موافقت حاصل نگردید، به دعوی او برابر مقررات به طور مستقل رسیدگی خواهد شد.» (ماده ۴۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی)

مبحث چهارم؛ تبادل لوایح

در داوری محدودیتی از این لحاظ نداریم لذا می‌تواند حضوری باشد یا غیرحضوری، کتبی یا غیر کتبی و... بهترین راه، استفاده از ایمیل تصریح شده در موافقتنامه داوری یا قرارنامه داوری است.

مبحث پانزدهم؛ تامین خواسته و دستور موقت در داوری

در آیین دادرسی مدنی حق صدور قرار تأمین خواسته و صدور دستور موقت برای داور پیش‌بینی نشده است. در قانون داوری تجاری بین‌المللی در خصوص دستور موقت سازوکاری پیش‌بینی شده است.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/@sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

هریک از طرفین، قبل یا حین رسیدگی داوری می‌تواند از رییس دادگاه موضوع ماده (۶) صدور قرار تأمین و یا دستور موقت را درخواست نماید. (ماده ۹ قانون داوری تجاری بین المللی)

«داور» می‌تواند در امور مربوط به موضوع اختلاف که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هر کدام از طرفین دستور موقت صادر نماید، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند «داور» می‌تواند مقرر نماید که متقاضی تأمین مناسب بسپارد. در هر دو صورت چنانچه طرف دیگر تأمین بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد «داور» از دستور موقت رفع اثر خواهد کرد. (ماده ۱۷ قانون داوری تجاری بین المللی)

دستور موقت: داور می‌تواند / دادگاه عمومی مرکز استان مقرر داوری نیز می‌تواند. (ماده ۹ و ۱۷ قانون داوری تجاری بین المللی)
تأمین خواسته: داور نمی‌تواند / دادگاه عمومی مرکز استان مقرر داوری می‌تواند. (ماده ۹ قانون داوری تجاری بین المللی)
در قانون آیین دادرسی مدنی سازوکار اجرا برای دستور موقت و تأمین خواسته نیز پیش بینی نشده است. و آن چه که در قانون آیین دادرسی مدنی فقط جنبه اجرایی پیدا کرده، رأی نهایی است که داور صادر می‌کند.
برای تقاضای صدور دستور موقت یا تأمین خواسته از دادگاه در اثنای داوری نیز محدودیت‌هایی وجود دارد.
«در صورتی که درخواست کننده تأمین تا ده روز از تاریخ صدور قرار تأمین نسبت به اصل دعوا دادخواست ندهد، دادگاه به درخواست خوانده، قرار تأمین را لغو می‌نماید.» (ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی)

«پس از صدور دستور موقت در صورتی که از قبل اقامه دعوا نشده باشد، درخواست کننده باید حداکثر ظرف بیست روز از تاریخ صدور دستور، به منظور اثبات دعوی خود به دادگاه صالح مراجعه و دادخواست خود را تقدیم و گواهی آن را به دادگاهی که دستور موقت صادر کرده تسلیم نماید. در غیر این صورت دادگاه صادرکننده دستور موقت به درخواست طرف، از آن رفع اثر خواهد کرد.» (ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی)

در این خلأ قانونی راهکاری که وجود دارد این است که در داوری داخلی، از دادگاه تقاضای دستور موقت یا تأمین خواسته می‌شود، طرح دعوا نیز می‌شود، چندین ماه طول می‌کشد تا دادگاه متوجه شود که اختلاف به داوری ارجاع شده یا شرط داوری وجود داشته است لذا تا قبل از آن داوری به سرانجام رسیده است.

مبحث شانزدهم؛ جلسات داوری

گفتار اول؛ الزام یا عدم الزام به تشکیل جلسه

داور مکلف به تشکیل جلسه نیست بلکه به تشخیص خود اوست و می‌تواند از تبادل لوائح استفاده کند. مهم رعایت اصل تناظر و تدافعی بودن داوری است. رعایت اصول، رعایت عدالت و بی طرفی در داوری الزامی است اما رعایت تشریفات الزامی نیست.

گفتار دوم؛ شیوه دعوت از طرفین و داوران

بهترین کار ارسال اظهار نامه است علاوه بر آن می‌توان از ایمیل طرفین مندرج در قرارنامه داوری جهت ابلاغ یا دعوت‌ها استفاده نمود.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

اگر قرارنامه تنظیم نشده در صورت جلسه اولیه میان اعضای هیات داوری ایمیلی گرفته شود و برای ارسال دعوت نامه‌ها تنظیم شود. گفتار سوم؛ شیوه استماع ادله

بار اثبات بر دوش مدعی و یا کسی است که ادعای او خلاف اصل یا ظاهر است. داور مکلف نیست جلسات استماع را با حضور طرفین برگزار کند یا اصلاً جلسه‌ای تشکیل دهد، یا با حضور یکی از طرفین تشکیل دهد، مهم رعایت اصل تناظر است. در داوری بحث و اخواهی نداریم ولی باید به گونه‌ای اطمینان بخش خواننده را دعوت کرده باشیم که بعدها ادعا نشود که اصل تناظر رعایت نشده و رأی داوری در معرض ابطال قرار گیرد.

در داوری می‌توان تجدید جلسات داشت و هیچ محدودیتی وجود ندارد.

داوری از تشریفات آیین دادرسی مدنی فارغ است و نیازی نیست نماینده وکیل دادگستری باشد.

دفاع در داوری هم می‌تواند از طریق لایحه باشد و هم از طریق ارائه دفاعیات شفاهی.

از صورت جلسات داوری تصویر مصدق با امضاء داور تهیه نماید.

داور می‌تواند شهادت شاهدان را استماع نماید.

داور الزامی به ارجاع به کارشناسی ندارد و خود داور می‌تواند در حیطه تخصصی (اگر سررشته داشته باشد) اظهار نظر کند ولی قاضی دادگاه نمی‌تواند، چرا که طرفین بتوانند به نظر کارشناس اعتراض نمایند. داور می‌تواند از کارشناس غیر رسمی استفاده نماید ولی دادگاه باید از میان کارشناسان رسمی انتخاب نماید.

داور نباید اسناد و مدارک را از طرفین بگیرد بلکه باید کپی آنها را بگیرد و در رعایت اصل تناظر آنها را به طرف مقابل ارائه نماید ولی آن دسته از اسنادی را که نمی‌خواهد به آنها استناد نماید لازم نیست به طرف مقابل ارائه نماید و طرفین می‌توانند نسبت به اسناد و مدارک یکدیگر در نزد داور انکار، تردید و ادعای جعل داشته باشند، و خود داور می‌تواند رسیدگی نماید.

«طرفین باید اسناد و مدارک خود را به داوران تسلیم نمایند. داوران نیز می‌توانند توضیحات لازم را از آنان بخواهند و اگر برای اتخاذ تصمیم جلب نظر کارشناس ضروری باشد، کارشناس انتخاب نمایند.» (ماده ۴۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی)

اگر ادعای جعل با تعیین جاعل باشد، این ادعا جنبه کیفری پیدا می‌کند و داور نمی‌تواند به این موضوع رسیدگی نماید و داوری متوقف می‌شود تا دادگاه به این موضوع رسیدگی نماید. داور صلاحیت لازم برای صدور حکم کیفری ندارد.

«هرگاه ضمن رسیدگی مسائلی کشف شود که مربوط به وقوع جرمی باشد و در رأی داور مؤثر بوده و تفکیک جهات مدنی از جزایی ممکن نباشد و همچنین در صورتی که دعوا مربوط به نکاح یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امری که رجوع به داوری شده متوقف بر رسیدگی به اصل نکاح یا طلاق یا نسب باشد، رسیدگی داوران تا صدور حکم نهایی از دادگاه صلاحیتدار نسبت به امر جزایی یا نکاح یا طلاق یا نسب متوقف می‌گردد.» (ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی مدنی)

«ادعای جعل و تزویر در سند بدون تعیین عامل آن و یا در صورتی که تعقیب وی به جهتی از جهات قانونی ممکن نباشد مشمول ماده قبل نمی‌باشد.» (ماده ۴۷۹ قانون آیین دادرسی مدنی)

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

مبحث هفدهم؛ زوال داوری

- ۱- با تراضی کتبی طرفین (البته ممکن است تراضی شفاهی باشد یا در دادگاه اظهار شود) (ولی داوری به صورت یکجانبه قابل فسخ نیست، با این وجود داوری با فوت یا حجر یکی از طرفین زایل می‌شود. البته تا زمانی که داوری به سرانجام نرسیده باشد، چرا که با صدور رأی و تسلیم رأی داوری پایان یافته است) (ماده ۴۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی)
- ۲- فوت یا حجر یکی از طرفین داوری (ماده ۴۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی)
- ۳- صدور رأی توسط داور و تسلیم رأی
- ۴- فوت یا حجر داور در داوری مقید (ماده ۴۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی)
- ۵- امتناع داور از انجام داوری در داوری مقید (ماده ۴۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی)
- ۶- انقضای مدت داوری و عدم صدور رأی (داوری مقید به زمان)

مبحث هجدهم؛ صدور رأی

شیوه برگزاری جلسات داوری در قانون آیین دادرسی مدنی تعیین نشده است. اما داوری‌های سازمانی قواعد و ضوابطی دارند که نقایص قانون را جبران می‌کند. در داوری موردی که ساز و کار مشخصی نیست سرداور باید اقدام به مدیریت فرآیند داوری و اقدام به دعوت از داوران برای برگزاری جلسات شور انجام دهد.

سرداور داوران اختصاصی طرفین را دعوت می‌کند، ممکن است یکی از داوران طرفین از حضور امتناع کند، یا اگر در جلسه حاضر شود و ببیند رأی مطابق آن چه که او می‌خواهد نیست، از امضای رأی خودداری کند، اگر یکی از داور اختصاصی چنین کند، خللی به صدور رأی وارد نمی‌شود و رأی با امضا اکثریت قابل صدور است. اما مشکلی که ممکن است پیش آید این است که این داور بعدها ادعا کند که اصلاً از او دعوت به عمل نیامده است... و داوران دیگر بدون استماع نظرات و ادله و استدلال‌ات وی، به تنهایی اقدام به صدور رأی نموده‌اند، لذا ممکن است به دلیل عدم رعایت ضوابط داوری و عدم کسب نظر از هیات داوران، دادگاه مبادرت به ابطال رأی داوری نماید. لذا پیشنهاد می‌شود، سرداور، این دعوت را به گونه‌ای اطمینان بخش و قابل اثبات مانند اظهار نامه یا حداقل پیامک به عمل بیاورد، البته بهترین کار این است که اگر قرارنامه داوری تنظیم شد در قرارنامه داوری ایمیل همه داوران درج شود و دعوت از داوران برای برگزاری جلسات شور از طریق ایمیل آن‌ها مقرر شود.

اگر قرارنامه داوری تنظیم نشده باشد باز هم باید در جلسات ابتدایی که خود داوران با یکدیگر دارند و هنوز نظرات داوران مشخص نیست و رأی نداده‌اند سرداور از دو داور دیگر اظهار و اقرار بگیرد مبنی بر اینکه «آدرس ایمیل اینجانب فلان است و سرداور می‌تواند از طریق ارسال ایمیل بنده را برای جلسات شور دعوت نماید.»

مطابق ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی علی القاعده در صدور رأی، رأی اکثریت داوران ملاک عمل است. به طور مثال اگر در موردی تعداد داوران زوج باشد و رأی اکثریت حاصل نشود این پرونده باز می‌ماند تا مهلت داوری تمام شود و وقتی مهلت داوری

تمام شد و این اعضای هیات داوری نتوانستند به در صدور رأی به اکثریت برسند داوری با اتمام مهلت به پایان می‌رسد و داوری زایل می‌شود. چرا که یکی از موارد زوال داوری انقضای مهلت داوری و عدم صدور رأی در مدت داوری است.

شیوه نگارش و صدور رأی

اصولاً در داوری نظر اکثریت داوران ملاک است اما طرفین در موافقت نامه داوری می‌توانند شیوه دیگری را ملاک قرار دهند به طور مثال طرفین مقرر نمایند که در صدور رأی اتفاق آرا ملاک عمل باشد یا رأی اکثریت حاضران ملاک عمل قرار گیرد. اگر چنین توافقی صورت نگرفته باشد نظر اکثریت ملاک است.

این قاعده که داوران باید از جلسات رسیدگی شور و صدور رأی مطلع باشند، مطابق صدر ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی قاعده‌ای امری است و صرف ابلاغ هم کافی نیست و باید به اطلاع رسیده باشد.

اگر داوران بخواهند موضوع را به صلح و سازش خاتمه دهند در این خصوص قانونگذار در ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی به این موضوع اشاره کرده است. در صورتی داوران می‌توانند به جای رسیدگی به صدور رأی قضیه را به سازش خاتمه دهند که شرایط ماده ۴۸۳ وجود داشته باشد. داوری همانقدر که نهاد توافق محور است نهادی شبه قضایی است یعنی داور جایگاهی شبیه قاضی دارد و قرار است شبیه قاضی رأی دهد داور در صورتی می‌تواند قضیه را به سازش خاتمه دهد که اولاً اصحاب دعوا این اختیار را به داوران داده باشند و در صورتی که داوران اختیار صلح داشته باشند می‌توانند دعوا را به صلح خاتمه دهند ثانیاً در اینجا این صلح نامه باید به امضای همه داوران رسیده باشد.

«در صورتی که داوران اختیار صلح داشته باشند می‌توانند دعوا را با صلح خاتمه دهند. در این صورت صلح نامه‌ای که به امضای داوران رسیده باشد معتبر و قابل اجراست.» (ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی)

تفاوت صلح و رأی داوری در این است که داوری یک اقدام شبه قضایی است اما صلح و سازش یک قرارداد است مشابه عقد صلح بنابراین نیاز به امضای همه دارد.

شیوه انشاء رأی داوری

بهترین کار این است که داور در مقام صدور رأی همان چارچوب صدور رأی در محاکم قضایی را رعایت کند.

۱- مقدمه اول (نام متقاضی داوری (خواهان)، نام طرف مقابل (خواننده)، موضوع مورد اختلاف (خواسته)، موافقتنامه داوری، تاریخ تشکیلات جلسات رسیدگی نیز باید اشاره شود.)

۲- مقدمه دوم (ادعاها و استدلالات و پاسخ‌های طرفین در این قسمت آورده می‌شود، بررسی‌های خود داور نیز درج می‌شود و جمع بندی می‌شود.)

۳- نتیجه و منطوق رأی

دایره موضوعی صدور رأی داور محدود به دو چیز است اولاً داور نمی‌تواند در مقام صدور رأی از چهارچوب موافقتنامه داوری خارج شود. ثانیاً نباید خارج از خواسته خواهان رسیدگی کند. اگر داور به این موارد توجه نکنند با توجه به ماده ۴۷۴ قانون آیین

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

دادرسی مدنی رأی داور در معرض ابطال قرار می‌گیرد چرا که یکی از موارد ابطال رأی داوری این است که داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر کرده باشد یعنی داور خارج از حدود اختیار رأی را صادر نموده باشد. چه زمانی به منزله زمان صدور رأی است یا به عبارتی چه زمانی این رأی صادر شده تلقی می‌شود؟ زمانی این رأی صادر شده تلقی می‌شود که از داور منفک شده باشد و ارتباط آن با داور قطع شده باشد. اما چرا زمان صدور رأی مهم است به این دلیل که در ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی یکی از موارد ابطال رأی داور در بند ۴ این است که رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.

مبحث نوزدهم؛ تغییر و تکمیل رأی توسط داور

داور پس از صدور رأی و تحویل آن به مرجع ابلاغ نمی‌تواند رأی خود را تغییر دهد حتی اگر متوجه شود که اشتباه کرده است. سهو قلم را می‌تواند اصلاح کند اما تغییر ماهوی و حکمی در رأی خودش نمی‌تواند بدهد و اگر رأی اشتباه است دادگاه باید آن را اصلاح کند ولی خود داور نمی‌تواند تغییر دهد. قاعده فراغ دادرسی در مورد داور هم جاری است حتی اگر هنوز مدت داوری تمام نشده باشد.

زمانی که هنوز مهلت داوری به پایان نرسیده است داور می‌تواند رأی را تکمیل نماید اما منظور از تکمیل رأی چیست؟ به طور مثال در داوری ده مورد خواسته مطرح شده است، رأی در مورد هفت مورد صادر و ابلاغ شده است؛ در مورد این هفت مورد امکان تغییر نداریم اما در مورد سه مورد باقی مانده هنوز پرونده داوری باز است و داور می‌تواند اظهار نظر نموده و رأی داوری را تکمیل نماید ولی تا زمانی که مهلت داوری پایان نیافته باشد. تصحیح موارد سهو قلم در رأی داور نیز در قانون پیش‌بینی شده است مطابق ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی قبل از انقضای مدت داوری، با داور یا داوران است پس از انقضا تا پایان مهلت اعتراض به رأی داور با خود داور است اما نه راسا بلکه به درخواست یکی از طرفین. اگر مهلت اعتراض به رأی تمام شده باشد با دادگاه است. دادگاهی که حسب مورد یا به درخواست ابطال رأی داور رسیدگی می‌کند و یا درخواست اجرای رأی داور از او به عمل آمده است.

«رأی داوری که موضوع آن معین نیست قابل اجراء نمی‌باشد. مرجع رفع اختلاف ناشی از اجرای رأی داوری دادگاهی است که اجراییه صادر کرده است.» (ماده ۲۸ قانون اجرای احکام مدنی)

داور در مقام تصحیح رأی حق تغییر آن را ندارد و در حدود ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی امکان تصمیم‌گیری دارد. قانون راجع به تفسیر رأی داور و رفع ابهام درباره رأی داور ساکت است می‌توان از ماده ۲۸ قانون اجرای احکام مدنی وحدت ملاک گرفته و بگوییم که داور بعد از صدور رأی ارتباطی با رأی ندارد و ارتباطش با رأی قطع می‌شود و دیگر داور حق دخالت در خصوص این را ندارد بنابراین اگر رأی داور دارای ابهاماتی نیز باشد دادگاه است که در این خصوص تصمیم‌گیرنده است کما اینکه مشاهده شد داور حتی برای تصحیح موارد سهو قلم فقط تا پایان مهلت اعتراض به رأی فرصت دارد و پس از آن تصحیح موارد سهو قلم با دادگاه خواهد بود بنابراین می‌توانیم از ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی که حتی تصحیح موارد سهو قلم را تا

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

پایان مهلت اعتراض به رأی از داور پذیرفته و دیگر بعد از اتمام مهلت اعتراض به رأی تصحیح موارد سهو قلم را از داور پذیرفته و بر عهده دادگاه گذاشته است؛ وحدت ملاک بگیریم و همین طور می‌توانیم از ماده ۲۸ قانون اجرای احکام مدنی در خصوص ابهام و اجمال رأی و نیاز به تفسیر رأی داور، همان دادگاهی که رأی داور را در دست اجرا دارد مرجع حل این ابهام و تفسیر رأی داور بدانیم. با این وجود بهتر است که دادگاه در مقام تفسیر و رفع ابهام حد المقدور از داور مربوطه استعلام کند. چرا که داور بهتر از هر کسی می‌تواند دادگاه را به سمت تفسیر صحیح هدایت کند. گرچه سخن داور هم بسیار قابل اعتماد نخواهد بود چرا که ممکن است در این مقطع یکی از اصحاب اختلاف با داور تبانی کند یا داور را تحت فشار و تهدید قرار دهد تا داور تفسیری به سود آن شخص انجام بدهد.

مبحث بیستم؛ حق الزحمه داور

ممکن است در موافقتنامه با داور میزان حق الزحمه مشخص شده باشد. در باره شیوه پرداخت و زمان پرداخت قانونگذار تصریحی در قانون آیین دادرسی مدنی ندارد و تعیین میزان حق الزحمه داور را به رئیس قوه قضائیه ارجاع داده است. (ماده ۴۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی) آخرین آیین‌نامه در این باره در سال ۱۳۸۰ تصویب شده است. مطابق ماده ۴۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی در صورت تعدد داور حق الزحمه به سویه تقسیم می‌شود. مطابق ماده ۵۰۰ همان قانون توافق طرفین در خصوص حق الزحمه داور در وهله اول اهمیت قرار دارد.

مطابق ماده ۱ آیین‌نامه تعرفه داوری منظور از خواسته، خواسته واقعی است و برخلاف حق الوکاله و کیل که سقف دارد؛ حق الزحمه داوری سقفی ندارد. حق الزحمه داوری در مواردی که خواسته مالی نیست و یا تعیین قیمت ممکن نیست برای هر داور پانصد هزار ریال و چنانچه کمیت یا کیفیت کار اقتضای حق الزحمه بیشتری داشته باشد طبق نظر دادگاه تعیین می‌شود. چنانچه دعاوی متعدد باشد حق الزحمه هر دعوی جداگانه تعیین و بر مبنای تعرفه فوق محاسبه و تعیین می‌گردد. تشخیص متعدد بودن دعاوی با دادگاه خواهد بود. حق الزحمه داوری طبق تعرفه در زمان انتخاب داوران تعیین می‌شود. چنانچه در اثنای کار داوری، طرفین سازش نمایند، تعیین میزان حق الزحمه داوران با توجه به اقدامات انجام شده با دادگاه خواهد بود. حق الزحمه داوری در مواردی که خواسته مالی نیست و یا تعیین قیمت ممکن نیست برای هر داور پانصد هزار ریال و چنانچه کمیت یا کیفیت کار اقتضای حق الزحمه بیشتری داشته باشد طبق نظر دادگاه تعیین می‌شود. حق الزحمه داوران باید در صندوق سپرده دادگستری تودیع و پس از انجام کار داوری طبق مقررات به آنها پرداخت شود. این مورد در مواردی قابل استفاده است که دعوا از ابتدا در دادگاه بوده و طرفین توافق کرده و دادگاه به داوری ارجاع داده است یا حداقل نسبت به تعیین داور دادگاه اقدام کرده باشد ولی در موارد دیگر این ماده کاربردی ندارد. پس از انجام کار داوری؛ یعنی داور رأی خود را صادر و تسلیم کند و تسلیم در مهلت داوری باشد. پرداخت حق الزحمه داور منوط به اینکه رأی داور ابطال شود یا نشود نیست البته اگر رأی داور ابطال شود و مرتکب تقصیر شده باشد طبق ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی باید خسارت طرفین را جبران کند و اگر حق الزحمه هم گرفته در قالب جبران خسارت باید بازگرداند اما صرف پرداخت حق الزحمه منوط به این نیست که ما منتظر ابطال رأی داور شویم.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

هزینه‌های امر داوری که طبق نظر داور ضروری باشد به عهده طرفین خواهد بود هزینه سفر خارجی بر عهده متقاضیان داوری است. مبحث بیست و یکم؛ ابلاغ رأی داور

داوری نهادی است توافق محور لذا برای ابلاغ رأی داوری ابتدا دنبال توافق طرفین خواهیم بود اگر در موافقتنامه داوری در این مورد تصریحی نبود، سراغ قرارنامه داوری می‌رویم البته تنظیم قرارداد قرارنامه داوری الزامی نیست یا اگر در یکی از صورتجلسات طرفین قبول کردند که اوراق قضایی به وسیله خاصی ارسال شود همان شیوه ملاک عمل است؛ اما اگر شیوه ابلاغ رأی مشخص نشده باشد، داور رأی خود را برای ابلاغ بایستی به دفتر دادگاه تحویل دهد البته امروزه دفاتر خدمات قضایی الکترونیک به عنوان ورودی محاکم محسوب می‌شوند پس داور باید رأی خود را برای ابلاغ به دفتر خدمات قضایی الکترونیک تحویل دهد.

«چنانچه طرفین در قرارداد داوری طریق خاصی برای ابلاغ رأی داوری پیش‌بینی نکرده باشند، داور مکلف است رأی خود را به دفتر دادگاه ارجاع‌کننده دعوا به داور یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تسلیم نماید.

دفتر دادگاه اصل رأی را بایگانی نموده و رونوشت گواهی شده آن را به دستور دادگاه برای اصحاب دعوا ارسال می‌دارد.» (ماده ۴۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی)

خود داور باید شخصاً رأی را برای ابلاغ تسلیم نماید. درخواست ابلاغ رأی، ماهیتاً درخواست است ولی در شکل دادخواست مطرح می‌شود. هزینه آن هم هزینه‌های دعاوی غیر مالی است.

خواهان	خواننده	خواسته	شرح خواسته	منضمات
داور	طرفین	درخواست	اینجانب به عنوان داور در دعاوی فی‌مابین آقایان فلان و فلان انجام	۱- رأی داوری
	اختلاف	ابلاغ رأی	وظیفه نموده و رأی داوری به شرح پیوست صادر نمودم که از	۲- موافقتنامه داوری
		داور	دادگاه محترم درخواست دارم دستور مقتضی مبنی بر ابلاغ صادر فرمایند	

در زمان ابلاغ رأی داوری، رأی توسط دادگاه بازرسی نمی‌شود بلکه بازرسی رأی در زمانی دیگر به نام ابطال و اجرای رأی داور رخ می‌دهد.

آثار ابلاغ صحیح رأی

۱- ابلاغ صحیح رأی زمان خاتمه داوری است لذا مهم است که آیا داور در مهلت مقرر برای داوری رأی خود را برای ابلاغ سپرده است یا خارج از آن. ۲- از تاریخ ابلاغ به محکوم علیه مهلت اعتراض به رأی داور شروع می‌شود و تا ۲۰ روز مهلت اعتراض به رأی داوری دارد ۳- از تاریخ ابلاغ رأی داور محکوم علیه ۲۰ روز برای اجرای رأی داور فرصت دارد.

آثار ابلاغ ناصحیح رأی داور و مواردی از ابلاغ ناصحیح رأی داور

۱- ابطال رأی داور ۲- اعتراض محکوم علیه به رأی داور

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/@sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

در داوری داخلی درخواست ابطال رأی داور و اعتراض شخص ثالث نسبت به رأی داور داریم ولی اعاده دادرسی، فرجام خواهی و واخواهی نداریم.

مبحث بیست و دوم؛ ابطال رأی داور

رأی داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد:

۱- رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد. ۲- داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر کرده است. ۳- داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیارات داور است ابطال می‌گردد. ۴- رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد. ۵- رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد. ۶- رأی به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رأی نبوده‌اند. ۷- قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد. (ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی)

در مورد ماده فوق هریک از طرفین می‌تواند ظرف بیست روز بعد از ابلاغ رأی داور از دادگاهی که دعوا را ارجاع به داوری کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، حکم به بطلان رأی داور را بخواهد در این صورت دادگاه مکلف است به درخواست رسیدگی کرده، هرگاه رأی از موارد مذکور در ماده فوق باشد حکم به بطلان آن دهد و تا رسیدگی به اصل دعوا و قطعی شدن حکم به بطلان، رأی داور متوقف می‌ماند. تبصره - مهلت یادشده در این ماده و ماده ۴۸۸ نسبت به اشخاصی که مقیم خارج از کشور می‌باشند دو ماه خواهد بود. شروع مهلت‌های تعیین شده در این ماده و ماده (۴۸۸) برای اشخاصی که دارای عذر موجه به شرح مندرج در ماده (۳۰۶) این قانون و تبصره (۱) آن بوده‌اند پس از رفع عذر احتساب خواهد شد. (ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی)

چنانچه اصل دعوا در دادگاه مطرح بوده و از این طریق به داوری ارجاع شده باشد، در صورت اعتراض به رأی داور و صدور حکم به بطلان آن، رسیدگی به دعوا تا قطعی شدن حکم بطلان رأی داور متوقف می‌ماند.

تبصره - در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه نبوده و رأی داور باطل گردد، رسیدگی به دعوا در دادگاه با تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد. (ماده ۴۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی)

در صورتی که درخواست ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر باشد دادگاه قرار رد درخواست را صادر می‌نماید. این قرار قطعی است. (ماده ۴۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی)

باطل است یعنی از اساس باطل است یعنی اگر محکوم له در این موارد از محکمه تقاضای صدور اجرائیه و اجرای رأی داور را نماید، همین که دادگاه متوجه این موارد شود نباید رأی داور را اجرا کند این مورد از ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی استنباط می‌شود.

قانونگذار در ماده ۴۹۲ از عبارت ابطال استفاده کرده است یعنی آن عبارت بطلان در ماده ۴۸۹ در اینجا تبدیل به ابطال رأی داور شد. بطلان و ابطال متفاوت است؛ بطلان چیزی است که از اساس باطل است ولی ابطال یعنی اینکه یک واقعه حقوقی یا یک عمل

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

حقوقی یک اتفاق درست است و آثار خود را به جای می‌گذارد اما ما می‌توانیم تقاضای باطل شدن آن را نماییم. قانونگذار در داوری داخلی میان این دو تفاوت قائل نشده است و این دو را با یکدیگر خلط کرده است. لذا ما با یک پاسخ دوگانه مواجه هستیم از یک سو با توجه به صدر ماده ۴۸۹ به صورت مطلق گفته شده است؛ «در موارد زیر باطل است» چه اعتراضی شده باشد چه نشده باشد و قابلیت اجرایی ندارد، از سوی دیگر ماده ۴۹۲ پاسخ دیگری به ما می‌دهد این ماده می‌گوید «اگر ظرف مدت بیست روز نسبت به رأی داور اعتراض نشده باشد اعتراض بعد از ۲۰ روز پذیرفته نیست» یعنی ماده ۴۹۲ اعمال ماده ۴۸۹ را منوط به این کرده است که ظرف مدت ۲۰ روز اعتراض شده باشد. در اینجا نتیجه غیرمنطقی ایجاد می‌شود و این نتیجه غیر منطقی این است که در مواردی ممکن است اعتراض نسبت به رأی داور اصلاً به عمل نیاید، آیا در این موارد می‌توان رأی داور را که بر خلاف قوانین آمره یا خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه است را اجرا کرد؟ در اینجا قانونگذار به درستی مسئله نگاه نکرده است قانونگذار باید بین جهات مطلق و جهات نسبی بطلان تمایز قائل می‌شد همان تمایزی که در قانون داوری تجاری بین المللی قائل شده است. در قانون داوری تجاری بین المللی قانون گذار در ماده ۳۳ از ابطال رأی سخن گفته و در ماده ۳۴ همان قانون از بطلان رأی صحبت نموده است.

ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین المللی - درخواست ابطال رأی

۱- رأی داوری در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده (۶) قابل ابطال است:

الف - یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد. ب - موافقتنامه داوری به موجب قانونی که طرفین بر آن موافقتنامه حاکم دانسته‌اند معتبر نباشد و در صورت سکوت قانون حاکم، مخالف صریح قانون ایران باشد. ج - مقررات این قانون در خصوص ابلاغ اخطاریه‌های تعیین داور یا درخواست داوری رعایت نشده باشد. د - درخواست کننده ابطال، به دلیلی که خارج از اختیار او بوده، موفق به ارائه دلایل و مدارک خود نشده باشد. ه - «داور» خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد. چنانچه موضوعات مرجوعه به داوری قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیارات «داور» بوده، قابل ابطال است. و - ترکیب هیات داوری یا آیین دادرسی مطابق موافقتنامه داوری نباشد و یا در صورت سکوت و یا عدم وجود موافقتنامه داوری، مخالف قواعد مندرج در این قانون باشد. ز - رأی داوری مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داوری باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده (۶) پذیرفته شده است. ح - رأی داوری مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد. ط - پس از صدور رأی داوری مدارکی یافت شود که دلیل حقانیت معترض بوده و ثابت شود که آن مدارک را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آنها شده است.

۲ - در خصوص موارد مندرج در بندهای (ح) و (ط) این ماده، طرفی که از سند مجعول یا مکتوم متضرر شده است، می‌تواند پیش از آنکه درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورد، از «داور» تقاضای رسیدگی مجدد نماید، مگر در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/@sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

۳- درخواست ابطال رأی موضوع بند (۱) این ماده ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی داوری اعم از رأی تصحیحی، تکمیلی یا تفسیری به معترض، باید به دادگاه موضوع ماده (۶) تقدیم شود، و الا مسموع نخواهد بود.

ماده ۳۴ قانون داوری تجاری بین المللی - بطلان رأی

در موارد زیر رأی «داور» اساساً باطل و غیر قابل اجراست:

۱- در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد.

۲- در صورتی که مفاد رأی مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد.

۳- رأی داوری صادره در خصوص اموال غیر منقول واقع در ایران با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران و یا با مفاد اسناد رسمی معتبر معارض باشد، مگر آنکه در مورد اخیر «داور» حق سازش داشته باشد.

مطابق ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین المللی؛ بطلان نسبی یعنی اگر آن طرف درخواست نکند دادگاه نتیجه داوری را باطل نمی کند و رأی داوری را اجرا می کند. اما برابر ماده ۳۴ قانون داوری تجاری بین المللی بطلان رأی در این مورد رأی در این موارد رأی داور اساساً باطل و غیر قابل اجراست در این موارد چه اعتراض به رأی بشود چه نشود رأی داور از اساس باطل است.

در داوری داخلی چنین تفکیکی ایجاد نشده است و اتفاقاً خلط شده است حال تکلیف چیست به نظر می رسد با وحدت ملاک گیری از آخرین اراده قانونگذار در قانون داوری تجاری بین المللی باید بین جهات بطلان مطلق و بطلان نسبی تفکیک قائل شود و در مواردی مثل مخالفت با قواعد آمره و نظم عمومی و اخلاق حسنه چه اعتراضی بشود و چه اعتراض نشود دادگاه نباید اجراییه صادر کند اما در مواردی مثل اینکه داور خارج از مهلت رأی داده یا رأی خارج از حدود اختیاراتش بوده یا رأی داور در موضوعات غیر از موضوعات مورد اختلاف بوده در این موارد به نظر می رسد دادگاه در صورتی باید رأی داور را باطل بداند که در مهلت مقرر نسبت به رأی داور اعتراض شود. رویه قضایی نیز متمایل به همین نظر است.

درخواست ابطال رأی داور در شکل دادخواست تنظیم می شود. و نیازی نیست نام داور به عنوان خواننده ذکر شود، اما اگر در قسمت خواننده تنها نام داور ذکر شود، دادگاه به دلیل عدم توجه دعوا به داور، قرار رد دعوا صادر می کند.

خواهان	خواننده	خواسته	شرح خواسته	منضمات
محکوم علیه	محکوم له و داور	درخواست ابطال رأی داور		۱- رأی داور ۲- موافقت نامه داوری ۳- پرونده ابلاغ رأی داور ۴- ورقه مبنی بر قبول داوری و ادله مربوط به ابطال رأی داور

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

در مورد مالی یا غیرمالی بودن درخواست ابطال رأی داور اختلاف است. گفته می‌شود غیرمالی است چون ماهیتاً درخواست است و دعوا نیست ثانیاً از ابطال رأی داور مالی نسیب طرف نمی‌شود و اثر مستقیم مالی ندارد و فقط رایی که قرار بود اجرا شود دیگر اجرا نمی‌شود.

برخی نیز معتقدند که رأی داور اگر مالی باشد، درخواست ابطال آن هم مالی است و اگر رأی داور غیرمالی باشد درخواست ابطال آن هم غیرمالی است و درست است که اثر مستقیم مالی ندارد ولی همین که ابطال شد اثر مالی خواهد داشت. و تشخیص مالی یا غیرمالی بودن نیز با دادگاه است.

به هر صورت برای درخواست ابطال رأی داور لازم نیست کل مبلغ ریالی رأی داور را به عنوان بهای خواسته درج نمود. و تقویم خواسته طبق نظر خواهان است. دادگاه صالح برای درخواست ابطال رأی داور مطابق ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی حسب مورد دادگاهی است که دعوا را ارجاع به داوری کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد.

اگر درخواست ابطال رأی داور خارج از مهلت ۲۰ روزه انجام شود دادگاهی که درخواست به آن داده شد قرار رد درخواست صادر می‌کند که این قرار قطعی است. اگر موضوع خواسته رأی داور تا ۲۰ میلیون تومان باشد مرجع صالح شورای حل اختلاف است. در امور خانوادگی و قابل داوری که داور رأی صادر می‌کند درخواست ابلاغ، اجرا و ابطال رأی داور از دادگاه خانواده صورت می‌گیرد و دادگاه نسبت به درخواست ابطال رأی داور تنها به موضوع خواسته توجه و رسیدگی می‌کند. البته نسبت به سایر مواردی که خواسته نشده و از جهات مطلق بطلان باشد بعدها دادگاه نسبت به آن اجراییه صادر نخواهد کرد. اگر هر دو طرف نسبت به رأی داور معترض باشند دادگاه به هر دو پرونده به صورت توأمان رسیدگی می‌نماید.

داوری یک نهاد یکبار مصرف است اگر داور نسبت به آن موارد رأی صادر کند و ابطال شود، داوری پایان می‌یابد و صلاحیت رسیدگی در دادگاه است مگر آن که مجدداً با یکدیگر توافق نمایند. دادگاه پس از ابطال رأی داور وارد رسیدگی به دعوا نمی‌شود و نیاز به دادخواست جداگانه دارد به جز مواردی که دعوا از ابتدا در دادگاه مطرح بوده و سپس در جریان رسیدگی به دعوا و داوری ارجاع شده و پس از صدور رأی داور و اعتراض به آن حکم بر بطلان رأی داور صادر شد، دادگاه به اصل دعوا نیز رسیدگی می‌نماید.

طرفین می‌توانند با توافق یکدیگر رأی داور را کان لم یکن و بلا اثر نمایند.

هرگاه طرفین، رأی داور را به اتفاق بطور کلی و یا قسمتی از آن را رد کنند، آن رأی در قسمت مردود بلا اثر خواهد بود. (ماده ۴۸۶ قانون آیین دادرسی مدنی)

حکم دادگاه مبنی بر بطلان رأی داور قابل تجدید نظر فرجام خواهی اعاده دادرسی و غیره است.

شخص ثالث هم می‌تواند نسبت به رأی داور اعتراض نماید. اعتراض ثالث به رأی داور مشمول مواد ۴۱۷ الی ۴۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی است. اعتراض ثالث به رأی داور محدودیت زمانی ندارد و خواهان آن شخص ثالث خوانده آن محکوم له و محکوم علیه رأی داوری و خواسته آن اعتراض ثالث نسبت به رأی داور است.

اعتراض ثالث به رأی داور هیچ محدودیتی ندارد و از هر حیث مخالف حقوق ثالث باشد می‌توان با آن اعتراض نماید. اما اعتراض محکوم علیه به رأی داور مشمول و محدود به ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی است.

مبحث بیست و سوم؛ توقف اجرای رأی داور

دستور توقف اجرای رأی داور

اعتراض به رأی داور اثر تعلیقی ندارد و جریان اجرا را متوقف نمی‌کند و اثر تعلیقی ندارد. بنابراین پس از گذشت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی داور محکوم له می‌تواند تقاضای صدور اجرائیه نماید هر چند که محکوم علیه اعتراض کرده باشد. صرف اعتراض مانع فرایند اجرا نیست مگر آن که دلایل اعتراض قوی باشد (مطابق ماده ۴۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی) و در صورتی که محکوم علیه درخواست توقف اجرای رأی داور را کرده باشد در این صورت دادگاه قرار توقف اجرای رأی داور یا قرار منع اجرای رأی داور را تا پایان رسیدگی و صدور حکم قطعی در خصوص رأی داوری صادر می‌کند.

«اعتراض به رأی داور مانع اجرای آن نیست، مگر آنکه دلایل اعتراض قوی باشد. در این صورت دادگاه قرار توقف منع اجرای آن را تا پایان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم قطعی صادر می‌نماید و در صورت اقتضاء تأمین مناسب نیز از معترض اخذ خواهد شد.» (ماده ۴۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی)

اگر رأی داور اجرا نشده قرار منع اجرا و اگر رأی داور اجرا شده و در حال اجراست قرار توقف اجرا صادر می‌شود.

آیا دادگاه برای صدور قرار توقف اجرا باید از معترض تأمین بگیرد؟ خیر دادگاه در این خصوص الزامی ندارد و به صلاحدید قاضی است. (انتهای ماده ۴۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی) میزان و مهلت و نوع آن هم به نظر قاضی است. قابل اعتراض نیست و یک تصمیم صلاحیدیدی است. دستور دادگاه مبنی بر توقف و نیز مبنی بر میزان و غیره هیچکدام قابل اعتراض نیست، اگر دادگاه بدوی به هر دلیل قرار توقف یا منع اجرای رأی داور را صادر نکرد اما در نهایت خودش حکم به بطلان رأی داور صادر کرد در اینجا خودبه‌خود اجرای رأی داور متوقف می‌شود. به عبارتی با صدور حکم بدوی اجرای رأی داور متوقف می‌شود.

حکم بدوی مبنی بر بطلان رأی داور آثار اجرایی بر آن مترتب است (اجرای رأی داور را متوقف می‌کند) با این که هنوز قطعی نشده است.

اگر دادگاه بدوی قرار توقف یا منع اجرا صادر نکند حکم مبنی بر بطلان رأی داور هم صادر نکرد و دعوی محکوم علیه معترض به رأی داوری را رد کرد، می‌توان نسبت به آن تجدید نظر خواهی کرد و صدور قرار توقف و منع اجرا در صلاحیت دادگاه تجدید نظر خواهد بود.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

۱- دستور توقف اجرای رأی داور ماهیتاً قرار است. (ماده ۴۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی) ۲- سپردن تأمین الزامی نیست مگر به تشخیص دادگاه ۳- میزان تأمین هم بسته به نظر دادگاه است و قابل اعتراض نیست ۴- خود این قرار هم قابل اعتراض نیست ۵- مرجع صدور قرار همان دادگاه بدوی که به اعتراض نسبت به رأی داور رسیدگی می‌کند؛ اگر احیاناً دادگاه بدوی به اعتراض رسیدگی کرد و بعداً پرونده به دادگاه تجدید نظر رسید، آن زمان باید این تقاضا را از دادگاه تجدید نظر به عمل آورد ۶- تقاضای این دستور قبل از درخواست ابطال رأی داور ممکن نیست. با دقت در ماده ۴۹۳ متوجه می‌شویم که قبل از اعتراض نمی‌توانیم تقاضای توقف اجرای رأی داور داشته باشیم و نباید با دستور موقت و تأمین خواسته مقایسه نماییم. ۷- تقاضای این دستور در فرض رسیدگی دادگاه بدوی به درخواست ابطال می‌تواند همراه با درخواست ابطال رأی داور تقدیم شود یا در اثنای رسیدگی تقدیم شود مهم این است که اعتراض به رأی داور شده باشد که دادگاه دلایل اعتراض را بررسی نماید و قوی بداند ۸- تقاضای این دستور در فرض قبول درخواست ابطال سادگی صادر شدن حکم بطلان رأی داور توسط دادگاه بدوی در این حالت این درخواست از همان دادگاه بدوی چه انجام شده باشد چه نشده باشد فرقی ندارد در این حالت اجرای رأی داور متوقف می‌شود ۹- قرار دستور توقف اجرای رأی داور می‌تواند نسبت به یک قسمت از رأی داور باشد یا ممکن است دادگاه دلایل را تنها نسبت به بخشی از رأی قوی بداند.

مبحث بیست و چهارم؛ اجرای رأی داور

از تاریخ ابلاغ رأی داور محکوم له ۲۰ روز فرصت دارد اگر رأی داوری را قبول ندارد درخواست ابطال رأی داور را مطرح نماید و اگر رأی داوری را قبول دارد در این ۲۰ روز اجرا کند. اگر این ۲۰ روز خاتمه پیدا کند و محکوم علیه رأی داور را اجرا نکند محکوم له می‌تواند به دادگاه مراجعه کند از دادگاه تقاضای صدور اجرائیه و اجرای رأی داور را به عمل آورد.

دادگاه صالح برای اجرای رأی داور مطابق ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی ۱- دادگاهی است که دعوا را به داوری ارجاع داده ۲- دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را از حیث ذاتی و محلی دارد به درخواست محکوم له ۳- برگه اجرایی اجرای رأی طبق مقررات اجرایی قانون اجرای احکام مدنی و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به محکوم علیه ابلاغ می‌شود و طبق مقررات این دو قانون اقدام می‌شود. یعنی ۱۰ روز مهلت اجرا سپس به درخواست ذینفع اموال توقیف می‌شود و از محل فروش و مزایده آن اموال رأی داور اجرا می‌شود.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

درخواست اجرای رأی داور در قالب دادخواست است. هزینه آن نیز هزینه دعاوی غیرمالی است. (فقط در خصوص ابطال رأی داور در خصوص مالی یا غیرمالی بودن اختلاف نظر وجود دارد).

خواهان	خوانده	خواسته	منضمات	شرح خواسته
محکوم له رأی داور	محکوم علیه رأی داور	درخواست اجرای داور	۱- رأی داور ۲- موافقتنامه داوری ۳- مدارک دال بر تاریخ ابلاغ اشاره به شماره پرونده	بر مبنای موافقتنامه داوری شماره فلان مورخ فلان، رأی داور به تاریخ فلان، صادر شده و در فلان تاریخ به محکوم علیه ابلاغ شده علیرغم سپری شدن مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ خوانده محترم نسبت به اجرای رأی داور اقدامی به عمل نیآورده بنابراین درخواست داده نسبت به سرور اجرایی تشکیل پرونده اجرایی و اجرای رأی داور تصمیم مقتضی را مبذول فرمایید

بازرسی رأی داور در مقام اجرای آن

برخلاف ابلاغ رأی داور دادگاه برای اجرای رأی داور، آن را بازرسی می‌نماید که آیا موارد مندرج در ماده ۴۸۹ نسبت به آن وارد است یا خیر. مواردی که در ماده ۴۸۹ مرتبط با نظم عمومی و اخلاق حسنه یا مرتبط با قوانین آمره هستند اینها چه اعتراضی بشود چه اعتراض نشود قاضی نباید رأی داور را شناسایی و اجرا نماید. در این موارد حتی اگر اعتراضی هم نشده باشد بوی تبانی و تقلب نسبت به قانون و بوی نقض اخلاق حسنه و نظم عمومی به مشام می‌رسد و حتی اگر اعتراضی هم نشده باشد قاضی نباید اجرایی صادر کند بلکه در مواردی که از حقوق اصحاب دعوا است می‌تواند اعتراضی نکنند و از این اعتراض بگذرند و اشکالی هم ندارد مثل خارج از مهلت بودن رأی داور بندهای ۲،۳،۴ ماده ۴۸۹.

قطعیت یا عدم قطعیت تصمیم دادگاه در مقام صدور اجراییه یا رد درخواست اجرایی رأی داور دستور دادگاه مبنی بر صدور اجراییه یک تصمیم ساده قضایی است و لذا قابلیت اعتراض و تجدیدنظر ندارد اما رد درخواست اجرای رأی داور در قالب قرار صادر می‌شود. این قرار می‌تواند قابل تجدیدنظر باشد. وقتی اجرای رأی داور به عمل آمد تقاضای اجرای رأی داور صورت گرفت نیاز به تشکیل جلسه دادرسی و دعوت از اصحاب دعوا، صدور رأی و تنظیم دادنامه نیست. اگر دادگاه بعد از بازرسی رأی را خلاف قوانین آمره، نظم عمومی و اخلاق حسنه نداند دستور را صادر می‌کند که یک تصمیم استفاده قضایی است و قابل اعتراض نیست اما اگر دادگاه درخواست را رد کرد و تصمیم دادگاه مبنی بر درخواست اگر به اسم رد درخواست باشد و چون رد درخواست جزء قرارهای قابل تجدیدنظر ذکر نشده است قابل تجدیدنظر نیست. اما اگر دادگاه بیاید و راجع به رد درخواست ابطال دادخواست و مواردی از این قبیل صادر کند قابل تجدیدنظر است.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

آیا اجرای رأی داور مشمول قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی می‌شود؟ ۲۷ قانون نحوه اجرای احکام و محکومیت‌های مالی مقررات این قانون به طور مثال دستور جلب، ممنوع الخروجی، امکان استعلام اموال از بانک مرکزی، شهرداری، اداره ثبت و سایر ادارات از مقررات قانون نحوه اجرای احکام محکومیت‌های مالی نه تنها در خصوص احکام محاکم دادگستری اجرا می‌شود بلکه در خصوص گزارش اصلاحی نیز اجرا می‌شود در خصوص اجراییه آرای سایر مراجعی که آرای آنها در دادگستری اجرا می‌شود هم لازم الاجراست، مثل رأی داور. بنابراین اجرای رأی داور هم مشمول قانون اجرای احکام مدنی و هم قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است و از مزایای این قانون مثل امکان ممنوع الخروجی و امکان جلب بازداشت محکوم علیه هم جاری است.

البته اختلاف است راجع به کلمه مرجع بعضی از محاکم مرجع را شامل داوری نمی‌دانند. (به خصوص در مورد دستور جلب) اعتراض ثالث اجرایی و سایر اشکالات در فرایند اجرا مطابق ماده ۲۸ قانون اجرای احکام مدنی است. اعاده به سابق بعد از ابطال رأی داور مطابق ماده ۳۹ قانون اجرای احکام مدنی صرفاً به دستور دادگاهی است که اجراییه صادر کرده است؛ بدون نیاز به طرح دعوا، بدون نیاز به دادخواست، بدون نیاز به هزینه، بدون نیاز به طی تشریفات، بدون نیاز به صدور رأی، بدون نیاز به صدور اجرایی و صرفاً به دستور دادگاهی که آن را اجرا کرده است خواهد بود.

«رأی داوری که موضوع آن معین نیست قابل اجراء نمی‌باشد. مرجع رفع اختلاف ناشی از اجرای رأی داوری دادگاهی است که اجراییه صادر کرده است.» (ماده ۲۸ قانون اجرای احکام مدنی)

«هرگاه حکمی که به موقع اجرا گذارده شده بر اثر فسخ یا نقض یا اعاده دادرسی به موجب حکم نهائی بلااثر شود عملیات اجرایی به دستور دادگاه اجراکننده حکم به حالت قبل از اجرا برمی‌گردد و در صورتی که محکوم به عین معین بوده و استرداد آن ممکن نباشد دادورز (مأمور اجرا) مثل یا قیمت آن را وصول می‌نماید. اعاده عملیات اجرایی به دستور دادگاه به ترتیبی که برای اجرای حکم مقرر است بدون صدور اجراییه به عمل می‌آید.» (ماده ۳۹ قانون اجرای احکام مدنی)

فصل دوم؛ داوری در دعاوی دولتی و عمومی

مبحث اول؛ تفاوت ضوابط و قواعد داوری دعاوی دولتی و عمومی با سایر اقسام داوری

پیش زمینه‌ها و مبنای این تفاوت‌ها

اصلی‌ترین ریشه این تفاوت برمی‌گردد به تفاوت‌های بنیادین و ریشه‌ای که در حوزه حقوق عمومی نسبت به حوزه حقوق خصوصی وجود دارد. نمی‌توان با قواعد حقوق خصوصی به تحلیل یک موضوع در حوزه حقوق عمومی یا حوزه عمومی پرداخت.

۱- در حوزه حقوق عمومی اصل عدم صلاحیت و لزوم اعطای صلاحیت است. انعقاد قرارداد داوری در حوزه عمومی خلاف اصل است ۲- خلاف اصل بودن ارجاع دعاوی عمومی و دولتی به بخش خصوصی یا حکومت قواعد خصوصی بر آن ۳- لزوم تضمین و حراست از حقوق مردم در حوزه اموال دولتی و عمومی ۴- اصل غیر قابل واگذاری بودن اموال دولتی و عمومی یعنی ممنوعیت مطلق یا تشریفاتی بودن واگذاری.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

ممکن است در برخی موارد خاص به ویژه در موارد داوری‌های اجباری مقام داور یا نهاد داوری بخش خصوصی نباشد و یک مقام عمومی باشد ولی اصولاً موضوع داوری یک موضوع خصوصی است که توسط نهاد یا مقام خصوصی اعمال می‌شود و اساساً صلاحیت داوری ناشی از یک قرارداد خصوصی است اما حوزه عمومی غیر معقول است که اجازه بدهیم نماینده عموم مردم که خودش محدود در قواعد و ضوابط گسترده‌ای است اختلاف خودش را با بخش خصوصی به بخش خصوصی دیگری واگذار کند چرا که اصولاً حاکمیت بر بخش خصوصی تفوق و برتری دارد لذا به راحتی نمی‌توان ادعا کرد که همانگونه که از عمو مات حقوقی به منظور ارجاع امور حقوقی و داوری در حوزه خصوصی بهره می‌بریم در حقوق عمومی و حوزه اموال عمومی هم توانایی بهره برداری از این عمو مات را داشته باشیم.

ریشه قانونی این تفاوت هم در اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی وجود دارد. در واقع اصلی‌ترین مبنای ایجاد این محدودیت همان اصل ۱۳۹ قانون اساسی است.

اصل ۱۳۹ قانون اساسی: « صلح دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موقوف به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.»

«ارجاع دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی که طرف دعوی خارجی و یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.» (ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی)

مبحث دوم؛ اموال دولتی

ماده ۲۶ قانون مدنی در تعریف و اموال دولت تعریف به مصداق کرده است.

مطابق آیین نامه اموال دولتی مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحیه سال ۷۴، اموال دولت اموالی است که توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که ۱۰۰ درصد سهام آنها متعلق به دولت است خریداری می‌شود یا به هر طریق قانونی دیگر به تملک دولت در آمده یا در می‌آیند. به طور خلاصه اموالی که در مالکیت دولت قرار دارد اموال دولتی است یا به عبارتی اموال اختصاصی دولت است.

درباره مفهوم دولت

مفهوم دولت در قوانین در قالب دستگاه‌های اجرایی است که مواد ۱ تا ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری؛ وزارتخانه، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، مؤسسات عمومی غیر دولتی را بر شمرده است. روشن است که مفهوم دولت بر وزارتخانه و مؤسسات دولتی بار می‌شود و اموال اینها هم اموال دولتی هستند اما در مورد شرکت‌های دولتی و در مورد مؤسسات عمومی غیر دولتی در شمول اموال دولتی بر این دو شبهاتی وجود دارد. برخی از اساتید با توجه به آیین نامه اموال دولتی، شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی غیر دولتی را مشمول محدودیت موجود در اصل ۱۳۹ قانون اساسی ندانسته‌اند و در واقع تنها مستندی که می‌تواند شرکت‌های

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

دولتی از دایره شمول اصل ۱۳۹ خارج کند همان آیین نامه اموال دولتی است که در سال ۷۴ شرکت‌های دولتی از آن مستثنا شده است.

۱- باید توجه داشت که این آیین نامه اساساً در مقام تعریف امور دولتی و عمومی یا در مقام تعریف اصطلاح اموال دولتی و عمومی نیست. اساساً این آیین نامه در مقام اجرای حکم ماده ۱۲۲ قانون محاسبات عمومی، و نسبت به نحوه تعامل با قواعد مالی محاسباتی و بودجه و اعتباراتی و نحوه تعامل با اموال بخش‌های مختلف حاکمیت است. یعنی قواعدی را برای بخش‌های مختلف حاکمیت در نظر گرفته است و این آیین نامه قصد آن داشته که مقررات مربوط به شرکت‌های دولتی در این موضوعات متفاوت باشد.

اگر آیین نامه‌ای که یک قاعده عمومی یا دولتی را نسبت به بخشی از دولت جاری نکند اما ذات آن بخش دولت را نمی‌تواند تغییر دهد یا مفهوم ناظر بر آن بخش را متفاوت کند. ماهیت شرکت دولتی از اسم آن هم مشخص است. شرکت دولتی شرکتی است که متعلق به دولت است و طبیعتاً اموال این شرکت هم متعلق به دولت است اینها قطعاً اموال دولتی هستند که تابع برخی از قواعد مربوط به آیین نامه اموال دولتی نخواهند شد ولی نمی‌توان آنها را از شمول محدودیت در اصل ۱۳۹ قانون اساسی مستثنا کرد.

۲- شورای نگهبان در نظریه تفسیری به صراحت اصل ۱۳۹ را نسبت به شرکت‌های دولتی تصریح داشته است.

۳- شورای نگهبان در مقام بررسی عدم مغایرت اساسنامه‌های شرکت‌های دولتی با قانون اساسی که در راستای اجرای اصل ۸۵ قانون اساسی از سوی هیئت وزیران و مجلس برای شورای نگهبان ارسال می‌شود مستمراً بر لزوم رعایت اصل ۱۳۹ و تشریفات مقرر در آن تاکید کرده است و اصولاً در اساسنامه این شرکت‌ها رعایت اصل ۱۳۹ تاکید شده است.

اصل ۱۳۹ قانون اساسی به منظور صیانت از اموال عمومی و دولتی و منافع مردم وضع شده است و در مقام دفاع از کلیه اموال عمومی بوده لذا اگر ما بخواهیم به مقامات عمومی اجازه دهیم که هرگونه تصرف مالکانه‌ای نسبت به اموال دولتی داشته باشند و از هر ابزاری بتوانند جهت تصمیم‌گیری استفاده کنند درست است که ممکن است مزایایی همچون سهولت در تصمیم‌گیری داشته باشد و در سوی مقابل ممکن است عوارض و تبعاتی داشته باشد که باعث از بین رفتن منابع یا منافع عمومی و اموال عمومی هم‌گریبانگیر ملت شود.

در خصوص شرکت دولتی و هم‌موسسه عمومی غیردولتی هیچکس ادعا ندارد که این دو عمومی و دولتی نیستند. اساساً عمومی بودن جزء ذات موسسه عمومی غیردولتی و دولتی بودن جزء ذات شرکت دولتی است لذا وقتی ذات این دو مشخص است اموال متعلق به این شرکت و موسسه هم عمومی یا دولتی است.

ماده ۸۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد که همه دستگاه‌های اجرایی اگر می‌خواهند خصوص سازی شوند باید تابع همین قانون باشند و در واقع چه چیزی را خصوصی سازی می‌کنیم و چیزی که خصوصی است را چگونه می‌شود خصوصی سازی کرد لذا شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی هم عمومی و دولتی هستند.

نظریه تفسیری شورای نگهبان در این خصوص بدین صورت است که اصل ۱۳۹ قانون اساسی به لحاظ صراحت و وضوح اساساً نیاز به تفسیر ندارد و اعضای شورای نگهبان به اتفاق آرا اصل مذکور را شامل اموال شرکت‌های دولتی نیز می‌دانند.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

شورای نگهبان در رویه نیز هم شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی غیر دولتی را تابع اصل ۱۳۹ قانون اساسی دانسته است. به طور مثال در نظریه شماره ۷۱/۲۱۲۸ مورخ ۱۳۷۷ شورای نگهبان در خصوص لایحه اساسنامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی مجلس شورای اسلامی نظر به اینکه بنیاد شهید نهاد عمومی غیر دولتی است و در نتیجه اموال آن جزو اموال عمومی محسوب می‌گردد بند ۳ ماده ۱۲ که ارجاع اختلاف به داوری را به طور مطلق از اختیارات رئیس بنیاد دانسته از خلاف اصل ۱۳۹ شناخته است.

ضرورت تفسیر کارکرد گرایانه به منظور توسعه امر داوری در دعاوی اموال دولتی

اولاً به استناد ماده ۵۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی ضرورت داوری وجود اهلیت است ثانیاً در حقوق عمومی مفهوم صلاحیت تقریباً به جای مفهوم اهلیت قرار دارد و به استناد اصل عدم صلاحیت در حقوق عمومی چنانچه قانون گذار صلاحیت داوری اموال دولتی را نپذیرفته باشد امکان ارجاع به داوری وجود ندارد. در راستای توسعه داوری در حوزه امور حقوق عمومی ضروری است تفسیری کارکردگرایانه از مفهوم اموال دولتی و عمومی در نظر گرفته شود و امکان بهره گیری نهادهای عمومی و دولتی از نهاد داوری در موارد کم اهمیت‌تر با تجویز قانونگذار فراهم گردد این رویه در برخی چهره‌های خاص قبلاً نیز تبلور یافته است.

مبحث سوم؛ اموال عمومی

اموال برخوردار از یکی از این سه ویژگی را می‌توان اموال عمومی دانست: ۱- عدم وقوع مالکیت خصوصی بر مال (یعنی ملاک تحقق عنوان انفال) ۲- حق مساوی اشخاص در بهره مندی از مال (یعنی ملاک تحقق عنوان مباحات) ۳- اختصاص دائمی مال به خدمتی عمومی (یعنی ملاک تحقق مشترکات، موقوفات عامه، اموال مجهول‌المالک و مانند اینها) مطابق نظرات اساتید حقوق مواد ۲۴ و ۲۵ قانون مدنی در مقام بیان مصادیقی از اموال دولتی و عمومی است.

آیا داوری اموال دولتی و عمومی صرفاً شامل اموال خواهد بود یا تعهدات ناظر بر اموال دولتی را نیز شامل می‌شود؟ تفسیر کارکردگرایانه از اصل ۱۳۹ اقتضا دارد که در وضعیت کنونی این اثر شامل همه تعهدات ناظر بر اموال دولتی گردد به علت اصل عدم صلاحیت در حقوق عمومی امکان اجرای آن داوری نیست. اصل ۱۳۹ داوری در حوزه اموال عمومی و دولتی را اعطا کرده است اصل صلاحیت را واگذار کرده ولی شیوه اجرا را تابع تشریفات خاصی کرده است.

در تعریف اموال آن را شامل مال مادی و غیرمادی می‌دانیم، حقوق مالی را نیز شامل حقوق عینی و حقوق دینی است. حقوق دینی همان حقوق و تعهدات است در نتیجه اقتضا اموال دولتی و عمومی اموال مادی و غیرمادی حقوق عینی و حقوق دینی ناظر به اموال را در بر می‌گیرد که شامل حقوق تعهدات مالی نیز خواهد بود.

تعهدات غیر مالی دولت در حوزه سکوت قانونگذار اساسی است و قانونگذار اساسی نسبت به آن منعی مطرح نکرده است در نتیجه قانونگذار عادی می‌تواند صلاحیت ارجاع موضوع این حوزه داوری را به مقامات اجرایی اعطا کند. بر این اساس اگر در قوانین خاصی اساسنامه‌ها یا آیین‌نامه‌ها اجازه داده شده باشد در حوزه تعادل غیر مالی دولت می‌تواند مطابق با عموماً قواعد حقوق خصوصی و هر روش دیگری که قانونگذار مشخص نموده عمل نمود.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

جمع بندی: شمول اصل ۱۳۹ قانون اساسی ناظر بر همه انواع اموال اعم از تعهدات و اموال مادی و همچنین دایره شمول موضوعی آن ناظر بر همه اموال متعلق به همه دستگاه‌های اجرایی اعم از وزارتخانه، موسسه دولتی، شرکت دولتی و موسسه عمومی غیردولتی می‌شود.

مبحث چهارم؛ محدودیت‌های ناظر بر فرآیند داوری

۱- ارجاع به داوری در مورد اموال دولتی و عمومی داخلی موارد غیر مهم نیاز به تصویب هیات وزیران و اطلاع مجلس دارد و در موارد مهم آن تصویب هیات وزیران و مجلس ضروری است.

تعیین ضوابط تشخیص موارد مهم به قانون واگذار شده است که تاکنون در این زمینه قانون تصویب نشده است در نتیجه تشخیص آن در حال حاضر با مقام تصمیم گیر است که در صلاحیت هیئت وزیران و مجلس خواهد بود.

این فرآیند اولاً باید در هر مورد اجرا شود و ثانیاً پیش از اقدام باید این فرآیند طی شود در این خصوص رأی هیات عمومی دیوان عدالت اداری قابل ذکر است. مستفاد از اصل ۱۳۹ قانون اساسی که مقرر می‌دارد صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موقوف به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد و در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم قانون تعیین می‌کند. اصولاً مأموران دولت در زمان انعقاد قرارداد داوری مکلف هستند حسب مورد مصوبه هیات وزیران یا مصوبه مجلس شورای اسلامی را اخذ کنند. نظر به اینکه مصوبه معترض عنه است پس از تنظیم قرارداد داوری صادر شده است و مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی در آن رعایت نشده است خلاف قانون تشخیص داده می‌شود.

۲- ارجاع به داوری خارجی در مورد اموال عمومی و دولتی که هم نیاز به تصویب هیئت وزیران دارد و هم نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی.

مواردی که در قوانین سابق امکان ارجاع به داوری ذکر شده باشد؛ مطابق نظر مشورتی شورای نگهبان نیاز به انجام تشریفات اساسی ندارد. مطابق این نظریه مشورتی نظر به اینکه قوانین جاری کشور در صورتی که از لحاظ قانون اساسی منع اجرایی دارد که با قانون اساسی مغایرت داشته باشد و نظر به اینکه در مواردی که شمول هر یک از اصول قانون اساسی نسبت به قوانین جاری به تفسیر شورای نگهبان نیاز داشته باشد مادامی که شورای نگهبان نظر تفسیری نداده باشد آن قوانین منع اجرایی ندارد و جواز اجرای آن قوانین به اصل خود باقی است و نظر به اینکه در مورد شمول اصل ۱۳۹ نسبت به قرارداد مورد سؤال شورای نگهبان به نظریه تفسیری نرسید ارجاع به داوری از طرف دولت بدون کسب مجوز از مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی مغایرت ندارد.

مبحث پنجم؛ محدودیت‌های ناظر به شخص داور

۱- منع مداخله مأموران دولتی در داوری معاملات اموال عمومی و دولتی (مطابق ماده ۱ قانون راجع به منع مداخله کارمندان در معاملات دولتی مصوب ۱۳۳۷) این قانون تفسیر بسیار موسعی از مفهوم کارمند دولتی ارائه داده است. هر یک از اشخاصی که در این قانون ذکر شده است نمی‌تواند در مورد داوری معاملات دولتی به عنوان داور قرار گیرد.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

۲- در سایر داوری‌های اموال دولتی و عمومی نیز مستند به ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی، از موارد منع داوری کارمندان دولت در حوزه مأموریت آن‌ها می‌باشد.

مبحث ششم؛ الزامات در مرحله صدور رأی داور

۱- الزام به رعایت ضوابط و قواعد قانونی در حوزه حقوق عمومی

الف- داوری اموال دولتی که از نفایس ملی و اموال عمومی اصل ۸۳ قانون اساسی

ب- عدم امکان تهاثر اموال دولتی و عمومی در رأی داور اصل ۵۳ قانون اساسی

پ- عدم امکان جابجایی ردیف‌های بودجه اصل ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی

ج- عدم امکان افزایش و کاهش سرمایه دولت در شرکت‌هایی که قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مجاز نمی‌داند (مواد ۲ و ۳)

در حوزه حقوق عمومی اصل بر آن است که همه قواعد حوزه حقوق عمومی آمره هستند و نمی‌شود به هیچ وجه از آنها روی برگرداند برخلاف حوزه حقوق خصوصی که جز در موارد برخی مصادیق قواعد آمره مابقی موارد قابل توافق و قابل نقض است.

مبحث هفتم؛ الزامات در مرحله اجرای رأی داور

الف- رعایت قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی

ب- عدم امکان جلب و ممنوع الخروجی

مبحث هشتم؛ آثار عدم رعایت ضوابط داوری اموال دولتی و عمومی

گفتار اول؛ عدم رعایت ضوابط ارجاع داوری

۱- از آنجا که شرط نامشروع است مطابق ماده ۲۳۲ قانون مدنی شرط باطل است.

۲- طبق بند ۷ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی رأی داور هم باطل است.

۳- امکان ارجاع مجدد مورد به داوری وجود ندارد. (مطابق تبصره ماده ۴۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی)

گفتار دوم؛ عدم رعایت محدودیت‌های ناظر بر شخص داور

۱- ابطال نتیجه داوری و مسئولیت کارمند دولتی (مطابق ماده ۲ قانون منع مداخله و مواد ۴۸۹ و تبصره ماده ۴۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی)

گفتار سوم؛ عدم رعایت ضوابط ناظر به صدور رأی

ابطال رأی و ارجاع آن به محاکم دادگستری

مبحث نهم؛ چهره‌های خاص داوری اموال دولتی و عمومی

گفتار اول؛ داوری دعاوی پیمان

مستند امکان ارجاع به داوری ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان

موضوعات قابل ارجاع به داوری: ۱- اجرای موضوع پیمان ۲- تفسیر مفاد پیمان

نهاد داوری: شورای عالی فنی

ترکیب شورا: سه نفر به پیشنهاد رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و تصویب هیئت وزیران

این داوری که البته در تمامی قراردادهای پیمان ذکر شده و طرفین مبتنی بر قرارداد پیمان به این داوری مراجعه می کنند در حقیقت یک نوع داوری اجباری است چرا که شرایط عمومی پیمان طرفین را مکلف کرده است. در واقع قراردادهای پیمان به نوعی قرارداد الحاقی هستند و نهاد داور هم به نوعی یک نهاد عمومی است و همچنین تابع عمو مات قوانین و مقررات حوزه داوری هم حوزه خصوصی و هم داوری مطابق قواعد پیمان و هم قواعد حوزه بخش عمومی خواهد بود.

گفتار دوم؛ داوری دعاوی خصوصی سازی

مستند امکان ارجاع به داوری مواد ۲۰ تا ۲۳ قانون برنامه توسعه سوم که به موجب ماده ۳۰ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ تنفیذ شده است.

هیئت داوری موضوع این قانون یک هیئت داوری است که به نوعی یک نهاد عمومی تلقی می شوند.

موضوعات قابل ارجاع به داوری: رسیدگی به شکایات و اختلافات در زمینه واگذاری سهام و مدیریت شرکتهای دولتی مطرح از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی

این چهره های خاص داوری به نوعی داوری اجباری یا داوری قانونی است. شاید این موارد مبتنی بر قرارداد پیمان یا قرارداد خصوصی سازی باشد و در این قراردادها ذکر شده باشد، ولی نمی شود این موارد را داوری به معنای خاص کلمه به شمار آورد و هر کسی هم نمی تواند در این حوزه اقدام به داوری نماید، نهاد داوری از پیش تعیین شده است.

فصل سوم؛ داوری در دعاوی خانواده

مبحث اول؛ داوری در قرآن

در خصوص داوری در این حوزه آیه ۳۵ سوره نساء تصریحاتی دارد و نکاتی که از این آیه بر گرفته شده است بدین شرح می باشد:

- ۱- توجه اسلام به حل مسائل به صورت داوری شورایی و کدخدانمشی به جای مراجعه به محاکم ۲- پیشگیری مقدم بر درمان ۳- نتیجه داوری اسلامی ۴- داوری طرح حکیمانه خداوند ۵- در اختلافات خانوادگی داوری ضروری است ۶- طرفین دعوا در جامعه هر کدام بخش جزئی از یک حقیقت واحد هستند، زن و شوهر یک روح در دو پیکرند. کلمه شقاق در جایی به کار می رود که یک حقیقت ترک بردارد ۷- مسئولیت همگانی در رفع اختلافات مردم ۸- مسئولیت بیشتر خویشاوندان در رفع اختلافات بستگان در واقع بر خلاف داوری های عمومی که بستگان نمی توانند داوری کنند مگر با رضایت طرفین در داوری های خانواده حتماً تصویب شده که بایستی از بستگان زوجین باشند و دلیل آن تحکیم خانواده است ۹- طرفین دعوا در انتخاب داور حق یکسان دارند همانطور که زن و مرد در انتخاب داور حقوق یکسان دارند و تعداد داوران برای طرفین یکسان است ۱۰- لزوم سرعت در کار داوری ۱۱- به افراد در جامعه اعتماد کنیم و داوری آنان را بپذیریم ۱۲- امیدواری به حل مشکلات مردم با داوری ۱۳- لزوم حضور طرفین ۱۴-

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/@sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

در انتخاب داور باید به آگاهی، رازداری و به خصوص اصلاح طلبی آنان توجه کرد ۱۵- داوران به عقل و تدبیر خود مغرور نشوند و توفیق را از آن خداوند بدانند ۱۶- دو داور باید بالغ، عاقل، عادل و نسبت به کار خود بصیر و بینا باشند همانطور که در دعاوی خانوادگی هر کس داوری با این شرایط را از بستگان خود بر می‌گزیند ۱۷- داوران باید حسن نیت داشته باشند ۱۸- لزوم دلسوزی تعهد و خیرخواهی داور؛ خداوند فرموده داوران خانواده از بستگان دو همسر باشند تا دلسوزی و تعهد بیشتری داشته باشند. داوران در محاکم معمولی در جریان اختلافات غالباً بی تفاوتند در حالی که در محکمه صلح و داوری خانواده، داوران نهایت کوشش را به خرج می‌دهند که صلح و صمیمیت در میان این دو برقرار شود و به اصطلاح آب رفته به جوی بازگرداند، همین روش باید الگوی داوران در سایر دعاوی باشد ۱۹- دخالت بیجا و خودسرانه داوران ممنوع است و قبل از نگرانی از شقاق در زندگی مردم دخالت نکنیم ۲۰- داوران خانواده بدانند طلاق و جدایی سزاوار ترس و نگرانی است ۲۱- داوران برای یک مشکل کوچک موج آفرینی و بزرگنمایی نکنند ۲۲- یک داور برای هر یک نفر کفایت ۲۳- امیدواری داوران به حل مشکل در داوری اسلامی داوری عبارت است از اینکه افراد جامعه اختلافات بین خود را توسط یک یا چند نفر معتمد به انتخاب خود حل و فصل کنند، حال ممکن است رسیدگی به اختلاف از صدور رأی توسط فردی باشد که طرفین دعوی را با تراضی یکدیگر انتخاب کرده باشند یا اینکه مراجع قضایی آنها را انتخاب کنند و به این ترتیب در داوری و حکمیت طرفین دعوی دادگاه را از مداخله در خود خارج کردند.

در داوری اختیاری طرفین با رضایت یکدیگر اختلاف را به داوری انجام می‌دهند اما در داوری اجباری طرفین دعوا یا یکی از آنها بدون داشتن تمایل در رجوع به داوری مطابق قانون به رجوع به داور در اختلاف مابین ملزم می‌شوند مانند تعیین داور توسط زوجین برای طلاق.

مبحث دوم؛ سیر تاریخی قوانین موضوع مربوط به داوری خانوادگی

۱- ماده ۶۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸

۲- قوانین حمایت از خانواده سال ۴۶ و ۵۳ و آیین نامه‌های اجرایی آن و ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای مدنی خاص سال ۵۸

۳- اصلاح مقررات مربوط به طلاق از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۱

۴- قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱

مبحث سوم؛ آیین داوری در دعاوی خانوادگی

موضوع داوری در دعاوی خانوادگی به طور مطلق و اختلافات بین زن و شوهر به تعبیر عام می‌باشد.

در مورد ضمانت اجرای مقررات داوری در دعاوی خانوادگی در قانون و آیین نامه اجرایی در این باره مطلبی نیامده است با وجود این دیوان عالی کشور در آرای خود احکام طلاق صادر شده بدون رعایت مقررات حکمیت را باطل اعلام نموده است و بر این اساس ضمانت اجرای مقررات حکمیت بطلان حکم طلاق است. به طور نمونه در رای چنین آمده است «چون از ناحیه دادگاه

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

جهت ایجاد سازش و حل مشکل از طریق مذاکره و ارجاع به داوری اقدامی صورت نگرفته و از حکم صادره نتیجه مثبتی حاصل نمی‌گردد دادنامه صادره نقض می‌شود.»

در تمام موارد درخواست طلاق به جز طلاق توافقی دادگاه موظف است ضمن سعی در ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. در طلاق توافقی اجباری به ارجاع به داوری نیست.

برخلاف سایر داوری‌ها که داوران باید کاملاً بی طرف با هر یک از طرفین اختلاف باشند در دعاوی خانوادگی خویشاوند بودن داوران با زوجین از شرایط داوری می‌باشد و این امر به لحاظ تشخیص بهتر صلاح خانواده، شناخت زوجین و آگاهی اشخاص مزبور از اصل قضیه و اوضاع و احوال مربوطه می‌باشد.

اصل بر قابل ارجاع بودن دعاوی خانوادگی به داوری است مگر در مواردی که در آن خصوص منع وجود دارد. دعاوی خانوادگی غیر قابل اجرا به داوری عبارتند از؛ دعاوی مربوط به اصل نکاح، فسخ نکاح، اصل طلاق، نسب و کلیه امور حسبی

«در حوزه‌های قضائی که مراکز مشاوره خانواده ایجاد شده است، دادگاه خانواده می‌تواند در صورت لزوم با مشخص کردن موضوع اختلاف و تعیین مهلت، نظر این مراکز را در مورد امور و دعاوی خانوادگی خواستار شود.» (ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱)

«مراکز مشاوره خانواده ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین، خواسته‌های دادگاه را در مهلت مقرر اجراء و در موارد مربوط سعی در ایجاد سازش می‌کنند. مراکز مذکور در صورت حصول سازش به تنظیم سازش نامه مبادرت و در غیر این صورت نظر کارشناسی خود در مورد علل و دلایل عدم سازش را به طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام می‌کنند.

تبصره - دادگاه با ملاحظه نظریه کارشناسی مراکز مشاوره خانواده به تشخیص خود مبادرت به صدور رأی می‌کند.» (ماده ۱۹ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱)

«در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند.» (ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱)

«پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری، هریک از زوجین مکلفند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ یک نفر از اقارب متأهل خود را که حداقل سی سال داشته و آشنا به مسائل شرعی و خانوادگی و اجتماعی باشد به عنوان داور به دادگاه معرفی کنند.

تبصره ۱- محارم زوجه که همسرشان فوت کرده یا از هم جدا شده باشند، در صورت وجود سایر شرایط مذکور در این ماده به عنوان داور پذیرفته می‌شوند.

تبصره ۲- در صورت نبود فرد واجد شرایط در بین اقارب یا عدم دسترسی به ایشان یا استنکاف آنان از پذیرش داوری، هریک از زوجین می‌توانند داور خود را از بین افراد واجد صلاحیت دیگر تعیین و معرفی کنند. در صورت امتناع زوجین از معرفی داور یا عدم توانایی آنان دادگاه، خود یا به درخواست هریک از طرفین به تعیین داور مبادرت می‌کند.» (ماده ۲۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱)

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

قرارداد و موافقتنامه داوری در عقد نکاح از حیث موضوع مورد توافق به چند شکل قابل تصور است: ۱- قرارداد رجوع به داوری در دعوی طلاق ۲- رجوع به داوری در مطلق اختلافات خانوادگی ۳- توافق بر داور یا داوران ۴- تعیین اختیارات داور یا داوران قرارداد داوری از حیث نحوه ارتباط آن با عقد نکاح نیز بر چند نوع است البته این تقسیمات صرفاً مربوط به عقد نکاح نیست و کلیت دارد. موافقتنامه داوری در مجموع به چهار نوع تقسیم می‌شود: ۱- موافقت نامه‌ای که در ضمن قرارداد دیگری به صورت شرط ضمنی است ۲- موافقت نامه‌ای که به صورت جداگانه و به طور مستقل باشد ۳- موافقت نامه‌ای که پیش از منازعه صورت گرفته و در آن بر ارجاع اختلافات احتمالی آینده توافق می‌شود ۴- موافقت نامه‌ای که پس از اختلافات صورت می‌گیرد و در آن طرفین توافق می‌کنند دعوی خود را نزد یک یا چند داور مرضی الطرفین مطرح کند

توافق داوری در ضمن عقد نکاح

مقصود از توافق داوری در عقد نکاح؛ وقوع آن به صورت شرط ضمن عقد است. که در اصطلاح توافق زوج و زوجه در ارجاع به داوری نامیده می‌شود. طرفین ضمن عقد نکاح توافق می‌کنند که اختلافات احتمالی آینده در زندگی مشترک را از طریق داوری حل و فصل نمایند. هدف اصلی طرفین از گنجاندن شرط ارجاع به داوری در قراردادها نفی صلاحیت دادگاه‌های دادگستری است. تردیدی نیست که شروط مذکور در عقد نافذ است و این جای بحث ندارد غیر از مواردی که قابلیت ارجاع به داوری را ندارند.

توافق داوری مرتبط با عقد نکاح

ممکن است طرفین عقد نکاح در مذاکرات پیش از عقد بر حل اختلافات احتمالی آینده از طریق داوری توافق کنند و مبتنی بر این توافق جاری سازند. در فقه و حقوق به چنین شرطی، شرط بنایی می‌گویند. به نظر می‌رسد که عبارات فقها در نفی اعتبار شرط غیر مذکور در متن عقد شامل شروط بنایی نمی‌شود؛ از این جهت که اینگونه شروط به دلیل ارتباطی که با عقد دارند و مبتنی بر آن جاری شده است در حکم شرط مذکور در متن عقد هستند به نظر جمعی از فقهای معاصر شرط بنایی درباره این امر لازم الوفا هستند. توافق مستقل داوری

توافق داوری ممکن است به نحوی صورت گیرد که بین آن و عقد نکاح هیچ ارتباطی برقرار نباشد اعم از اینکه این توافق پیش از عقد نکاح باشد یا پس از آن. به این گونه توافق‌های مستقل در فقه و حقوق شروط ابتدایی گفته می‌شود. فقهای امامیه معتقدند که شروط ابتدایی لازم الوفا نیستند و بیش از این نیز در عدم اعتبار شروط ابتدایی ادعای اجماع نموده‌اند. به نظر آنها شروط ابتدایی در حقیقت شرط نیستند. شرط در لغت به معنای الزام و التزام مذکور در عقد است حتی اگر شرط ابتدایی را در قراردادها جاری بدانیم در عدم اعتبار اینگونه شروط در عقد نکاح تردیدی وجود ندارد و این مطلب مورد اتفاق و اجماع فقها بوده و نظر مخالفی دیده نشده است. از آنچه بیان شد نتیجه می‌گیریم که اگر موافقتنامه داوری در نکاح به صورت شرط ابتدایی و یک توافق مستقل واقع شود اعتباری ندارد.

فصل چهارم؛ قوانین و مقررات مربوط به داوری

مبحث اول؛ اصل ۱۳۹ قانون اساسی

صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می کند

مبحث دوم؛ باب هفتم قانون آیین دادرسی مدنی - داوری

ماده ۴۵۴ - کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاهها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند.

ماده ۴۵۵ - متعاملین می توانند ضمن معامله ملزم شوند و یا به موجب قرارداد جداگانه تراضی نمایند که در صورت بروز اختلاف بین آنان به داوری مراجعه کنند و نیز می توانند داور یا داوران خود را قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین نمایند.

تبصره - در کلیه موارد رجوع به داور، طرفین می توانند انتخاب داور یا داوران را به شخص ثالث یا دادگاه واگذار کنند.

ماده ۴۵۶ - در مورد معاملات و قراردادهای واقع بین اتباع ایرانی و خارجی، تا زمانی که اختلافی ایجاد نشده است طرف ایرانی نمی تواند به نحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داور یا داوران یا هیأتی ارجاع نماید که آنان دارای همان تابعیتی باشند که طرف معامله دارد. هر معامله و قراردادی که مخالف این منع قانونی باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بلااثر خواهد بود.

ماده ۴۵۷ - ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می گیرد. در مواردی که طرف دعوا خارجی و یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.

ماده ۴۵۸ - در هر مورد که داور تعیین می شود باید موضوع و مدت داوری و نیز مشخصات طرفین و داور یا داوران به طوری که رافع اشتباه باشد تعیین گردد. در صورتی که تعیین داور بعد از بروز اختلاف باشد، موضوع اختلاف که به داوری ارجاع شده باید به طور روشن مشخص و مراتب به داوران ابلاغ شود.

تبصره - قراردادهای داوری که قبل از اجرای این قانون تنظیم شده اند با رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی تابع مقررات زمان تنظیم می باشند.

ماده ۴۵۹ - در مواردی که طرفین معامله یا قرارداد متعهد به معرفی داور شده ولی داور یا داوران خود را معین نکرده باشند و در موقع بروز اختلاف نخواهند و یا نتوانند در معرفی داور اختصاصی خود اقدام و یا در تعیین داور ثالث تراضی نمایند و تعیین داور به دادگاه یا شخص ثالث نیز محول نشده باشد، یک طرف می تواند داور خود را معین کرده به وسیله اظهارنامه رسمی به طرف مقابل معرفی و درخواست تعیین داور نماید و یا نسبت به تعیین داور ثالث تراضی کند. در این صورت طرف مقابل مکلف است ظرف ده

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه داور خود را معرفی و یا در تعیین داور ثالث تراضی نماید. هرگاه تا انقضای مدت یادشده اقدام نشود، ذی‌نفع می‌تواند حسب مورد برای تعیین داور به دادگاه مراجعه کند.

ماده ۴۶۰ - در مواردی که مقرر گردیده است حل اختلاف به یک نفر داور ارجاع شود و طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب داور تراضی نمایند و نیز در صورتی که داور یکی از طرفین فوت شود، یا استعفا دهد و طرف نامبرده نخواهد جانشین او را معین کند و یا در هر موردی که انتخاب داور به شخص ثالث واگذار شده و آن شخص از تعیین داور امتناع نماید یا تعیین داور از طرف او غیر ممکن باشد، هر یک از طرفین می‌توانند با معرفی داور مورد نظر خود وسیله اظهارنامه از طرف مقابل درخواست نمایند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه نظر خود را در مورد داور واحد اعلام کند و یا حسب مورد در تعیین جانشین داور متوفی یا مستعفی یا داوری که انتخاب او وسیله ثالث متعذر گردیده اقدام نماید. در صورتی که با انقضای مهلت، اقدامی به عمل نیاید، برابر قسمت اخیر ماده قبل عمل خواهد شد.

ماده ۴۶۱ - هرگاه نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری بین طرفین اختلافی باشد دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظر می‌نماید.

ماده ۴۶۲ - در صورتی که طرفین نسبت به دادگاه معینی برای انتخاب داور تراضی نکرده باشند، دادگاه صلاحیتدار برای تعیین داور، دادگاهی خواهد بود که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد.

ماده ۴۶۳ - هرگاه طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آنها شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند به عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیز تراضی نمایند، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود.

ماده ۴۶۴ - در صورتی که در قرارداد داوری، تعداد داور معین نشده باشد و طرفین نتوانند در تعیین داور یا داوران توافق کنند، هر یک از طرفین باید یک نفر داور اختصاصی معرفی و یک نفر به عنوان داور سوم به اتفاق تعیین نمایند.

ماده ۴۶۵ - در هر مورد که داور یا داوران، وسیله یک طرف یا طرفین انتخاب می‌شود، انتخاب کننده مکلف است قبولی داوران را اخذ نماید. ابتدای مدت داوری روزی است که داوران قبول داوری کرده و موضوع اختلاف و شرایط داوری و مشخصات طرفین و داوران به همه آنها ابلاغ شده باشد.

ماده ۴۶۶ - اشخاص زیر را هر چند با تراضی نمی‌توان به عنوان داور انتخاب نمود:

۱ - اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند.

۲ - اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوری محروم شده‌اند.

ماده ۴۶۷ - در مواردی که دادگاه به جای طرفین یا یکی از آنان داور تعیین می‌کند، باید حداقل از بین دو برابر تعدادی که برای داوری لازم است و واجد شرایط هستند داور یا داوران لازم را به طریق قرعه معین نماید.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/@sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

ماده ۴۶۸ - دادگاه پس از تعیین داور یا داوران و اخذ قبولی، نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف و نام خانوادگی داور یا داوران و مدت داوری را کتباً به داوران ابلاغ می‌نماید. در این مورد ابتدای مدت داوری تاریخ ابلاغ به همه داوران می‌باشد.

ماده ۴۶۹ - دادگاه نمی‌تواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین:

۱ - کسانی که سن آنان کمتر از بیست و پنج سال تمام باشد.

۲ - کسانی که در دعوا ذی‌نفع باشند.

۳ - کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند.

۴ - کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا می‌باشند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنان باشد.

۵ - کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند.

۶ - کسانی که با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند.

۷ - کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارند.

۸ - کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان.

ماده ۴۷۰ - کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی نمی‌توانند داوری نمایند هر چند با تراضی طرفین باشد.

ماده ۴۷۱ - در مواردی که داور با قرعه تعیین می‌شود، هریک از طرفین می‌توانند پس از اعلام در جلسه، در صورت حضور و در صورت غیبت از تاریخ ابلاغ تا ده روز، داور تعیین شده را رد کنند، مگر این که موجبات رد بعداً حادث شود که در این صورت ابتدای مدت روزی است که علت رد حادث گردد. دادگاه پس از وصول اعتراض، رسیدگی می‌نماید و چنانچه اعتراض را وارد تشخیص دهد داور دیگری تعیین می‌کند.

ماده ۴۷۲ - بعد از تعیین داور یا داوران، طرفین حق عزل آنان را ندارند مگر با تراضی.

ماده ۴۷۳ - چنانچه داور پس از قبول داوری بدون عذر موجه از قبیل مسافرت یا بیماری و امثال آن در جلسات داوری حاضر نشده یا استعفا دهد و یا از دادن رأی امتناع نماید، علاوه بر جبران خسارات وارده تا پنج سال از حق انتخاب شدن به داوری محروم خواهد بود.

ماده ۴۷۴ - نسبت به امری که از طرف دادگاه به داوری ارجاع می‌شود اگر یکی از داوران استعفا دهد یا از دادن رأی امتناع نماید و یا در جلسه داوری دوبار متوالی حضور پیدا نکند دو داور دیگر به موضوع رسیدگی و رأی خواهند داد. چنانچه بین آنان در صدور رأی اختلاف حاصل شود، دادگاه به جای داوری که استعفا داده یا از دادن رأی امتناع نموده یا دوبار متوالی در جلسه داوری حضور

پیدا نکرده ظرف مدت ده روز داور دیگری به قید قرعه انتخاب خواهد نمود، مگر این که قبل از انتخاب به اقتضاء مورد، طرفین داور دیگری معرفی کرده باشند. در این صورت مدت داوری از تاریخ قبول داور جدید شروع می شود.

در صورتی که داوران در مدت قرارداد داوری یا مدتی که قانون معین کرده است نتوانند رأی بدهند و طرفین به داوری اشخاص دیگر تراضی نکرده باشند، دادگاه به اصل دعوا وفق مقررات قانونی رسیدگی و رأی صادر می نماید.

تبصره - در موارد فوق رأی اکثریت داوران ملاک اعتبار است، مگر این که در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۴۷۵ - شخص ثالثی که برابر قانون به دادرسی جلب شده یا قبل یا بعد از ارجاع اختلاف به داوری وارد دعوا شده باشد، می تواند با طرفین دعوی اصلی در ارجاع امر به داوری و تعیین داور یا داوران تعیین شده تراضی کند و اگر موافقت حاصل نگردید، به دعوی او برابر مقررات به طور مستقل رسیدگی خواهد شد.

ماده ۴۷۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را به داوران تسلیم نمایند. داوران نیز می توانند توضیحات لازم را از آنان بخواهند و اگر برای اتخاذ تصمیم جلب نظر کارشناس ضروری باشد، کارشناس انتخاب نمایند.

ماده ۴۷۷ - داوران در رسیدگی و رأی، تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند.

ماده ۴۷۸ - هرگاه ضمن رسیدگی مسایلی کشف شود که مربوط به وقوع جرمی باشد و در رأی داور مؤثر بوده و تفکیک جهات مدنی از جزایی ممکن نباشد و همچنین در صورتی که دعوا مربوط به نکاح یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امری که رجوع به داوری شده متوقف بر رسیدگی به اصل نکاح یا طلاق یا نسب باشد، رسیدگی داوران تا صدور حکم نهایی از دادگاه صلاحیتدار نسبت به امر جزایی یا نکاح یا طلاق یا نسب متوقف می گردد.

ماده ۴۷۹ - ادعای جعل و تزویر در سند بدون تعیین عامل آن و یا در صورتی که تعقیب وی به جهتی از جهات قانونی ممکن نباشد مشمول ماده قبل نمی باشد.

ماده ۴۸۰ - حکم نهایی یادشده در ماده (۴۷۸) توسط دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری یا دادگاهی که داور را انتخاب کرده است به داوران ابلاغ می شود و آنچه از مدت داوری در زمان توقف رسیدگی داوران باقی بوده از تاریخ ابلاغ حکم یادشده حساب می شود. هرگاه داور بدون دخالت دادگاه انتخاب شده باشد، حکم نهایی وسیله طرفین یا یک طرف به او ابلاغ خواهد شد.

داوران نمی توانند برخلاف مفاد حکمی که در امر جزایی یا نکاح یا طلاق یا نسب صادر شده رأی بدهند.

ماده ۴۸۱ - در موارد زیر داوری از بین می رود:

- ۱ - با تراضی کتبی طرفین دعوا.
- ۲ - با فوت یا حجر یکی از طرفین دعوا.

ماده ۴۸۲ - رأی داور باید موجه ومدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد.

ماده ۴۸۳ - در صورتی که داوران اختیار صلح داشته باشند می توانند دعوا را با صلح خاتمه دهند. در این صورت صلح نامه ای که به امضای داوران رسیده باشد معتبر و قابل اجراست.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

ماده ۴۸۴ - داوران باید از جلسه‌ای که برای رسیدگی یا مشاوره و یا صدور رأی تشکیل می‌شود مطلع باشند و اگر داور از شرکت در جلسه یا دادن رأی یا امضای آن امتناع نماید، رأیی که با اکثریت صادر می‌شود مناط اعتبار است مگر این که در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد. مراتب نیز باید در برگ رأی قید گردد. ترتیب تشکیل جلسه و نحوه رسیدگی و دعوت برای حضور در جلسه، توسط داوران تعیین خواهد شد. در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه بوده، دعوت به حضور در جلسه به موجب اخطاریه دفتر دادگاه به عمل می‌آید.

تبصره - در مواردی که طرفین به موجب قرارداد ملزم شده‌اند که در صورت بروز اختلاف بین آنان شخص یا اشخاص معینی داوری نماید اگر مدت داوری معین نشده باشد مدت آن سه ماه و ابتدای آن از روزی است که موضوع برای انجام داوری به داور یا تمام داوران ابلاغ می‌شود. این مدت با توافق طرفین قابل تمدید است.

ماده ۴۸۵ - چنانچه طرفین در قرارداد داوری طریق خاصی برای ابلاغ رأی داوری پیش‌بینی نکرده باشند، داور مکلف است رأی خود را به دفتر دادگاه ارجاع کننده دعوا به داور یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تسلیم نماید. دفتر دادگاه اصل رأی را بایگانی نموده و رونوشت گواهی شده آن را به دستور دادگاه برای اصحاب دعوا ارسال می‌دارد.

ماده ۴۸۶ - هرگاه طرفین، رأی داور را به اتفاق بطور کلی و یا قسمتی از آن را رد کنند، آن رأی در قسمت مردود بلااثر خواهد بود.

ماده ۴۸۷ - تصحیح رأی داوری در حدود ماده ۳۰۹ این قانون قبل از انقضای مدت داوری راساً با داور یا داوران است و پس از انقضای آن تا پایان مهلت اعتراض به رأی داور، به درخواست طرفین یا یکی از آنان با داور یا داوران صادر کننده رأی خواهد بود. داور یا داوران مکلفند ظرف بیست روز از تاریخ تقاضای تصحیح رأی اتخاذ تصمیم نمایند. رأی تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد. در این صورت رسیدگی به اعتراض در دادگاه تا اتخاذ تصمیم داور یا انقضای مدت یادشده متوقف می‌ماند.

ماده ۴۸۸ - هرگاه محکوم علیه تا بیست روز بعد از ابلاغ، رأی داوری را اجرا ننماید، دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری و یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد مکلف است به درخواست طرف ذی‌نفع طبق رأی داور برگ اجرایی صادر کند. اجرای رأی برابر مقررات قانونی می‌باشد.

ماده ۴۸۹ - رأی داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد:

- ۱ - رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد.
- ۲ - داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر کرده است.
- ۳ - داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیارات داور است ابطال می‌گردد.
- ۴ - رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.
- ۵ - رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

۶- رأی به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رای نبوده‌اند.

۷- قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد.

ماده ۴۹۰ - در مورد ماده فوق هریک از طرفین می‌تواند ظرف بیست روز بعد از ابلاغ رأی داور از دادگاهی که دعوا را ارجاع به داوری کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، حکم به بطلان رأی داور را بخواهد در این صورت دادگاه مکلف است به درخواست رسیدگی کرده، هرگاه رأی از موارد مذکور در ماده فوق باشد حکم به بطلان آن دهد و تا رسیدگی به اصل دعوا و قطعی شدن حکم به بطلان، رأی داور متوقف می‌ماند.

تبصره - مهلت یاد شده در این ماده و ماده ۴۸۸ نسبت به اشخاصی که مقیم خارج از کشور می‌باشند دو ماه خواهد بود. شروع مهلت‌های تعیین شده در این ماده و ماده (۴۸۸) برای اشخاصی که دارای عذر موجه به شرح مندرج در ماده (۳۰۶) این قانون و تبصره (۱) آن بوده‌اند پس از رفع عذر احتساب خواهد شد.

ماده ۴۹۱ - چنانچه اصل دعوا در دادگاه مطرح بوده و از این طریق به داوری ارجاع شده باشد، در صورت اعتراض به رأی داور و صدور حکم به بطلان آن، رسیدگی به دعوا تا قطعی شدن حکم بطلان رأی داور متوقف می‌ماند.

تبصره - در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه نبوده و رأی داور باطل گردد، رسیدگی به دعوا در دادگاه با تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد.

ماده ۴۹۲ - در صورتی که درخواست ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر باشد دادگاه قرار رد درخواست را صادر می‌نماید. این قرار قطعی است.

ماده ۴۹۳ - اعتراض به رأی داور مانع اجرای آن نیست، مگر آنکه دلایل اعتراض قوی باشد. در این صورت دادگاه قرار توقف منع اجرای آن را تا پایان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم قطعی صادر می‌نماید و در صورت اقتضاء تأمین مناسب نیز از معترض اخذ خواهد شد.

ماده ۴۹۴ - چنانچه دعوا در مرحله فرجامی باشد، و طرفین با توافق تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند یا مورد از موارد ارجاع به داوری تشخیص داده شود، دیوان عالی کشور پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته ارسال می‌دارد.

ماده ۴۹۵ - رأی داور فقط درباره طرفین دعوا و اشخاصی که دخالت و شرکت در تعیین داور داشته‌اند و قائم مقام آنان معتبر است و نسبت به اشخاص دیگر تأثیری نخواهد داشت.

ماده ۴۹۶ - دعاوی زیر قابل ارجاع به داوری نیست:

۱ - دعاوی ورشکستگی.

۲ - دعاوی راجع به اصل نکاح، فسخ آن، طلاق و نسب.

ماده ۴۹۷ - پرداخت حق الزحمه داوران به عهده طرفین است مگر آن که در قرارداد داوری ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

ماده ۴۹۸ - میزان حق الزحمه داوری براساس آیین نامه ای است که هر سه سال یکبار توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده ۴۹۹ - در صورت تعدد داور، حق الزحمه بالسویه بین آنان تقسیم می شود.

ماده ۵۰۰ - چنانچه بین داور و اصحاب دعوا قراردادی در خصوص میزان حق الزحمه منعقد شده باشد، برابر قرارداد عمل خواهد شد.

ماده ۵۰۱ - هرگاه در اثر تدلیس، تقلب یا تقصیر در انجام وظیفه داوران ضرر مالی متوجه یک طرف یا طرفین دعوا گردد، داوران برابر موازین قانونی مسؤول جبران خسارت وارده خواهند بود.

مبحث سوم؛ قانون داوری تجاری بین المللی

فصل اول - مقررات عمومی

ماده ۱ - تعاریف و قواعد تفسیر

تعریف اصطلاحاتی که در این قانون به کار رفته است به قرار ذیل می باشد:

الف - «داوری» عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه بوسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی.

ب - داوری بین المللی عبارتست از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد.

ج - «موافقتنامه داوری» توافقی است بین طرفین که به موجب آن تمام یا بعضی از اختلافاتی که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر قراردادی به وجود آمده یا ممکن است پیش آید، به داوری ارجاع می شود. موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در قرارداد و یا به صورت قرارداد جداگانه باشد.

د - «داور» اعم از داور واحد و یا هیات داوران است.

ه - منظور از «دادگاه» در این قانون یکی از دادگاههای تشکیلات قضایی جمهوری اسلامی ایران می باشد.

و - در هر موردی که در این قانون به توافق موجود بین طرفین یا توافقی که بعد حاصل شود اشاره شده باشد، مراتب مشمول مقررات داوری مصرحه در آن توافق نیز خواهد بود.

ماده ۲ - قلمرو اجرا

۱ - داوری اختلافات در روابط تجاری بین المللی اعم از خرید و فروش کالا و خدمات، حمل و نقل، بیمه، امور مالی، خدمات مشاوره ای، سرمایه گذاری، همکاری های فنی، نمایندگی، حق العمل کاری، پیمانکاری و فعالیتهای مشابه مطابق مقررات این قانون صورت خواهد پذیرفت.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

۲ - کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند داوری اختلافات تجاری بین‌المللی خود را اعم از اینکه در مراجع قضایی طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله که باشد با تراضی، طبق مقررات این قانون به داوری ارجاع کنند.

ماده ۳ - ابلاغ اوراق و اخطاریه‌ها

در صورتی که بین طرفین راجع به نحوه و مرجع ابلاغ اوراق مربوط به داوری توافقی صورت نگرفته باشد، به یکی از طرق ذیل عمل خواهد شد:

الف - در داوری سازمانی، نحوه و مرجع ابلاغ مطابق مقررات سازمان مزبور خواهد بود.

ب - داور می‌تواند راساً نحوه و مرجع ابلاغ را مشخص کند و بر اساس آن اوراق داوری را برای طرفین ارسال دارد.

ج - متقاضی داوری می‌تواند درخواست ارجاع امر به داوری را از طریق نامه سفارشی دو قبضه، پیام تصویری، تلکس و تلگرام و اظهارنامه و نظایر آن برای طرف دیگر ارسال دارد، درخواست مزبور وقتی ابلاغ شده محسوب می‌شود که:

۱ - وصول آن به مخاطب محرز باشد.

۲ - مخاطب بر طبق مفاد درخواست اقدامی کرده باشد.

۳ - مخاطب نفیاً یا اثباتاً پاسخ مقتضی داده باشد.

ماده ۴ - شروع جریان داوری

الف - داوری از زمانی شروع می‌شود که درخواست داوری بر اساس مفاد ماده (۳) این قانون به خواننده داوری ابلاغ شده باشد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ب - جز در مواردی که ترتیب دیگری بین طرفین مقرر شده باشد، درخواست داوری باید حاوی نکات ذیل باشد:

۱ - درخواست ارجاع اختلاف به داوری.

۲ - نام و نشانی طرفین.

۳ - بیان ادعا و خواسته آن.

۴ - شرط داوری و یا موافقتنامه داوری.

درخواست داوری ممکن است حاوی اطلاعاتی در مورد تعداد داوران و چگونگی انتخاب آنان به شرح مذکور در فصل سوم این قانون و همچنین راجع به موافقتنامه‌ها، قراردادها و یا وقایعی که موجب بروز اختلاف شده است، باشد.

ماده ۵ - انصراف از حق ایراد

در صورتی که هریک از طرفین با علم به عدم رعایت مقررات غیرآمره این قانون و یا شرایط قابل عدول موافقتنامه داوری، داوری را ادامه دهد و ایراد خود را فوراً و یا در مهلتی که به این منظور تعیین شده است، اقامه نکند، چنین تلقی خواهد شد که از حق ایراد صرف نظر کرده است.

ماده ۶ - مرجع نظارتی

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/@sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

۱ - انجام وظایف مندرج در ماده (۹)، بندهای (۳) و (۴) ماده (۱۱) بند (۳) ماده (۱۳)، بند (۱) ماده (۱۴)، بند (۳) ماده (۱۶)، ماده (۳۳) و ماده (۳۵) به عهده دادگاه عمومی واقع در مرکز استانی است که مقرر داوری در آن قرار دارد، و تازمانی که مقرر داوری مشخص نشده، به عهده دادگاه عمومی تهران است.

تصمیمات دادگاه در این موارد قطعی و غیرقابل اعتراض است.

۲ - در داوری‌های سازمانی انجام وظایف مندرج در بندهای (۲) و (۳) ماده (۱۱) بند (۳) ماده (۱۳) و بند (۱) ماده (۱۴) به عهده سازمان داوری مربوط است.

فصل دوم - موافقتنامه داوری

ماده ۷ - شکل موافقتنامه داوری

موافقتنامه داوری باید طی سندی به امضای طرفین رسیده باشد، یا مبادله نامه، تلکس، تلگرام، یا نظایر آن‌ها بر وجود موافقتنامه مزبور دلالت نماید. یا یکی از طرفین طی مبادله درخواست یا دفاعیه، وجود آنرا ادعا کند و طرف دیگر عملاً آنرا قبول نماید. ارجاع به سندی در قرارداد کتبی که متضمن شرط داوری باشد نیز به منزله موافقتنامه مستقل داوری خواهد بود.

ماده ۸ - موافقتنامه داوری و دعوی مطروحه نزد دادگاه

دادگاهی که دعوی موضوع موافقتنامه داوری نزد آن اقامه شده است باید در صورت درخواست یکی از طرفین تا پایان اولین جلسه دادگاه، دعوی طرفین را به داوری احاله نماید، مگر اینکه احراز کند که موافقتنامه داوری باطل و ملغی‌الاثرا یا غیر قابل اجرا می‌باشد. طرح دعوا در دادگاه مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داوری و صدور رأی داوری نخواهد بود.

ماده ۹ - موافقتنامه داوری و قرار تأمین یا دستور موقت

هریک از طرفین، قبل یا حین رسیدگی داوری می‌تواند از رییس دادگاه موضوع ماده (۶) صدور قرار تأمین و یا دستور موقت را درخواست نماید.

فصل سوم - ترکیب هیات داوری

ماده ۱۰ - تعداد داوران

تعیین تعداد داوران بر عهده طرفین اختلاف است. در صورت عدم تعیین، هیات داوری مرکب از سه عضو خواهد بود.

ماده ۱۱ - تعیین داوران

۱ - طرفهای اختلاف می‌توانند با توجه و رعایت مقررات بندهای (۳) و (۴) این ماده در مورد روش تعیین داور توافق نمایند. طرف ایرانی نمی‌تواند مادامی که اختلاف ایجاد نشده است به نحوی از انحا ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آنرا به داوری یک یا چند نفر مرجوع نماید که آن شخص یا اشخاص دارای همان تابعیتی باشند که طرف یا اطراف وی دارند.

۲ - در صورت نبودن چنین توافقی به ترتیب زیر اقدام خواهد شد:

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

الف - برای تعیین هیات داوری، هر طرف داور خود را انتخاب می کند و داوران منتخب، سرداور را تعیین خواهند کرد. چنانچه یکی از طرفین ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ شروع داوری، داور خود را تعیین و قبولی وی را تحصیل نکند یا اگر داوران منتخب نتوانند ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ انتخاب درمورد سرداور توافق و قبولی وی را تحصیل نمایند، بنا به تقاضای یکی از طرفین حسب مورد تعیین داور طرف ممتنع یا سرداور طبق مقررات ماده (۶) صورت خواهد گرفت.

ب - در داوری یک نفره، اگر طرفین نتوانند در مورد انتخاب داور به توافق برسند، داور بنا به تقاضای یکی از طرفین توسط مرجع موضوع ماده (۶) تعیین خواهد شد.

۳- هرگاه براساس روش تعیین داور که مورد توافق طرفین قرار گرفته است، یکی از طرفین اقدام ننماید یا طرفین و یا داوران منتخب به توافق نرسند و یا اینکه شخص ثالث، اعم از حقیقی یا حقوقی به وظیفه ای که در این خصوص به وی محول شده است، عمل ننماید، هر کدام از طرفین می تواند برای اتخاذ تصمیم به مرجع موضوع ماده (۶) مراجعه نماید مگر اینکه طریق دیگری مورد توافق طرفین قرار گرفته باشد.

۴ - مقام ناصب باید کلیه شرایطی را که طرفین در موافقتنامه برای تعیین «داور» مقرر داشته اند رعایت نموده و استقلال و بی طرفی «داور» را ملحوظ نماید. در هر صورت سرداور را باید از اتباع کشور ثالث انتخاب نماید و داور طرف ممتنع از بین اتباع کشور طرف دیگر منصوب نخواهد شد.

۵ - هرگاه در موافقتنامه داوری طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف شخص یا اشخاص معینی داوری نمایند و آن شخص و یا اشخاص نخواهند یا نتوانند به عنوان داور رسیدگی کنند، موافقتنامه داوری ملغی الاثر خواهد بود مگر آنکه طرفین به داوری شخص یا اشخاص دیگری تراضی کنند یا به نحوی دیگر توافق کرده باشند.

۶- در مواردی که داوری بیش از دو طرف داشته باشد و طرفها به نحو دیگری توافق ننموده باشند هیات داوری به ترتیب زیر تعیین خواهد شد:

الف - خواهان یک داور تعیین خواهد کرد و در صورت تعدد، خواهانها مشترکاً یک داور تعیین خواهند کرد. داور خوانده یا خواندگان نیز به همین روش تعیین می شود.

چنانچه خواهانها یا خواندگان در مورد داور خود به توافق نرسند داور هر یک از طرفین (خواهانها یا خواندگان) بوسیله مرجع موضوع ماده (۶) تعیین خواهد شد.

ب - تعیین سرداور بر عهده داوران منتخب است و در صورتی که به توافق نرسند سرداور توسط مرجع موضوع ماده (۶) تعیین می شود.

ج - هرگاه در مورد خواهان یا خوانده بودن یک یا چند طرف داوری، اختلاف باشد هیات داوری مرکب از سه نفر به انتخاب مرجع موضوع ماده (۶) خواهد بود.

د - سایر موارد در داوریهای چندجانبه از جمله جرح و قصور تابع مقرراتی است که برای داوریهای دو جانبه مقرر شده است.

ماده ۱۲ - موارد جرح داور

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمونهای حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

۱- «داور» در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی طرفی و استقلال او شود، و یا اینکه واجد اوصافی که مورد توافق و نظر طرفین بوده است، نباشد. هر طرف صرفاً به استناد عللی که پس از تعیین «داور» از آنها مطلع شده، می تواند داوری را که خود تعیین کرده و یا در جریان تعیین او مشارکت داشته است، جرح کند.

۲- شخصی که به عنوان داور مورد پیشنهاد قرار می گیرد، باید هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در مورد بی طرفی و استقلال او می شود، افشا نماید. «داور» باید از موقع انتصاب به عنوان «داور» و در طول جریان داوری نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تأخیر به طرفین اطلاع دهد، مگر اینکه قبلاً آنان را از اوضاع و احوال مذکور مطلع نموده باشد.

ماده ۱۳ - تشریفات جرح

۱- طرفین می توانند در مورد تشریفات جرح «داور» توافق نمایند.

۲- در صورت نبودن چنین توافقی، طرفی که قصد جرح «داور» را دارد باید ظرف (۱۵) روز از تاریخ اطلاع از تشکیل «داوری» یا اطلاع از هرگونه اوضاع و احوال مذکور در بند (۱) ماده (۱۳) دلایل جرح را طی لایحه ای به «داور» اعلام کند. «داور» در مورد جرح اتخاذ تصمیم می کند، مگر اینکه «داور» مورد جرح از سمت خود کناره گیری کند و یا طرف مقابل نیز جرح را بپذیرد.

۳- جرحی که با رعایت تشریفات بندهای (۱) و (۲) این ماده به عمل آمده است اگر مورد قبول قرار نگیرد، طرفی که «داور» را جرح کرده می تواند ظرف سی (۳۰) روز پس از دریافت اخطاریه حاوی تصمیم مربوط به رد جرح، از مرجع موضوع ماده (۶) درخواست نماید که نسبت به جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. مادام که چنین درخواستی تحت رسیدگی است «داور» می تواند جریان داوری را ادامه داده و رأی نیز صادر کند.

ماده ۱۴ - قصور و یا عدم امکان انجام وظیفه

۱- اگر یک داور به موجب قانون یا عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد و یا بنا به علل دیگری موفق به انجام وظایفش بدون تأخیر موجه نشود، مسوولیت وی خاتمه می یابد. چنانچه در تحقق موارد مذکور بین طرفین اختلاف باشد هریک از آنها می تواند از مرجع مذکور در ماده (۶) درخواست کند که در مورد ختم مأموریت «داور» مزبور اتخاذ تصمیم نماید.

۲- صرف کناره گیری و یا موافقت طرف دیگر یا ختم مأموریت «داور»، به معنای قبول اعتبار و صحت دلایل جرح، قصور، یا عدم قدرت بر انجام وظیفه نخواهد بود.

ماده ۱۵ - تعیین داور جانشین

هرگاه مأموریت یک «داور» به موجب مواد (۱۳) یا (۱۴) یا به علت کناره گیری، یا به لحاظ توافق طرفین در خصوص لغو مأموریت او و یا به جهات و دلایل دیگری خاتمه پذیرد «داور» جانشین مطابق مقررات حاکم بر تعیین داوری که تغییر یافته است، تعیین می شود.

فصل چهارم - صلاحیت «داور»

ماده ۱۶ - اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

۱- «داور» می تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند. شرط داوری که به صورت جزئی از یک قرارداد باشد از نظر اجرای این قانون به عنوان موافقتنامه ای مستقل تلقی می شود، تصمیم «داور» در خصوص بطلان و ملغی الاثر بودن قرارداد فی نفسه به منزله عدم اعتبار شرط داوری مندرج در قرارداد نخواهد بود.

۲- ایراد به صلاحیت «داور» نباید مؤخر از تسلیم لایحه دفاعیه باشد. صرف تعیین «داور» و یا مشارکت در تعیین وی توسط هریک از طرفین مانع از ایراد صلاحیت نخواهد بود ایراد به خروج «داور» از حدود صلاحیت در جریان رسیدگی داوری باید به محض بروز آن عنوان شود «داور» می تواند در هر کدام از موارد مذکور، ایراد خارج از موعد را نیز بپذیرد، مشروط بر آنکه تأخیر را موجه تشخیص دهد.

۳- در صورت ایراد به اصل صلاحیت و یا به وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری (جز در صورتی که طرفین به نحو دیگر توافق کرده باشند) «داور» باید به عنوان یک امر مقدماتی، قبل از ورود به ماهیت دعوی نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند، اتخاذ تصمیم در مورد ایراد خروج «داور» از حدود صلاحیت که سبب آن در حین رسیدگی حادث شود ممکن است در ضمن رأی ماهوی به عمل آید. چنانچه «داور» به عنوان یک امر مقدماتی به صلاحیت خود نظر بدهد، هریک از طرفین می تواند ظرف سی (۳۰) روز پس از وصول ابلاغیه آن از دادگاه مندرج در ماده (۶) درخواست کند که نسبت به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. مادام که درخواست مزبور در دادگاه تحت رسیدگی است «داور» می تواند به رسیدگی خود ادامه دهد و رأی نیز صادر کند.

ماده ۱۷ - اختیار «داور» برای صدور دستور موقت

«داور» می تواند در امور مربوط به موضوع اختلاف که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هر کدام از طرفین دستور موقت صادر نماید، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند «داور» می تواند مقرر نماید که متقاضی تامینی مناسب بسپارد. در هر دو صورت چنانچه طرف دیگر تامینی بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد «داور» از دستور موقت رفع اثر خواهد کرد.

فصل پنجم - نحوه رسیدگی داوری

ماده ۱۸ - رفتار مساوی با طرفین

رفتار با طرفین باید به نحو مساوی باشد و به هر کدام از آنان فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل داده شود.

ماده ۱۹ - تعیین قواعد رسیدگی

۱- طرفین می توانند به شرط رعایت مقررات آمره این قانون در مورد آیین رسیدگی داوری توافق نمایند.

۲- در صورت نبودن چنین توافقی «داور» با رعایت مقررات این قانون، داوری را به نحو مقتضی اداره و تصدی می نماید. تشخیص ارتباط، موضوعیت و ارزش هرگونه دلیل بر عهده «داور» است.

ماده ۲۰ - محل داوری

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

۱- داوری در محل مورد توافق طرفین انجام می‌شود. در صورت عدم توافق، محل داوری با توجه به اوضاع و احوال دعوا، و سهولت دسترسی طرفین، توسط «داور» تعیین می‌شود.

۲- «داور» می‌تواند برای شور بین اعضا، استماع شهادت شهود و کارشناسان طرفین، یا بازرسی کالا و سایر اموال و یا اسناد و مدارک، در هر محلی که خود مقتضی بداند تشکیل جلسه دهد، مگر طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.
ماده ۲۱- زبان

طرفین می‌توانند در مورد زبان یا زبانهای مورد استفاده در رسیدگی داوری توافق نمایند. در غیر این صورت «داور» زبان یا زبانهای مورد استفاده در داوری را تعیین می‌کند. توافق طرفین یا تصمیم «داور» در این مورد شامل هرگونه لایحه، مدرک و دلیل طرفین، مذاکرات جلسات رسیدگی، مراسلات «داور» و صدور رأی خواهد بود.

ماده ۲۲- درخواست و دفاعیه

۱- خواهان باید ظرف مهلتی که طرفین توافق کرده‌اند یا توسط «داور» تعیین شده است، تعهدات یا جهات دیگری که به موجب آن خود را مستحق می‌داند، همچنین نکات مورد اختلاف و خواسته یا خسارت مورد درخواست را ارائه کند، و خوانده نیز باید دفاعیه خود در خصوص موارد مذکور را ظرف مهلت مورد توافق یا تعیین شده توسط «داور» تسلیم کند.
طرفین می‌توانند کلیه مدارکی را که مرتبط تشخیص می‌دهند و یا فهرست مدارک یا سایر ادله‌ای که در نظر دارند بعداً تسلیم کنند همراه با درخواست یا دفاعیه خود تقدیم دارند.

۲- چنانچه بین طرفین ترتیب دیگری مقرر نشده باشد، هریک از آنها می‌تواند دادخواست یا دفاعیه خود را در طول رسیدگی داوری اصلاح یا تکمیل کند، مگر آنکه «داور» چنین اصلاح یا تکمیلی را به علت تأخیر یا تبعیض نسبت به طرف دیگر مجاز تشخیص ندهد.

ماده ۲۳- جلسه استماع و رسیدگی

۱- تشخیص لزوم تشکیل جلسه برای ارائه ادله و توضیحات بر عهده «داور» است لکن در صورتی که یکی از طرفین در زمان مناسب درخواست تشکیل جلسه نماید، برگزار نمودن جلسه استماع الزامی است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۲- «داور» باید تشکیل هرگونه جلسه استماع و یا جلسه رسیدگی برای بازرسی کالا و یا سایر اموال و یا مدارک طرفین را تا مهلت کافی به طرفین ابلاغ کند.

۳- کلیه لوايح، مدارک یا سایر اطلاعاتی که توسط یکی از طرفین به «داور» تسلیم شده و همچنین گزارش کارشناسی یا ارزیابی با مدارکی که ممکن است، «داور» هنگام اتخاذ تصمیم به آنها استناد کند، باید برای طرفین ابلاغ شود.

ماده ۲۴- قصور هر کدام از طرفین

۱- چنانچه خواهان بدون عذر موجه در تقدیم درخواست قصور کند، «داور» قرار ابطال درخواست داوری را صادر خواهد کرد.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

۲- در صورتی که خواننده بدون عذر موجه در تقدیم دفاعیه قصور کند «داور» رسیدگی را ادامه خواهد داد، بدون اینکه کوتاهی مزبور فی نفسه به معنای قبول ادعای خواهان توسط خواننده تلقی شود.

۳- اگر هر یک از طرفین از حضور در جلسه استماع و یا ارائه ادله مورد استناد خویش خودداری کند «داور» می تواند رسیدگی را ادامه دهد و براساس مدارک موجود به صدور رأی مبادرت کند.
ماده ۲۵- ارجاع امر به کارشناس

«داور» می تواند در مواردی که لازم بداند موضوع را به کارشناسی ارجاع و مقرر کند که هر کدام از طرفین هر گونه اطلاعات مرتبط را در اختیار کارشناس قرار دهد و موجبات دسترسی وی را به مدارک مربوط، کالا، یا سایر اموال برای انجام بازبینی فراهم آورد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

در صورت درخواست یکی از طرفین و یا در صورتی که «داور» لازم بداند کارشناس باید پس از تقدیم گزارش کتبی، در جلسه استماع نیز شرکت کند و به سوالات پاسخ بگوید، طرفین نیز می توانند به منظور ادای شهادت در خصوص نکات مورد اختلاف، کارشناس یا کارشناسانی را به عنوان شاهد خود معرفی کنند.

ماده ۲۶- ورود شخص ثالث

هرگاه شخص ثالثی در موضوع داوری برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی نفع بداند، می تواند مادام که ختم رسیدگی اعلام نشده است وارد داوری شود، مشروط بر اینکه موافقتنامه و آیین داوری و «داور» را بپذیرد و ورود وی مورد ایراد هیچ کدام از طرفین واقع نشود.

فصل ششم - ختم رسیدگی و صدور رأی

ماده ۲۷- قانون حاکم

۱- «داور» برحسب قواعد حقوقی که طرفین در مورد ماهیت اختلاف برگزیده اند، اتخاذ تصمیم خواهد کرد. تعیین قانون یا سیستم حقوقی یک کشور مشخص، به هر نحو که صورت گیرد، به عنوان ارجاع به قوانین ماهوی آن کشور تلقی خواهد شد. قواعد حل تعارض مشمول این حکم نخواهد بود، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۲- در صورت عدم تعیین قانون حاکم از جانب طرفین «داور» براساس قانونی به ماهیت اختلاف رسیدگی خواهد کرد که به موجب قواعد حل تعارض مناسب تشخیص دهد.

۳- «داور» در صورتی که طرفین صریحاً اجازه داده باشند، می تواند براساس عدل و انصاف یا به صورت کدخدانشانه تصمیم بگیرد.

۴- «داور» باید در کلیه موارد براساس شرایط قرارداد اتخاذ تصمیم کند، و عرف بازرگانی موضوع مربوط را مورد نظر قرار دهد.

ماده ۲۸- سازش

چنانچه طرفین در جریان رسیدگی، اختلافات خود را از طریق سازش حل کنند، «داور» قرار سقوط دعوی داوری را صادر می کند و چنانچه یکی از طرفین تقاضا کند و طرف مقابل اعتراض نکند، موافقتنامه سازش را به صورت رأی داوری براساس شرایط مرضی الطرفین با رعایت مفاد ماده (۳۰) صادر می کند.

ماده ۲۹ - اخذ تصمیم توسط گروه داوران

در داوری هایی که توسط بیش از یک داور صورت می گیرد، هر تصمیم هیات داوری باید با اکثریت اعضای هیات داوری اتخاذ شود، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۳۰ - شکل و محتوای رأی

۱ - رأی باید به صورت کتبی باشد و به امضای داور یا داوران برسد. در موردی که داور بیش از یک نفر باشد، امضای اکثریت کافی خواهد بود، مشروط بر اینکه علت عدم امضای دیگر اعضا ذکر شود.

۲ - کلیه دلایلی که رأی بر آنها مبتنی است، باید در متن رأی آورده شود، مگر اینکه طرفین توافق کرده باشند که دلایل رأی ذکر نشود، یا رأی براساس شرایط مرضی الطرفین به موجب ماده (۲۸) صادر شده باشد.

۳ - رأی باید حاوی تاریخ و محل داوری موضوع بند (۱) ماده (۲۰) باشد.

۴ - پس از امضای رأی، رونوشت آن باید به هریک از طرفین ابلاغ شود.

ماده ۳۱ - ختم رسیدگی

رسیدگی داوری با صدور رأی نهایی یا به موجب دستور «داور» در موارد زیر خاتمه می یابد:

۱ - استرداد دعوا توسط خواهان مگر اینکه خوانده بدان اعتراض نماید و «داور» برای وی منافع قانونی و موجهی در حل و فصل نهایی اختلاف احراز نماید.

۲ - عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگی به دلیل دیگر به تشخیص «داور».

۳ - توافق طرفین در ختم رسیدگی

ماده ۳۲ - اصلاح، تفسیر رأی و رأی تکمیلی

۱ - «داور» می تواند بنا به تقاضای هر یک از طرفین یا راسا هرگونه اشتباه در محاسبه، نگارش و یا اشتباهات مشابه در رأی را اصلاح و یا از آن رفع ابهام کند.

مهلت تقاضای طرفین سی (۳۰) روز از تاریخ ابلاغ رأی می باشد، و باید نسخه ای از تقاضای مزبور برای طرف دیگر ارسال شود.

«داور» حداکثر ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ وصول تقاضا و در مواردی که راسا متوجه اشتباه یا ابهام شده باشد، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ صدور رأی، نسبت به اصلاح یا تفسیر آن اقدام خواهد کرد.

۲ - هر کدام از طرفین می تواند ضمن ارسال اخطاریه برای طرف دیگر، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ دریافت رأی، از «داور» تقاضا کند نسبت به ادعاهایی که اقامه کرده، ولی در رأی مسکوت مانده است رأی تکمیلی صادر کند. «داور» چنانچه این درخواست را

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

موجه تشخیص دهد، ظرف شصت (۶۰) روز نسبت به صدور رأی تکمیلی اقدام می کند. «داور» می تواند در صورت لزوم مهلت مزبور را تمدید کند.

۳- مقررات ماده (۳۰) در مورد اصلاح، تفسیر و رأی تکمیلی لازم الرعایه است.

فصل هفتم - اعتراض به رأی

ماده ۳۳ - درخواست ابطال رأی

۱- رأی داوری در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده (۶) قابل ابطال است:
الف - یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد.

ب - موافقتنامه داوری به موجب قانونی که طرفین بر آن موافقتنامه حاکم دانسته اند معتبر نباشد و در صورت سکوت قانون حاکم، مخالف صریح قانون ایران باشد.

ج - مقررات این قانون در خصوص ابلاغ اظهاریه های تعیین داور یا درخواست داوری رعایت نشده باشد.

د - درخواست کننده ابطال، به دلیلی که خارج از اختیار او بوده، موفق به ارائه دلایل و مدارک خود نشده باشد.

ه - «داور» خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد. چنانچه موضوعات مرجوعه به داوری قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیارات «داور» بوده، قابل ابطال است.

و - ترکیب هیات داوری یا آیین دادرسی مطابق موافقتنامه داوری نباشد و یا در صورت سکوت و یا عدم وجود موافقتنامه داوری، مخالف قواعد مندرج در این قانون باشد.

ز - رأی داوری مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داوری باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده (۶) پذیرفته شده است.

ح - رأی داوری مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد.

ط - پس از صدور رأی داوری مدارکی یافت شود که دلیل حقانیت معترض بوده و ثابت شود که آن مدارک را طرف مقابل مکثوم داشته و یا باعث کتمان آنها شده است.

۲- در خصوص موارد مندرج در بندهای (ح) و (ط) این ماده، طرفی که از سند مجعول یا مکثوم متضرر شده است، می تواند پیش از آنکه درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورد، از «داور» تقاضای رسیدگی مجدد نماید، مگر در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۳- درخواست ابطال رأی موضوع بند (۱) این ماده ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی داوری اعم از رأی تصحیحی، تکمیلی یا تفسیری به معترض، باید به دادگاه موضوع ماده (۶) تقدیم شود، و الا مسموع نخواهد بود.

ماده ۳۴ - بطلان رأی

در موارد زیر رأی «داور» اساساً باطل و غیرقابل اجراست:

۱- در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

- ۲- در صورتی که مفاد رأی مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد.
- ۳- رأی داوری صادره در خصوص اموال غیرمنقول واقع در ایران با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران و یا با مفاد اسناد رسمی معتبر معارض باشد، مگر آنکه در مورد اخیر «داور» حق سازش داشته باشد.

فصل هشتم - اجرای رأی

ماده ۳۵ - اجرا

- ۱- به استثنای موارد مندرج در مواد (۳۳) و (۳۴) آرای داوری که مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعی و پس از ابلاغ لازم الاجرا است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده (۶) ترتیبات اجرای احکام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته می شوند.
- ۲- در صورتی که یکی از طرفین از دادگاه موضوع ماده ۶ این قانون درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورده باشد و طرف دیگر تقاضای شناسایی یا اجرای آن را کرده باشد، دادگاه می تواند در صورت درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای رأی، مقرر دارد که درخواست کننده ابطال تأمین مناسب بسپارد.

فصل نهم - سایر مقررات

ماده ۳۶ - سایر مقررات

- ۱- داوری اختلاف تجاری بین المللی موضوع این قانون از شمول قواعد داوری مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین و مقررات مستثنی است.
- ۲- این قانون نسبت به سایر قوانین جمهوری اسلامی ایران که به موجب آنها اختلافات خاصی را نمی توان به داوری ارجاع کرد، تاثیری نخواهد داشت.
- ۳- در صورتی که در معاهدات و توافقه های فی مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر دول ترتیبات و شرایط دیگری برای داوریهای موضوع این قانون مقرر شده باشد، همان ترتیبات و شرایط متبع خواهد بود.

مبحث چهارم؛ آئین نامه حق الزحمه داوری

«تاریخ تصویب: ۲۰ / ۹ / ۱۳۸۰»

- ماده ۱- حق الزحمه داوری برابر مقررات و در مهلت تعیین شده تا ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال خواسته پنج درصد و نسبت به مازاد از پنجاه میلیون ریال تا ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال سه درصد و مازاد بر آن دو درصد خواسته خواهد بود مگر اینکه در قرارداد داوری ترتیب دیگری مقرر شده باشد.
- ماده ۲- حق الزحمه داوری در مواردی که خواسته مالی نیست و یا تعیین قیمت ممکن نیست برای هر داور پانصد هزار ریال و چنانچه کمیت یا کیفیت کار اقتضای حق الزحمه بیشتری داشته باشد طبق نظر دادگاه تعیین می شود.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

ماده ۳- چنانچه دعاوی متعدد باشد حق الزحمه هر دعوی جداگانه تعیین و بر مبنای تعرفه فوق محاسبه و تعیین می گردد. تشخیص متعدد بودن دعاوی با دادگاه خواهد بود.

ماده ۴- حق الزحمه داوری طبق تعرفه در زمان انتخاب داوران تعیین می شود.

ماده ۵- چنانچه در اثنای کار داوری، طرفین سازش نمایند، تعیین میزان حق الزحمه داوران با توجه به اقدامات انجام شده با دادگاه خواهد بود.

ماده ۶- حق الزحمه داوران باید در صندوق سپرده دادگستری تودیع و پس از انجام کار داوری طبق مقررات به آنها پرداخت شود.

ماده ۷- چنانچه امر داوری مستلزم عزیمت به خارج از محل اقامت داور باشد هزینه مسافرت بر مبنای هر کیلومتر رفت و برگشت ۵۰۰ ریال و برای هر روز مقطوعاً دویست هزار ریال تعیین می گردد کسر کیلومتر و روز کامل محاسبه خواهد شد.

ماده ۸- هزینه های امر داوری از قبیل هزینه انجام آزمایشها و تهیه نمونه های لازم و گمانه زنی که طبق نظر داور ضروری باشد به عهده طرفین خواهد بود.

ماده ۹- در صورتی که انجام امر داوری مستلزم عزیمت به خارج از کشور باشد اخذ روادید و هزینه های مربوطه اعم از پرداخت عوارض خروج از کشور و تهیه بلیط هواپیما، هزینه اقامت و همچنین سایر هزینه های سفر و پرداخت فوق العاده روزانه (برابر مصوبه هیأت وزیران هم ردیف مدیر کل) به عهده متقاضیان داوری می باشد.

ماده ۱۰- چنانچه مستندات و مدارک مربوط به داوری به زبان خارجی باشد در صورت ترجمه آن توسط داور، هزینه بر اساس آئین نامه تعرفه مترجمین رسمی تعیین می گردد.

ماده ۱۱- این آئین نامه در ۱۱ ماده تهیه و در تاریخ ۲۰/۹/۱۳۸۰ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است.

مبحث پنجم؛ لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۲۲/۱۰/۱۳۳۷

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون اشخاص زیر:

۱ - نخست وزیر - وزیران - معاونین و نمایندگان مجلسین

۲ - سفرا - استانداران - فرمانداران کل - شهرداران - و نمایندگان انجمن شهر.

۳ - کارمندان و صاحب منصبان کشوری و لشگری و شهرداریها و دستگاههای وابسته بآنها.

۴ - کارکنان هر سازمان یا بنگاه یا شرکت یا بانک یا هر مؤسسه دیگر که اکثریت سهام یا اکثریت منافع یا مدیریت یا اداره کردن یا نظارت آن متعلق به دولت و یا شهرداریها و یا دستگاههای وابسته به آنها باشد.

۵ - اشخاصی که بنحوی از انحاء از خزانه دولت یا مجلسین یا مؤسسات مذکور در بالا حقوق یا مقرری یا حق الزحمه یا پاداش و یا امثال آن بطور مستمر (باستثنای حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری قانونی) دریافت می دارند.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه ریزی آزمون های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

- ۶- مدیران و کارکنان بنگاههای خیریه‌ای که از دولت یا از شهرداریها کومک [کمک] مستمر دریافت می‌دارند.
- ۷- شرکت و مؤسساتی که پنج درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع آن متعلق بیک نفر از اشخاص مذکور در فوق و یا بیست درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع آن متعلق به چند نفر از اشخاص مذکور در فوق باشد و یا اینکه نظارت یا مدیریت و یا اداره و یا بازرسی مؤسسات مذکور با آنها باشد باستثناء شرکت‌ها و مؤسساتی که تعداد صاحبان سهام آن یکصد و پنجاه نفر و یا بیشتر باشد مشروط بر اینکه هیچیک از اشخاص مذکور در فوق بیش از پنج درصد از کل سهام آنرا نداشته و نظارت یا مدیریت یا اداره و یا بازرسی آن به اشخاص مذکور در فوق نباشد.
- ۸- شرکت هائی که اکثریت سهام یا سرمایه یا منافع آنها متعلق به شرکتهای مندرج در بند ۷ باشد نمی‌توانند (اعم از اینکه در مقابل خدمتی که انجام می‌دهند حقوق یا مالی دریافت دارند یا آنکه آن خدمت را بطور افتخاری و رایگان انجام دهند) در معاملات یا داوری در دعاوی با دولت یا مجلسین یا شهرداریها یا دستگاههای وابسته به آنها و یا مؤسسات مذکور در بند ۴ و ۶ این ماده شرکت نمایند اعم از اینکه دعاوی مزبور در مراجع قانونی مطرح شده یا نشده باشد. (باستثنای معاملاتی که قبل از تصویب این قانون قرارداد آن منعقد شده باشد.
- تبصره ۱- پدر و مادر و برادر و خواهر و زن یا شوهر و اولاد بلا فصل و عروس و داماد اشخاص مندرج در این قانون و همچنین شرکت‌ها و مؤسساتی که اقرباء فوق‌الذکر بنحو مندرج در بند ۷ و ۸ در آن سهام یا دارای سمت باشند نمی‌توانند با وزارتخانه‌ها و یا بانکها و یا شهرداریها و سازمانها و یا سایر مؤسسات مذکور در این قانون که این اشخاص در آن سمت و رارت [وزارت] و یا معاملات [معاونت] یا مدیریت دارند وارد معامله یا داوری شوند.
- تبصره ۲- شرکت‌های تعاونی کارمندان مؤسسات مذکور در این ماده در امور مربوط بتعاون از مقررات این قانون مستثنی خواهند بود.
- تبصره ۳- منظور از معاملات مندرج در این ماده عبارت است از:
- ۱- مقاطعه کاری (باستثنای معاملات محصولات کشاورزی ولو آنکه از طریق مقاطعه انجام شود).
 - ۲- حق‌العمل کاری.
 - ۳- اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری (باستثنای معادن طبقه اول مندرج در قانون معادن و همچنین نمک طعام که معادن مذکور در ملک شخصی آنها واقع است
 - ۴- قرارداد نقشه‌برداری و قرارداد نقشه‌کشی و نظارت در اجرای آن.
 - ۵- قرارداد مطالعات و مشاورات فنی و مالی و حقوقی.
 - ۶- شرکت در مزایده و مناقصه
 - ۷- خرید و فروش هائی که باید طبق قانون محاسبات عمومی با مناقصه و یا مزایده انجام شود هر چند بموجب قوانین دیگر از مناقصه و مزایده استثناء شده باشد.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

تبصره ۴ - معاملات اجناس و کالاهای انحصاری دولت و امور مطبوعاتی دولت و شهرداریها موضوع این قانون مستثنی است

ماده دوم - اشخاصی که بر خلاف مقررات ماده فوق شخصاً و یا بنام و یا واسطه اشخاص دیگر مبادرت بانجام معامله نمایند و یا بعنوان داوری در دعاوی فوق‌الاشعار شرکت کنند و همچنین هر یک از مستخدمین دولتی (اعم از کشوری و لشگری) و سایر اشخاص مذکور در ماده فوق در هر رتبه و درجه و مقامی که باشند هر گاه برخلاف مقررات این قانون عمل نمایند بحسب مجرد از دو تا چهار سال محکوم خواهند شد و همین مجازات برای مسئولین شرکتهای و مؤسسات مذکور در بند ۷ و ۸ ماده اول که با علم و اطلاع بستگی و ارتباط خود و یا شرکاء را در موقع تنظیم قرارداد و انجام معامله اظهار نمایند نیز مقرر است و معاملات مزبور باطل بوده و متخلف شخصاً و در صورت تعدد متضامناً مسئول پرداخت خسارات ناشی از آن معامله یا داوری و ابطال آن می‌باشند.

تبصره - کارمندان مشمول ماده اول که بر اثر اجرای این قانون مایل به ادامه خدمت دولتی نباشند بازنشسته محسوب و در صورتیکه مشمول مقررات بازنشستگی نباشند کسور بازنشستگی پرداختی دفعتاً واحده به آنان پرداخت می‌شود.

ماده سوم - از تاریخ تصویب این قانون هیچ یک از نمایندگان مجلسین در دوره نمایندگی حق قبول وکالت در محاکم و مراجع دادگستری ندارند ولی دعاوی و وکالت‌هایی که قبل از تصویب این قانون قبول کرده‌اند بقوت خود باقی است.

ماده چهارم - دولت مأمور اجرای این قانون می‌باشد.

قانون فوق که مشتمل بر چهار ماده و پنج تبصره است در جلسه سه‌شنبه دوم دی ماه یک هزار و سیصد و سی و هفت به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

مبحث ششم؛ مواد مرتبط از قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱

ماده ۱۶- به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضائیه موظف است ظرف سه سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاههای خانواده ایجاد کند.

تبصره - در مناطقی که مراکز مشاوره خانواده وابسته به سازمان بهزیستی وجود دارد دادگاهها می‌توانند از ظرفیت این مراکز نیز استفاده کنند.

ماده ۱۷- اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسان رشته‌های مختلف مانند مطالعات خانواده، مشاوره، روان پزشکی، روان شناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی انتخاب می‌شوند و حداقل نصف اعضای هر مرکز باید از بانوان متأهل واجد شرایط باشند. تعداد اعضاء، نحوه انتخاب، گزینش، آموزش و نحوه رسیدگی به تخلفات اعضای مراکز مشاوره خانواده، شیوه انجام وظایف و تعداد این مراکز و نیز تعرفه خدمات مشاوره‌ای و نحوه پرداخت آن به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به‌وسیله وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

ماده ۱۸- در حوزه‌های قضائی که مراکز مشاوره خانواده ایجاد شده است، دادگاه خانواده می‌تواند در صورت لزوم با مشخص کردن موضوع اختلاف و تعیین مهلت، نظر این مراکز را در مورد امور و دعاوی خانوادگی خواستار شود.

ماده ۱۹- مراکز مشاوره خانواده ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین، خواسته‌های دادگاه را در مهلت مقرر اجراء و در موارد مربوط سعی در ایجاد سازش می‌کنند. مراکز مذکور در صورت حصول سازش به تنظیم سازش نامه مبادرت و در غیر این صورت نظر کارشناسی خود در مورد علل و دلایل عدم سازش را به طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام می‌کنند.

تبصره - دادگاه با ملاحظه نظریه کارشناسی مراکز مشاوره خانواده به تشخیص خود مبادرت به صدور رأی می‌کند.

ماده ۲۵- در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد. در این موارد طرفین می‌توانند تقاضای طلاق توافقی را از ابتداء در مراکز مذکور مطرح کنند.

در صورت عدم انصراف متقاضی از طلاق، مرکز مشاوره خانواده موضوع را با مشخص کردن موارد توافق جهت اتخاذ تصمیم نهائی به دادگاه منعکس می‌کند.

ماده ۲۷- در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند.

ماده ۲۸- پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری، هریک از زوجین مکلفند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ یک نفر از اقارب متأهل خود را که حداقل سی سال داشته و آشنا به مسائل شرعی و خانوادگی و اجتماعی باشد به عنوان داور به دادگاه معرفی کنند.

تبصره ۱- محارم زوجه که همسرشان فوت کرده یا از هم جدا شده باشند، در صورت وجود سایر شرایط مذکور در این ماده به عنوان داور پذیرفته می‌شوند.

تبصره ۲- در صورت نبود فرد واجد شرایط در بین اقارب یا عدم دسترسی به ایشان یا استنکاف آنان از پذیرش داوری، هریک از زوجین می‌توانند داور خود را از بین افراد واجد صلاحیت دیگر تعیین و معرفی کنند. در صورت امتناع زوجین از معرفی داور یا عدم توانایی آنان دادگاه، خود یا به درخواست هریک از طرفین به تعیین داور مبادرت می‌کند.

مبحث هفتم؛ ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان

ماده ۵۳ - حل اختلاف

الف) هر گاه در اجرا یا تفسیر مفاد پیمان بین دو طرف اختلاف نظر پیش آید دو طرف می‌توانند برای حل سریع آن قبل از درخواست ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به داوری طبق بند "ج" بر حسب مورد به روش تعیین شده در بندهای ۱ و ۲ عمل نمایند. (۱) در مورد مسائل ناشی از برداشت متفاوت دو طرف از متون بخشنامه‌هایی که به استناد ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه از سوی سازمان برنامه و بودجه ابلاغ شده است هریک از دو طرف از سازمان برنامه و بودجه چگونگی اجرای بخشنامه مربوط را اعلام نماید و دوطرف طبق نظری که از سوی سازمان برنامه و بودجه اعلام می‌شود عمل کنند.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/@sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

۲) در مورد اختلاف نظرهایی که خارج از شمول بند یک است رسیدگی و اعلام نظر درباره آنها به کارشناس یا هیات کارشناسی منتخب دو طرف واگذار شود و دو طرف طبق نظری که از سوی کارشناس یا هیات کارشناسی در چارچوب پیمان و قوانین و مقررات مربوط اعلام می‌گردد عمل کنند.

ب) در صورتی که دو طرف در انتخاب کارشناس یا هیات کارشناسی موضوع بند ۲ به توافق نرسند یا نظر اعلام شده طبق بندهای ۱ و ۲ مورد قبول هریک از دو طرف نباشد برای حل اختلاف طبق بند "ج" اقدام می‌گردد.

ج) هر گاه در اجرا یا تفسیر مفاد پیمان بین دو طرف اختلاف نظر پیش آید هر یک از طرف‌ها می‌تواند درخواست ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به داوری را به رئیس سازمان برنامه و بودجه ارائه نماید.

تبصره ۱- چنانچه رئیس سازمان یاد شده با تقاضای مورد اشاره موافقت نمود مرجع حل اختلاف شورای عالی فنی خواهد بود.
تبصره ۲- رسیدگی و اعلام نظر شورای عالی فنی در چارچوب پیمان و قوانین و مقررات مربوط انجام می‌شود پس از اعلام نظر شورای یاد شده طرف‌ها بر طبق آن عمل می‌نمایند.

د) ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به شورای عالی فنی تغییری در تعهدات قراردادی دو طرف نمی‌دهد و موجب آن نمی‌شود که یکی از دو طرف به تعهدات قراردادی خویش عمل نکند.

مبحث هشتم؛ مواد مرتبط از قانون برنامه توسعه سوم و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ماده ۲۰- رسیدگی، اظهار نظر و اتخاذ تصمیم در مورد شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی از هر یک تصمیمها در امر واگذاری در صلاحیت هیأت داوری است و این موضوع در قراردادهای تنظیمی و واگذاری سهام قید می‌شود و به امضای طرفین قرارداد می‌رسد.
ماده ۲۱- هیأت داوری موضوع ماده (۲۰) این قانون مرکب از هفت نفر بشرح زیر است:

۱- پنج نفر از متخصصان امور اقتصادی، مالی، بازرگانی، فنی و حقوقی، به پیشنهاد مشترک وزیر امور اقتصادی و دارائی، وزیر دادگستری و رئیس سازمان برنامه و بودجه و تصویب هیأت وزیران برای مدت شش سال.
۲- رئیس اتاق تعاون.

۳- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران.
این هیأت در مورد شکایات و اختلافات مربوط به واگذاری، رسیدگی و تصمیم‌گیری خواهد کرد. نحوه تشکیل جلسات هیأت و چگونگی اتخاذ تصمیم آن بر اساس آیین نامه ای است که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲۲- جلسات هیأت داوری با حضور حداقل پنج نفر از اعضاء رسمیت خواهد یافت و تصمیمهای آن با رأی اکثریت اعضای حاضر در جلسه دارای اعتبار قانونی است (نظر اقلیت نیز باید در صورت مجلس قید و به امضاء برسد).

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)

ماده ۲۳- رأی هیأت داوری پس از ده روز از تاریخ ابلاغ به طرفین، قطعی و لازم الاجراست و چنانچه طی مدت مذکور و پس از انقضاء مدت مذکور صرفاً در صورت وجود عذر موجه برای تأخیر یکی از طرفین نسبت به رأی صادره اعتراض داشته باشد باید اعتراض خود را کتباً به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تقدیم نماید. شعبه خاصی که توسط رئیس قوه قضائیه تعیین خواهد شد خارج از نوبت به اعتراض رسیدگی و رأی مقتضی صادر می نماید. رأی صادره قطعی و لازم الاجراست.

ماده ۳۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴

ماده ۳۰- مواد (۲۰) تا (۲۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تنفیذ می گردد.

تبصره ۱- دستورالعمل اجرائی موضوع ماده (۲۴) قانون مزبور حداکثر ظرف مدت سه ماه از تصویب این قانون با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت واگذاری خواهد رسید.

تبصره ۲- مصوبات این شورا در اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای ریاست مجلس شورای اسلامی ارسال می گردد. در صورت اعلام مغایرت از سوی رئیس مجلس شورای اسلامی، شورا موظف است نسبت به اصلاح یا لغو مصوبات خود اقدام کند.

Telegram Channel: [@sadeghian_mehran](https://t.me/sadeghian_mehran) Instagram: [@sadeghian_mehran](https://www.instagram.com/sadeghian_mehran) Bale: [@sadeghian_mehran](https://www.bale.com/sadeghian_mehran)

Email: Mehran.sadeghian@yahoo.com Phone Number: 09209219100

مشاوره، پشتیبانی و برنامه‌ریزی آزمون‌های حقوقی (ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت)